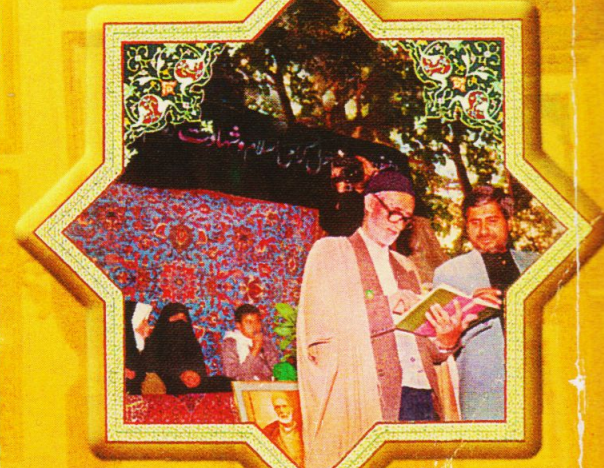


با خادمان قرآن

آشنایی با مقدمات، اصول و روش های حفظ قرآن
و معرفی خانواده قرآنی وزیری





فروشگاه فرهنگی شهید زین الدین
آرد قم بازار قدس ۷۳۲۵۷۱

حافظ کل قرآن کریم محمد صادق وزیر



خانواده وزیری اعجاز قرآن در قرن حاضر میباشند
امام خاتمه ای

حُرمت وزیری

خانواده وزیری

قم خیابان امیرکبیر
کوچه شماره ۱۵ محله قم نو
نیشته کوچه شهید موسوی
پلاک ۱ - نوبت: ۴۲۱۳۰ - ۴۲۱۳۰
جمهوری اسلامی ایران

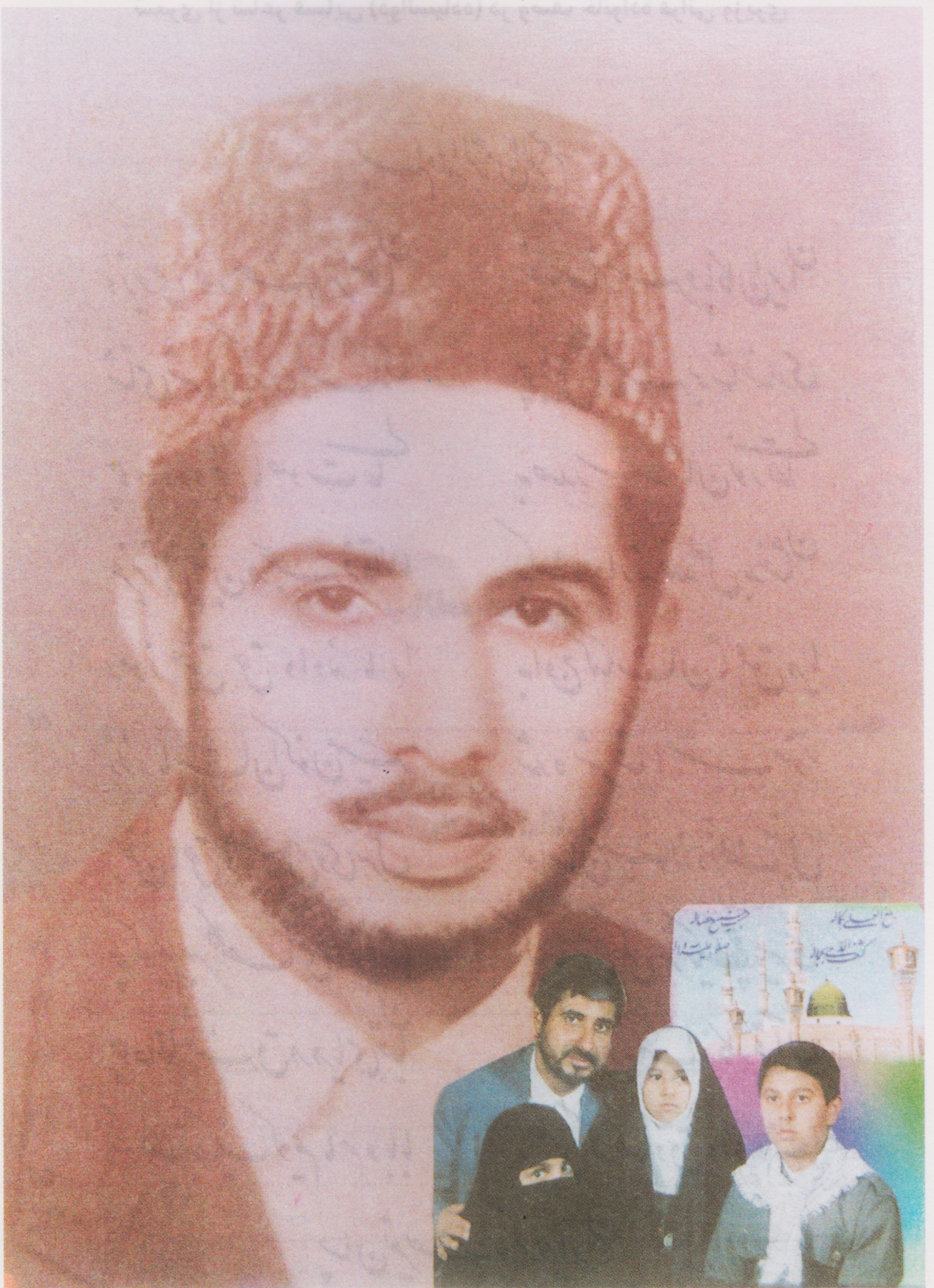


خانه های خود را با تلاوت قرآن نورانی کنید

خانواده قرآنی
استاد وزیری



موسسه نجم الاقب
تلفن: ۰۲۶۱۵۰۳۳۳۳۳۳۳۳



پدر بزرگ خانواده وزیر خادِم قرآن (مرحوم وزیر علی الاءدین پوناوالا)

بسم الله الرحمن الرحيم

وزیری نور چشم هر مسلمان	خصوصاً هر سپرد پاکان ایران
شامی شهرمان کرده بهساری	چو بلبل در محراب بر شاخاری
چو داود دینی با صوت عالی	به صدر سینۀ شان نور تعالی
غزیرانی چنین در بحر فرقان	به کف دارند صد لعل بدیشان
رموز عشق حق دادند ما را	به اوج کماکان تا عمق دریا
ز نور ما به شان اکنون میسر	شده شرفاً امشب منور
سخن با حق چو بلبل روی هر گل	نواشان مینواز در زلف سنبل
چه گویم بهر کلهای وزیری	که با سن کمی هر یک چه میری
چو حافظ عنبرق در دیای تیان	دهن پرده به لب اذکار قرآن
دو صد تبریک گویم مام و بابا	به تعلیمی که صادق داد و زهرا

چنان تعریف باید کرد یاران

ندانند ذوالسیاده هست حیران

فهرست مطالب

مقدمه ۱۵

فصل اول: از وزیرعلی تا وزیر

از وزیرعلی تا وزیر	۲۱
۱. مردی در پونا	۲۱
۲. هجرت وزیرعلی	۲۲
۳. وزیرعلی در پاکستان	۲۳
۴. اثر عمل خیر	۲۴
۵. درآمد زیاد و زندگی ساده	۲۵
۶. وزیرعلی پس از مرگ	۲۶
۷. چگونه ثروتمند شویم؟	۲۷
۸. وزیرعلی حافظ قرآن	۲۷
۹. بانوی معتقد	۲۸

۲۸	۱۰. راه برآورده شدن حاجات
۲۸	۱۱. حاجی شدن چه آسان
۲۹	۱۲. کلید باغ تقوا
۳۰	۱۳. وزیرعلی و پانزده فرزند
۳۰	۱۴. حرمتعلی و خدمات ارزنده‌اش
۳۱	۱۵. حرمتعلی و هشت میلیون تومان پول
۳۲	۱۶. حرمتعلی در روزنامه‌ها
۳۳	۱۷. حرمتعلی در جوانی حاجی می‌شود
۳۳	۱۸. سه حاجت در حج اول
۳۴	۱۹. تولد محمدصادق و وفای به عهد
۳۴	۲۰. هجرت در آستانه مدرک کارشناسی
۳۵	۲۱. هجرت و زیان مالی
۳۵	۲۲. حج دوم و تولد زهرا
۳۶	۲۳. حج به نیت چهارده معصوم
۳۶	۲۴. حضرت فاطمه معصومه <small>علیها السلام</small> و شفای زهرا
۳۸	۲۵. حاج حرمتعلی در انتظار حج چهارم
۳۹	۲۶. فرزند سوم: فاطمه
۴۰	محمدصادق
۴۰	۱. محمد صادق در مدرسه
۴۱	۲. محمدصادق و شروع حفظ قرآن
۴۲	۳. محمدصادق در خواب حاجی می‌شود
۴۲	۴. رویای عجیب و سرنوشت‌ساز
۴۳	۵. از تو حرکت؛ از من برکت

فصل دوم: حفظ و رموز موفقیت

۴۷ مقدمه استاد
۵۱ چهارده سؤال
۵۱ ۱. میزان حفظ اعضای خانواده
۵۲ ۲. ویژگیهای حفظ قرآن و نوع اطلاعات خانواده
۶۰ ۳. علت حفظ ۷۲ کتاب
۶۲ ۴. برنامه حفظ قرآن برای امام و شهدا
۶۴ ۵. با وجود امکانات بسیار، چه نیازی به حفظ قرآن است
۶۹ ۶. درباره حافظ قرآن
۷۲ ۷. موارد قابل توجه در آغاز حفظ قرآن
۷۸ ۸. اصول موفقیت در حفظ قرآن
۸۶ ۹. علت از دست دادن اشتیاق حفظ قرآن
۸۹ ۱۰. مناسبترین سن برای حفظ قرآن
۸۹ ۱۱. طریقه کمک والدین به فرزندان در حفظ قرآن
۸۹ ۱۲. روش حفظ برای دوره‌های سنی
۸۹ ۱۳. تأثیر حفظ قرآن در زندگی
۹۴ روشهای پنجگانه حفظ قرآن
۹۴ روش اول: الف) قبل از تولد
۱۰۳ (ب) بعد از تولد
۱۰۸ روش دوم: برای گروه سنی دو الی هفت سال
۱۱۰ روش سوم: برای گروه سنی هفت الی پانزده سال
۱۱۱ روش چهارم: برای گروه سنی بالای پانزده سال
۱۱۲ روش پنجم: روش ویژه
۱۱۴ ۱۴. مدت زمان لازم برای حفظ قرآن

فصل سوم: زندگی در سایه قرآن

- چهارده سؤال ۱۱۹
۱. محل سکونت و مخارج زندگی ۱۱۹
۲. الگوهای حقیقی ۱۱۹
۳. مخارج ماهانه؛ ۱۲۰۰ تومان ۱۲۱
۴. علل گرانی و راه‌های مبارزه با آن ۱۲۴
۵. اقتصاد قبل و بعد از انقلاب ۱۲۸
۶. زندگی فقط در قم! ۱۲۹
۷. خانه‌ای کوچک اما با برکت ۱۳۰
۸. سفرهای داخلی و خارجی ۱۳۲
۹. ماهانه ۲۵ روز در سفر! ۱۳۳
۱۰. تأمین مخارج زندگی، چگونه؟ ۱۳۵
۱۱. خاطرات به یاد ماندی ۱۳۶
۱۲. شرکت در مسابقات ۱۳۹
۱۳. دیگر در مسابقات شرکت نمی‌کنیم! ۱۴۰
۱۴. جوایز دریافتی و درخواستی ۱۴۲

فصل چهارم: پیشنهادها و دیدگاهها

۱. پیشنهاد به مدارس و حوزه‌های علمیه ۱۴۷
۲. پیشنهاد به وزارتخانه‌های آموزشی ۱۵۰
۳. تخفیف مجازات برای حافظان قرآن کریم ۱۵۲
۴. اهدای جوایز جهانی امام خمینی به خانواده نمونه قرآنی سال ۱۵۳
۵. راه‌اندازی شبکه تلویزیونی قرآن ۱۵۵
۶. تأمین مخارج چهارده حافظ قرآن توسط ادارات، کارخانه‌ها و ۱۵۶

۷. صدور کارت ویژه برای حافظان قرآن ۱۵۷
۸. اختصاص چهارده جایزه بانکی به حافظان قرآن کریم ۱۵۸
۹. استقبال گسترده از برگزیدگان مسابقات کشوری و بین‌المللی قرآن کریم ۱۵۸
۱۰. جایزه معنوی جمهوری اسلامی ایران در مسابقات بین‌المللی قرآن ۱۶۰
۱۱. ضرورت ارائه خدمات رایگان برای حفظ قرآن ۱۶۲
۱۲. دیدگاه استاد وزیری در مورد جمهوری اسلامی ایران ۱۶۳
۱۳. نظر استاد وزیری در مورد مسؤولان جمهوری اسلامی ایران ۱۶۶
۱۴. توصیه‌های استاد وزیری به ملت شریف جمهوری اسلامی ایران ۱۶۸

فصل پنجم: پیوستهای متفرقه

- پنج سؤال ۱۷۵
۱. خاطرات سفر به سرزمین وحی ۱۷۵
۲. دانشگاه‌های خارجی و دکترای علوم قرآنی ۱۸۲
۳. دکترای پاس‌سازندگی ۱۸۳
۴. در مورد اشاره‌ها ۱۸۴
۵. توصیه‌ها ۱۹۱
- سؤال ویژه ۱۹۴
- اسامی ۷۲ کتاب حفظ شده توسط خانواده قرآنی وزیری ۱۹۶
- گزیده‌ای از جراید ۲۰۰
- گزیده‌ای از لوحها و تقدیرنامه‌ها ۲۱۱
- گزیده‌ای از دوگزارش ۲۲۳
- عکسها ۲۲۵

مقدمه

اکنون که به حول و قوه الهی و برکت قرآن و عترت و در پرتو عنایات خاصه کریمه اهل بیت حضرت فاطمه معصومه علیها السلام موفق شدم - پس از ۵ سال آشنایی و ارتباط با خانواده قرآنی استاد وزیری که نمونه‌ای از برکات و ثمرات انقلاب اسلامی ایران به رهبری احیاگر قرآن در عصر حاضر حضرت امام خمینی رضی الله عنه می‌باشند - این مجموعه را در زمانی که ولایت امری مسلمین در دست نایب برحق امام عصر (ارواحنا فداه) و مرجع عظیم‌الشان جهان تشیع حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای (دام عزه) که از اساتید بزرگ قرآن کریم و مشوق اصلی برنامه‌ها و فعالیت‌های قرآنی می‌باشد گردآوری نمایم، لازم می‌دانم نکاتی را به عنوان مقدمه بیان کنم:

۱. هدف از تهیه این مجموعه، ارائه الگویی مناسب و نمونه، به خیل مشتاقان حفظ

قرآن مجید است و گزینش این خانواده به دلایل زیر می‌باشد:

الف) کل اعضای این خانواده، حافظ قرآن می‌باشند، که می‌توانند الگوی مناسبی

برای پدران، مادران و فرزندان خانواده‌ها باشند.

ب) تعدد و تنوع دانستیها، همچنین میزان محفوظات و اطلاعات قرآنی و سایر

کتب در زمینه علوم و معارف اسلامی اعضای خانواده، که در این زمینه بی نظیر می باشند.

ج) خلوص نیت و همکاری صمیمانه پدر و استاد خانواده (جناب آقای حاج حرمتعلی وزیری) در تربیت و پرورش چنین فرزندان قرآنی.

د) نبوغ و استعداد سرشار اعضای خانواده که به برکت حفظ قرآن نصیب این بزرگواران گردیده است و وجود آنها را به اقیانوسی از اطلاعات قرآنی و روایات اسلامی تبدیل نموده است.

ه) غیر ایرانی بودن این خانواده که در پرتو نعمت نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران به چنین توفیقاتی دست یافته اند؛ که از طرفی ما را به شناخت بیشتر این نعمت و استفاده کامل از آن متوجه می سازد و از طرف دیگر به غیر ایرانیهای داخل و خارج کشور برکت این سرزمین را آشکار می سازد.

۲. در بخش اول این مجموعه ضمن آشنایی با اصالت این خانواده با اعضای آن نیز آشنا می شویم و مطالبی درباره هر کدام می خوانیم.

در بخش های دوم و سوم که به صورت مصاحبه می باشد با رموز موفقیت این خانواده در امور قرآنی و زندگی شخصی آنها آشنا می گردیم و در بخش چهارم از نظرات و پیشنهادات استاد وزیری بهره می گیریم.

در بخش پایانی، مطالب متنوع و جالب دیگری در مورد این خانواده آورده شده است که شناخت ما را با این خانواده کاملتر می گرداند.

۳. بنا به توصیه استاد وزیری در تقسیم بندیها سعی شده است تا جایی که ممکن است اعداد پنج (به نیت پنج تن)، دوازده (به نیت دوازده امام)، چهارده (به نیت چهارده معصوم علیهم السلام)، سی (به نیت سی جزء قرآن) مورد استفاده قرار گیرد. در ضمن بجز در متن آیات و روایات از کلمات تنوین دار استفاده نشده است.

۴. مطالب به صورت تدریجی گردآوری شده و به مرور زمان تغییراتی در آنها ایجاد شده که در برخی موارد، مانند افزایش میزان محفوظات و اطلاعات اعضای

خانواده، در این مجموعه تا مهر ماه ۱۳۷۷ تغییرات لازم صورت گرفته است. ۵. با توجه به این که بیشتر مطالب به صورت مصاحبه جمع آوری شده است، تبدیل مطالب گفتاری به نوشتاری باعث تغییراتی در اصل گفته ها گردیده که این امر ضروری می نمود. ولی سعی شده مضمون اصلی و مفهوم عبارات آورده شود. در پایان ضمن تقدیر و تشکر فراوان از همه عزیزانی که بنده را در گردآوری این مجموعه، راهنمایی و همکاری نموده اند به ویژه استاد معظم جناب آقای حاج حرمتعلی وزیری که در زمینه ارائه اطلاعات و مصاحبه کمال همکاری را داشتند. از همه عزیزانی که مطالب این مجموعه را مطالعه می فرمایند به خصوص اساتید و صاحب نظران بزرگوار درخواست می نمایم از ارائه نظرات و پیشنهادات سازنده خود دریغ نفرمایند تا ان شاء الله در چاپهای بعدی مورد توجه و اصلاح قرار گیرد.

۱۹ مهر ماه ۱۳۷۷

۲۰ جمادی الثانی ۱۴۱۹

مصادف با سالروز میلاد خجسته ام الائمه؛ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

و سالروز تولد زاده زهرا؛ حضرت روح الله الموسوی الخمینی مدینه

التماس دعا - ولی الله عرب مختاری

فصل اول

از وزیر علی تا وزیر

از وزیر علی تا وزیر

۱. مردی در پونا

سالها پیش یکی از بندگان خوب و مخلص خدا، در شهر پونای هندوستان زندگی می‌کرد. اسم این مرد مؤمن و با خدا، وزیر علی بود و چون اهل پونا بود، او را «وزیر علی پونا والا» می‌نامیدند.

در کشور پهناور هندوستان عده زیادی از مردم، از نعمت بزرگ هدایت و بندگی خدای یکتا به دورند و به جای پرستش ایزد دانا به عبادت غیر خدا - از قبیل: گاو، میمون و بتها - مشغولند و در برابر آنها به سجده می‌افتند؛ به آنها احترام می‌گذارند و حتی برایشان انسان قربانی می‌نمایند.

وزیر علی به قدری با تقوا و خداپرست بود که هیچ وقت تحت تأثیر محیط قرار نمی‌گرفت و لحظه‌ای از یاد خدا و کارکردن برای کسب رضای او و خدمت به خلق خدا غافل نمی‌شد.

او افسوس می‌خورد که چرا مردم این قدر نادان هستند که هیچ وقت در مورد آفریده‌های الهی تفکر نمی‌کنند و بجای عبادت و بندگی خدا، اسیر بندگی قدرتمندان، حیوانات و اجسام گشته‌اند.

البته عده زیادی از هندیها نیز، مانند وزیر علی مسلمانند و بازار خداپرستی و

دینداری را گرم نگه می‌دارند.

وزیر علی مردی زاهد و از دنیا دل بریده بود و زندگی بسیار ساده و بی‌تجملی داشت؛ وی که از دوستداران واقعی قرآن و عترت رسول الله و مجاهدین فی سبیل الله بود، با الگو گرفتن از مولای متقیان حضرت علی علیه السلام ساده زیستی را بر زندگی اشرافی ترجیح می‌داد و به اندکی از متاع دنیا قناعت می‌کرد.

او بیشتر اوقات را مشغول کار و تلاش بود و خود را وقف خدمت به اسلام و مسلمین و انجام فعالیت‌های دینی نموده بود. هر چند در سرزمینی بسر می‌برد که کفر، بیشتر آن را فرا گرفته بود.

وزیر علی بیشتر آنچه را که خداوند در پرتو کار خالصانه‌اش نصیب او می‌کرد به فقرا و نیازمندان می‌بخشید.

۲. هجرت وزیر علی

روز و روزگار می‌گذشت تا این که در سال ۱۳۲۶ ه. ش (۱۹۴۷ م.) به همت و رهبری یکی از شیعیان به نام محمد علی جناح، کشور پاکستان که تا آن زمان بخشی از هندوستان به شمار می‌رفت از هند جدا شد و به استقلال رسید.

در این زمان وزیر علی تصمیم گرفت به کشور تازه استقلال یافته پاکستان هجرت کند؛ به خاطر این که پاکستان یک کشور مسلمان‌نشین بود و رهبری آن را هم یکی از شیعیان یعنی محمد علی جناح بر عهده داشت.

دل از وطن، خانه و کاشانه و دوستان و آشنایان برید و برای این که بهتر بتواند به اسلام و مسلمین خدمت نماید برای هجرت آماده شد. بجای این که منزل خود را که یک ساختمان سه طبقه بود بفروشد و پول و وسایل سفر تهیه کند، آن را وقف کرد تا شیعیان پونا، به عنوان حسینیه جهت برگزاری مراسم دینی و عزاداری معصومین علیهم السلام استفاده نمایند. سپس با توکل بر خدا و با کوله‌باری از امید به رحمت الهی به همراه خانواده، پا در رکاب هجرت نهاد و راهی پاکستان شد.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ

عَفْوَرٌ رَحِيمٌ.^۱

۳. وزیر علی در پاکستان

وزیر علی، شهر کراچی پاکستان را برای زندگی انتخاب کرد و چند روزی به طور موقت در جایی مستقر شد. او تصمیم گرفت خانه‌ای بخرد تا در آن زندگی‌اش را سر و سامان دهد، ابتدا با پرداخت قسمتی از پول خانه‌ای، آن را خرید، چند روزی نگذشته بود که فروشنده آمد و خانه را پس گرفت. وزیر علی به جای دیگری رفته و خانه دیگری خرید، این بار هم معامله پس از مدتی به هم خورد و باز هم وزیر علی و خانواده‌اش بدون منزل ماندند.

وزیر علی که هیچ گاه از رحمت الهی ناامید نمی‌شد، باز هم به دنبال یافتن و خریدن خانه رفت. اما این بار پول کافی فراهم نمود تا نقد و یکجا خانه‌ای را بخرد و دچار مشکلات قبلی نشود. در همین زمان با خبر شد که یک فرد هندی به نام «موتنداس» می‌خواهد خانه‌اش را بفروشد. وزیر علی این شخص را پیدا کرد و خانه‌اش را دید و پسندید و پس از صحبت‌های مقدماتی، معامله قطعی شد و با پرداخت تمامی پول، خانه را خرید و آن جا را به نام خود کرد و آن جا به «وزیر مینشن» معروف گشت.

موتنداس موقع تحویل خانه به وزیر علی گفت: «این خانه برای شما مایه خیر و برکت می‌شود چرا که محمد علی جناح رهبر و بانی استقلال پاکستان در این جا به دنیا آمده است؛ وزیر علی ابتدا گفته موتنداس را باور نکرد تا این که یک سال بعد، یعنی در سال ۱۳۲۷ هـ. ش (۱۹۴۸ م.) محمد علی جناح (بنیانگذار پاکستان) از دنیا رفت.

چندی پس از این واقعه تعدادی از مسئولان پاکستان به همراه جمعی از خبرنگاران به خانه وزیر علی می‌آیند و می‌گویند: «این خانه محل تولد محمد علی جناح است و شما باید این جا را تخلیه کنید و به دولت پاکستان تحویل دهید.»

وزیر علی که تازه به درستی گفته صاحبِ قبلی خانه پی برده بود، بدون هیچ صحبت و تقاضا و درخواستی حرف آنها را پذیرفت و آمادگی خود را برای تخلیه منزل اعلام کرد.

یکی از مسؤولان می گوید: ما پس از تحویل گرفتن خانه، نام آن را عوض می کنیم. وزیر علی که به این عناوین و شهرتهای ظاهری اهمیت نمی داد در جواب می گوید: «من که شرطی برای خالی کردن این خانه نگذاشتم. شما هر کار می خواهید انجام دهید.»

وقتی وزیر علی این گونه پاسخ می دهد، مسؤولان نه تنها نام آن جا را تغییر نمی دهند بلکه ایستگاه مرکزی قطار را که در همان نزدیکی بوده به نام او نامگذاری می کنند.

علاوه بر این، دولت قطعه زمینی را هم که نزدیک همان خانه بود به وزیر علی می دهد و او آن جا را به یک مجتمع بزرگ تجاری تبدیل می کند و آن را به نام خود یعنی وزیر مینشن نامگذاری می نماید.

۴. اثر عمل خیر

به این ترتیب سه نقطه مهم در شهر کراچی در فاصله کمتر از یک کیلومتر به «وزیر مینشن» معروف می گردد. در پاکستان کمتر شخصی پیدا می شود که مانند وزیر علی در فاصله یک کیلومتر، چند جای مهم به نام او باشد؛ این شهرت و منزلت ظاهری که وزیر علی در شهر کراچی پیدا کرد فقط به خاطر این بود که وی به هنگام ترک هندوستان خانه خود را به جای این که بفروشد، در راه خدا وقف نمود و با امید به رحمت الهی به پاکستان مهاجرت کرد.

خدای متعال به واسطه رحمت بی منتهای خویش علاوه بر پاداش و اجر معنوی که در آخرت نصیب بندگان نیکوکار و مخلص می گرداند در این دنیا هم بهتر از آنچه بنده در راه خدا می دهد نصیبش می نماید و خیر و برکتش را شامل حال او می کند و نسلش را عزیز می گرداند تا به وسیله آنها نام و یاد او زنده بماند و این وعده حق الهی

به همه نیکوکاران است که:

فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ^۱

پس خداوند فتح و پیروزی در دنیا و ثواب در آخرت نصیبشان گردانید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

۵. درآمد زیاد و زندگی ساده

وزیر علی مجتمع بزرگ خود را در اختیار ۲۵۰ نفر قرار داد تا در آن جا به کسب و کار بپردازند و از آنها مبلغی به عنوان اجاره بها می‌گرفت. او از این طریق درآمد خوبی داشت و می‌توانست زندگی راحت و مرفهی داشته باشد و بهترین امکانات را برای خود و خانواده‌اش فراهم آورد.

اما او مرد خدا بود. سعادت و خوشبختی را در زندگی راحت و اشرافی نمی‌دید، بلکه اطاعت و فرمانبرداری از دستورات الهی و پیروی از سیره معصومین علیهم‌السلام و داشتن زندگی ساده و خداپسندانه را مایه سعادت دنیا و آخرت می‌دانست.

به همین علت با این که صاحب پانزده فرزند شده بود (که چهار نفرشان از دنیا رفته‌اند) و زندگیش نیاز به مخارج زیادی داشت، فقط حدود بیست درصد از درآمدش را صرف تأمین مایحتاج زندگی می‌کرد.

این کار تا حدودی موجب ناراحتی همسر و فرزندان او شده بود، چرا که با درآمد خوبی که داشتند اوضاع زندگیشان بسیار ساده بود و از طرفی نمی‌دانستند وزیر علی این همه پول را چه می‌کند.

زندگی ساده وزیر علی در کراچی به گونه‌ای بود که مردم فکر می‌کردند او فردی خسیس و پول دوست است و حتی خمس مالش را هم نمی‌دهد.

۶. وزیر علی پس از مرگ

وزیر علی در بیست و چهارم ماه شعبان ۱۳۹۷ هـ. ق (۱۳۵۶ هـ. ش، ۱۹۷۷ م.) از دنیا رفت و خبر درگذشت او به دیگر شهرهای پاکستان هم رسید، دسته‌ها و هیأت‌های عزادار از شهرهای مختلف جهت شرکت در مراسم عزاداری و ابراز همدردی با بازماندگان مرحوم وزیر علی به کراچی می‌آمدند.

خانواده مرحوم وزیر علی تعجب می‌کردند که این همه هیأت عزاداری برای چه به خانه آنها می‌آیند؟! وزیر علی که در زمان حیات خود این همه دوست و آشنا نداشت!

از طرفی ماه مبارک رمضان هم شروع شده بود و با آن وضع ساده زندگی، امکان تهیه غذا برای افطاری دادن به این همه میهمان وجود نداشت.

بالآخره علت را جویا شدند و دریافتند مرحوم وزیر علی در دوران حیات خویش بیشتر درآمد خود را به عنوان سهمیه قرآن، سهمیه افطاری، سهمیه فقراء و یتیمان و... بدون این که کسی بفهمد یا جایی بنویسد و یا به کسی بگوید به شهرهای دیگر پاکستان مثل حیدرآباد، لاهور، مولتان و... می‌فرستاده است.

او این کار را به گونه‌ای خالصانه و مخفیانه انجام داده بود که گویا، یک دست کار می‌کرد و دست دیگر نمی‌فهمید. حتی همسر و فرزندان هم از این موضوع مطلع نبودند و برای این که کسی متوجه این عمل خیر و نیکوکارانه او نشود، چیزی از اموالش را در شهر کراچی خرج نمی‌کرد و تازه بعد از مرگش مشخص شد که او نه تنها فرد خسیس و مال اندوز نبوده است بلکه فردی دست و دل باز و خیر بوده که تنها برای خدا کار می‌کرد و بیشتر مال و ثروت خود را در راه خدا انفاق می‌نموده است.

نظر مرحوم وزیر علی در مورد خمس این بوده است که انسان بجای این که بیست درصد مال خود را در راه خدا بدهد و بقیه را خرج زندگی کند، بیاید برعکس هشتاد درصد برای خدا و بیست درصد باقیمانده را برای خود صرف کند.

او برای توجیه گفته خود می‌گفت: «ما وقتی می‌خواهیم گوسفندی را قربانی کنیم چاقترین و سالمترین گوسفند را که گوش آن هم بریده نباشد، انتخاب و قربانی می‌کنیم پس چرا برای خمس و انفاق درصد کمی از مال خود را اختصاص می‌دهیم؟»

۷. چگونه ثروتمند شویم؟

دلیل دیگر او این بود که ما معتقدیم هر چه در راه خدا بدهیم، خداوند چند برابرش را به ما عطا می‌کند و مال و ثروت ما را زیادتر می‌گرداند، پس وقتی ما هر چه بیشتر در راه خدا انفاق کنیم، خدا ثروت و دارایی بیشتری را به ما عطا می‌فرماید. بنابراین اگر ما طالب مال زیاد هستیم بهتر است که، بیست درصد از آنچه داریم را خرج خود و هشتاد درصد دیگر را خرج امور دینی و عمومی نماییم تا خداوند نعمت و روزیش را بیش از پیش نصیب ما نماید.

آری بخشش مال در راه خدا اگر بدور از ریا و تظاهر و بدون منت و تنها برای رضای خدا باشد؛ خیر و برکت الهی را شامل انسان می‌گرداند و چند برابر آن در این دنیا و بی‌نهایت در آخرت نصیب او می‌گردد. آیات بسیاری در قرآن کریم ذکر گردیده است از جمله آیه ۲۶۱ از سوره بقره مؤید این مطلب است.^۱

۸. وزیرعلی حافظ قرآن

وزیرعلی همواره آیات قرآن را زمزمه می‌کرد بطوری که صدای قرآن او همیشه فضای خانه را معطر می‌نمود، فرزندان شب با شنیدن آوای قرآن پدر می‌خوابیدند، صبح هم که بیدار می‌شدند پدرشان را در حال تلاوت کلام الهی می‌دیدند.

آوای ملکوتی قرآن در خانه، طبق حدیث مشهور پیامبر خدا، حضرت محمد مصطفی ﷺ که می‌فرماید: ﴿نُورُ أَيْمَانِكُمْ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ﴾^۲ باعث نورانیت این مرد شریف

۱. ﴿مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَبِيلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٍ وَاللَّهُ يُضِعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ﴾

۲. یعنی: خانه‌هایتان را با نور قرآن متور سازید.

گشته بود.

وزیر علی با عمل به این گفته پیامبر اسلام ﷺ که فرمودند: «عَلَيْكَ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ عَلِيٌّ كُلُّ خَالٍ؛ بر توست قرائت قرآن در هر حال»، همواره آیات قرآن را می خواند و صدای قرآن وی، همیشه گوش جسم و جان اهل خانه اش را نوازش می کرد و روح و روانشان را صفا و جلا می بخشید.

این مطالب مؤید این نکته است که مرحوم وزیر علی با این که حافظ قرآن بوده است هیچ گاه نگفته بود که من حافظ قرآن هستم.

۹. بانوی معتقد

همسر «وزیر علی پوناوالا» زنی مخلص، پاکدامن و باتقواست و از نظر اعتقاد نسبت به خدای متعال و چهارده معصوم علیهم السلام و عشق و علاقه به قرآن و عترت، فردی کم نظیر است.

پاکی و استواری عقیده و ارادت خالصانه او به ائمه، بخصوص نسبت به امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - به اندازه ای است که در کمتر شخصی چنین عقیده محکم و راسخ و محبت و دوستی مخلصانه یافت می شود.

۱۰. راه برآورده شدن حاجات

این بانوی باتقوا، معتقد است که ما نباید خواسته های خود را مستقیم با خدای یگانه در میان بگذاریم، بلکه با تمسک و توسل به امام عصر - اروحنا فداه - و دیگر معصومین علیهم السلام و واسطه قرار دادن آنها خواسته و حاجت خود را بیان کنیم تا با شفاعت و کمک آنها خداوند باب رحمت خویش را به روی ما بگشاید و حاجتهای ما را برآورده سازد.

۱۱. حاجی شدن چه آسان

از دیگر اعتقادات بسیار جالب این بنده صالحه خدا که به تجربه ثابت شده این

است که اگر شخصی هر روز به نیت چهارده معصوم علیهم السلام صدقه بدهد و نیت کند: «خدایا اگر زیارت کعبه را نصیب من گردانی، علاوه بر انجام حج خود یک حج هم به نیابت از امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - بجا می آورم»، بدون شک خداوند سعادت زیارت خانه خود را به او عطا می کند، هر چند که از نظر مالی و وضع زندگی استطاعت نداشته باشد و به ظاهر، حج رفتن برای او غیر ممکن باشد.

خیلی از افراد این کار را کرده اند و - با این که مشکلات مالی و کمبودهای دیگر در زندگی، احتمال حاجی شدن آنها را به ظاهر غیر ممکن ساخته بود - توانسته اند به مکه بروند و با بجا آوردن دو حج، یکی برای خود و یکی به نیابت از امام عصر علیهم السلام از ثواب دو حج بهره مند شوند.

وی همچنین معتقد است: «هر کس توفیق انجام چنین حجی را بیابد، هر حاجتی که از لحاظ شرعی جایز باشد در نظر بگیرد - اگر چه به ظاهر خواسته بزرگ و ناممکنی باشد - بر آورده می شود».

این موارد نمونه هایی از عقاید این بانوی متقی، مخلص، مطیع امر خدا و رسول، و عاشق و دلباخته حقیقی قرآن و عترت است.

۱۲. کلید باغ تقوا

اگر ما هم خوب توجه کنیم و دقت کافی داشته باشیم و آیات کتاب الهی را خوب بخوانیم و بفهمیم، در می یابیم که یافتن قوه بصیرت و قدرت تشخیص حق از باطل، گشایش در امور، برطرف شدن گرفتاریها و رفع مشکلات، موفقیت در زندگی، بر آورده شدن حاجتها، توفیق زیارت خانه خدا و... از میوه ها و ثمره های باغ تقوای الهی است و کلید آن تمسک به قرآن و توسل به چهارده معصوم علیهم السلام می باشد.

در سوره طلاق به نمونه هایی از آثار بهترین توشه که همان تقوای الهی و ترس از

خداست اشاره شده است:

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجاً * وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ. ۱

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْراً. ۲

وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَكْفُرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْراً. ۳

و همچنین در سوره انفال هم می خوانیم:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَاناً. ۴

و در نهایت در سوره حجرات نتیجه کلی بیان می شود که:

إِن أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىكُمْ. ۵

۱۳. وزیر علی و پانزده فرزند

خداوند ثمره ازدواج این زن و مرد مؤمن و باتقوا (مرحوم وزیر علی پوناوالا و همسرش) را پانزده فرزند قرار داد که چهار نفر از آنها از دنیا رفته اند. یکی از این فرزندان حرمتعلی نام دارد که از این به بعد در مورد او صحبت خواهیم کرد و توفیقاتی که در اثر اخلاص و پاکی والدین، همچنین نیت پاک و تلاش در راه خدا توسط ایشان نصیب خود و خانواده شان شده است بیان می کنیم تا چراغ راه حقیقت طلبان و عاشقان قرآن باشند. ان شاء الله.

۱۴. حرمتعلی و خدمات ارزنده اش

وی از زمان کودکی اهل علم و عمل بود، از یک طرف عاشق تحصیل علم و دانش و از طرف دیگر دلباخته خدمت به خلق خدا بود؛ به همین علت علاوه بر مدرسه رفتن و کسب علم، چند دوره آموزش کمکهای اولیه و خدمات بهداشتی، درمانی را

۱. طلاق (۶۵) آیه ۲ و ۳.

۲. همان، آیه ۴.

۳. همان، آیه ۵.

۴. انفال (۸) آیه ۲۹.

۵. حجرات (۴۹) آیه ۱۳.

به کمک پدر با موفقیت گذراند.

وی پس از یافتن مهارت کافی در این زمینه، بخشی از وقت خود را به انجام امور و خدمات بهداشتی، درمانی و رفاهی مردم اختصاص داد و به پاس ایثارگریها و ارائه خدمات ارزنده به مردم بارها مورد تشویق مسؤولان قرار گرفت و در طول چند سالی که در این زمینه فعالیت می نمود، بیش از پنجاه لوح تقدیر، تقدیرنامه و تشویق نامه از مسؤولان استانی و کشوری دریافت کرد.

حرم متعلی که در یک خانواده مذهبی و آکنده از معنویت پرورش یافته بود به جهت داشتن تقوای الهی و عشق به چهارده معصوم علیهم السلام در پیروی از حق، حُسن خلق، امانتداری، انضباط اجتماعی، وجدان کاری، برنامه ریزی، همت و پشتکار، و دیگر صفات نیکوی انسانی و اخلاقی از موفق ترین افراد محسوب می گردد.

وی با برنامه ریزی دقیق و منظم، هم به درس و کسب علم اهمیت می داد و هم پدر و خانواده را کمک می نمود و هم در فعالیتهای اجتماعی و خدمات عمومی تلاش می کرد.

۱۵. حرم متعلی و هشت میلیون تومان پول

یک روز وقتی حرم متعلی به محل کار خود واقع در ساختمان وزیر مینشن می رفته متوجه می شود که کیسه پولی در دفتر کارش وجود دارد. (البته بعداً معلوم می شود که این پولها را شخصی دزدیده و از ترس پلیس در آن جا گذاشته و فرار کرده است) داخل کیسه نیم میلیون روپیه معادل هشت میلیون تومان پول بوده است. حرم متعلی به کمک برادرش دلاور علی و نگهبان ساختمان پولها را می برند و به پلیس می دهند و آنها با تعجب می گویند: «تا حالا چنین اتفاقی نیفتاده که کسی این همه پول را پیدا کند، و بیاورد و تحویل دهد!»

البته اوّل به آنها مشکوک می شوند و می گویند: «پولها را از چه طریقی به دست آورده اید.» ولی بعد مطمئن می شوند که حرم متعلی و همراهانش پولها را پیدا کرده اند و به خاطر ایمان قلبی، قدرت معنوی، پاکدامنی و امانتداری پولها را آورده و تحویل

داده‌اند. بعد هم صاحب پولها می‌آید و می‌گوید: «یک نفر پولهایم را از دفتر کارم دزدیده است.»

وقتی می‌فهمد که پولهایش پیدا شده خیلی خوشحال می‌شود و از حرمتعلی و برادرش خیلی خیلی تقدیر و تشکر می‌کند و در حالی که اشک از چشمانش جاری بود برای حرمتعلی دعا می‌کند و عاقبت بخیری او را از خداوند طلب می‌کند.

علاوه بر این به حرمتعلی می‌گوید: «در هر زمان هر چه بخواهید تا آن جا که در توان دارم، حاضرم به شما کمک کنم و در هر موقعیتی مخارج زندگی شما را تأمین نمایم.»

اما حرمتعلی که تنها برای رضای خدا این کار را انجام داده بود، بدون هیچ درخواستی خدا حافظی می‌کند و پس از آن دیگر به سراغ او نمی‌رود که مبادا بخواهد کمکی کند و یا به گونه‌ای بخواهد جبران نماید.

۱۶. حرمتعلی در روزنامه‌ها

خیلی زود خبر این ماجرا در شهر کراچی و سراسر پاکستان پخش می‌شود و روزنامه‌ها و مطبوعات پاکستان مدت‌ها در مورد حرمتعلی و امانتداری او مطلب می‌نویسند و با او مصاحبه می‌کنند. از طرفی مسؤولان کشوری و لشکری هر کدام به شکلی ضمن ستودن این عمل انسانی و خصلت نیکوی امانتداری، از وی تقدیر و تشکر می‌نمایند.

این همه تقدیر و تشکر از حرمتعلی از طرف مسؤولان و از طریق روزنامه‌ها، به خاطر زهد و تقوا و بی‌توجهی او به مال دنیا و عمل به دستورات قرآن کریم است که می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا؛^۱

همانا خداوند شما را امر می‌کند که امانتها را به صاحبانش بازگردانید.

۱۷. حرمتعلی در جوانی حاجی می شود

حرمتعلی در آغاز جوانی بر اساس عقیده و گفته مادرش با دادن صدقه به نیت چهارده معصوم علیهم السلام و برای سلامتی وجود مبارک امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - نیت می کند که اگر خداوند توفیق زیارت خانه خود را نصیب او نماید یک حج هم به نیابت از امام زمان علیه السلام انجام دهد.

خدای متعال به خاطر نیت و درستی کردار و گفتار او، زیارت بیت الله الحرام را نصیبش می گرداند. حرمتعلی به مکه می رود و پس از انجام حج خود، یک حج هم به نیابت از امام عصر - ارواحنا فداه - بجا می آورد.

۱۸. سه حاجت در حج اول

طبق گفته مادر حرمتعلی، شخصی که توفیق چنین حاجی را می یابد اولین بار که چشمش به خانه خدا می افتد، اگر سه حاجت شرعی طلب کند، خداوند حاجتهایش را برآورده می سازد.

حرمتعلی هم در این سفر در کنار خانه خدا از درگاه ربوبی می خواهد که همسری باتقوا، شایسته و پاکدامن نصیبش گرداند و فرزندی به او عطا کند که به درجه اجتهاد برسد و در پایان عمر شهادت فی سبیل الله را به او عنایت فرماید.

او در همین سفر با خانواده ای که از یکی دیگر از شهرهای پاکستان به مکه آمده بودند، آشنا می شود و از همان جا تصمیم می گیرد که با دختر آن خانواده ازدواج نماید.

پس از آشنایی کامل و انجام مقدمات کار، مراسم عقد و عروسی برگزار می شود، حاج حرمتعلی با خدا عهد می بندد که اگر خداوند اولین ثمره این ازدواج را پسر قرار دهد سعی می کند او را به درجه اجتهاد برساند و برای رسیدن به این هدف هر کاری که لازم باشد انجام دهد.

۱۹. تولد محمد صادق و وفای به عهد

خداوند هم لطف خویش را به این خانواده عنایت می فرماید و آنها را صاحب فرزند پسر می نماید؛ حاج حرمتعلی اسم او را محمد صادق می گذارد تا هم، نام پیامبر اسلام، حضرت محمد مصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و هم، نام بنیانگذار فقه جعفری، حضرت امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام را شامل شود.

پس از این که حاج حرمتعلی نذرش قبول می شود، برای وفای به عهدی که با خدای خود بسته بود آماده می شود.

ابتدا برای مشورت و نظرخواهی به سراغ علمای بزرگ پاکستان می رود و موضوع را با آنها در میان می گذارد و از آنها می خواهد که در راه رسیدن به هدف، او را راهنمایی نمایند.

آنها به حاج حرمتعلی می گویند: «اگر تصمیم جدی گرفته‌اید و می خواهید فرزندان مجتهد و مرجع تقلید شود، ماندن در پاکستان برای شما فایده‌ای ندارد، شما باید به کشور جمهوری اسلامی ایران بروید تا ان شاءالله به هدف خود برسید.»

۲۰. هجرت در آستانه مدرک کارشناسی

حاج حرمتعلی پس از این نظرخواهی فوری تصمیم می گیرد با خانواده، از وطن و سرزمین خود و بستگان و آشنایان جدا شود و به ایران اسلامی هجرت نماید. تحصیلات وی در آن زمان ترم آخر رشته حقوق دانشگاه کراچی بود و در آستانه امتحانهای پایان دوره بود. اما منتظر نمی شود، زود وسایل سفر را مهیا می کند و راهی جمهوری اسلامی ایران می شود.

اگر حاج حرمتعلی کمتر از یک ماه صبر می کرد با گذراندن چند امتحان پایانی می توانست مدرک لیسانس بگیرد و بعد پاکستان را ترک کند، ولی او برای وفای به عهدی که با خدا بسته بود و برای رسیدن به هدف مقدسی که داشت، لحظه‌ای درنگ نکرد و با شور و شوق فراوان به جمهوری اسلامی ایران آمد و از گرفتن مدرکی که سالها برای رسیدن به آن درس خوانده بود منصرف شد.

۲۱. هجرت و زیان مالی

حاج حرمتعلی به همراه زن و فرزند خود به جمهوری اسلامی ایران آمد و این در حالی بود که هیچ یک از فامیل و آشنایان راضی نبودند و از او می‌خواستند در پاکستان بماند.

از طرفی پس از فوت پدر همه کارهای او را حاج حرمتعلی انجام می‌داد و تمامی معاملات و حساب و کتابهای خانواده را سر و سامان می‌داد که با این کار (هجرت به ایران) خسارت مالی قابل توجهی به بازماندگان مرحوم وزیر علی وارد می‌شد. اما حاج حرمتعلی با اراده‌ای استوار و دلی امیدوار، با این که مطمئن بود خانواده متحمل زیان مالی جبران ناپذیری می‌شود از تصمیم خود روگردان نشد و پس از ترک وطن و هجرت به جمهوری اسلامی ایران در شهر علم و اجتهاد؛ قم اقامت نمود.

۲۲. حج دوم و تولد زهرا

حاج حرمتعلی پس از هجرت به ایران طبق عقیده مادر محترمش از خداوند، زیارت مجدد بیت‌الله الحرام را طلب می‌کند و در حالی که رفتن به مکه از ایران به سادگی امکان نداشت و چند سال وقت می‌برد تا شخصی بتواند سعادت زیارت کعبه را بیابد، وی بدون هیچ مشکلی در همان سال اول برای دومین بار به زیارت خانه خدا نایل می‌گردد و دو حج، یکی به نیابت از حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - و دیگری برای خودش بجا می‌آورد.

این سفر در سال ۱۳۶۶ ه. ش انجام شد؛ در این سال رژیم آل سعود به دستور شیطان بزرگ و دشمن درجه یک اسلام و مسلمین - آمریکای جنایتکار - حرمت حرم امن الهی را شکست و فاجعه خونین مکه را به راه انداخت.

نیروهای امنیتی سعودی که وظیفه راهنمایی، کمک و حفاظت حجاج بیت‌الله الحرام را داشتند به زایران بی دفاع خانه خدا که در حال برگزاری مراسم براهت از مشرکین بودند، یورش برده، زن و مرد و پیر و جوان را با انواع سلاح‌های گرم و سرد و شیمیایی مورد ضرب و شتم قرار دادند و هزاران نفر را مجروح و مصدوم

نمودند و نیز صدها نفر را به شهادت رساندند.

پس از این حج، باز هم خداوند در رحمت خویش را به روی این عبد صالح می‌گشاید و فرزند دیگری به وی عطا می‌کند، حاج حرمتعلی نام او را «زهرا» می‌گذارد که هم نام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است و هم نام مادرش که در پاکستان زندگی می‌کند.

۲۳. حج به نیت چهارده معصوم

حاج حرمتعلی باز هم آرزو می‌کند به زیارت خانه خدا برود و این بار تصمیم می‌گیرد که اگر خداوند زیارت کعبه را به او عنایت کند به نیت چهارده معصوم علیهم السلام حج بجا آورد.

به همین جهت پس از سه سال که به علت تیرگی روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان پس از فاجعه خونین مکه حج تعطیل شده بود، دوباره راه حج باز شد و بار دیگر زایران ایرانی توفیق زیارت خانه خدا را یافتند، لطف و عنایت حق تعالی مشمول حاج حرمتعلی گردید و بدون هیچ هماهنگی و آمادگی قبلی، از طرف سازمان تبلیغات اسلامی تهران با گذرنامه ایرانی برای سومین بار راهی مکه شد و طبق نیتی که کرده بود علاوه بر بجا آوردن حج خود یک حج هم به نیت چهارده معصوم علیهم السلام بجای آورد.

۲۴. حضرت فاطمه معصومه علیها السلام و شفای زهرا

وقتی حاج حرمتعلی از این سفر برمی‌گردد، پس از چند روز حادثه ناگواری برای دختر بچه سه ساله‌اش زهرا به وقوع می‌پیوندد و باز فضل الهی گرد غم از چهره این خانواده می‌زداید؛ ماجرا از این قرار است:

در شب جمعه ۱۳۷۰/۵/۱۹ ساعت ده و نیم حاج حرمتعلی جهت شرکت در مراسم سوگواری و عزاداری حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام به همراه خانواده راهی حرم مطهر حضرت معصومه علیها السلام می‌شوند.

هنگام عبور از پل میدان شهید مطهری، ناگهان زهرای سه ساله از بالای پل به داخل رودخانه می افتد، مادر زهرا، پدر را که چند قدم جلوتر حرکت می کرد صدا می کند و می گوید: «زهرا داخل رودخانه افتاده است.»

در تاریکی شب نه جایی دیده می شد و نه راهی برای رفتن به داخل رودخانه وجود داشت؛ چند لحظه نمی گذرد که مرد سیاه پوشی زهرا را می آورد و در حالی که از گوش و سر و صورتش خون می ریخت و چهره اش کبود شده بود تحویل پدر می دهد.

پدر، زهرا را می گیرد ولی به علت اضطرابی که داشته، به صورت آن مرد نگاه نمی کند، ماشینی جلوی آنها توقف می کند و فوری آنها را به بیمارستان نکویی قم می رساند؛ به علت شدت صدمات، زهرا از آن جا به بیمارستان شهید بهشتی منتقل می شود. او ۲۶ ساعت بیهوش بوده و تحت معاینه و معالجه قرار می گیرد.

پزشکان پس از انجام معاینه های لازم، درصد بهبود و سلامتی او را ناچیز می دانند و سرانجام پس از شور فراوان احتمال زنده ماندن زهرا را - پس از عمل جراحی - پنج درصد تشخیص می دهند. با این احتمال به علت شکستگی استخوان سر و فرو رفتن در منچه، پزشکان امیدی به موفقیت عمل جراحی نداشته و تمایلی به انجام آن نشان نمی دادند.

در این زمان والدین زهرا با تشرف به حرم حضرت معصومه علیها السلام دست نیاز به درگاه پرفیض حضرت بی نیاز دراز می کنند و مقام والای کریمه اهل بیت را شفیع قرار می دهند و با توسل به دخت امام هفتم و اخت امام هشتم، سلامتی کامل فرزندشان را طلب می کنند و عرضه می دارند: «بی بی جان، فاطمه معصومه، ما از صدها کیلومتر راه از آن سوی مرزها به میهمانی تو آمده ایم تو خود سروری فرما.»

پس از این توسل، در کمتر از سه روز با ظهور آثار بهبودی در وجود زهرا، این کودکی که به ظاهر مرده بود شفا می یابد و بدون عمل جراحی، سلامتی کامل به او باز می گردد و حیات دوباره می یابد و مایه تحیر و تعجب همه بخصوص پزشکان

می‌گردد و اشک در چشم همه به ویژه والدین زهرا حلقه می‌زند. این جا هم می‌بینیم وقتی پول چاره‌ساز نیست، امکانات پزشکی فایده‌ای ندارد و پزشکان اظهار ناتوانی می‌کنند و می‌گویند: «از دست ما کاری ساخته نیست» لطف و عنایت حق چگونه جلوه می‌کند و بایک توسل خالصانه به خاندان عصمت و طهارت فرزندان سه ساله‌ای که به سختی آسیب دیده و به ظاهر از دنیا رفته بود، شفا پیدا می‌کند و حیات دوباره می‌یابد. این هم نعمت بزرگی بود که حاج حرمتعلی پس از سومین سفر حج بدست آورد.

۲۵. حاج حرمتعلی در انتظار حج چهارم

حاج حرمتعلی بر اساس عقیده مادرش با دادن صدقه به نیت چهارده معصوم علیهم‌السلام و طلب زیارت خانه خدا سه بار موفق به زیارت بیت‌الله الحرام گردید و علاوه بر حج خود به نیابت امام زمان و نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم حج بجا آورد و همان طوری که مادرش گفته بود پس از هر حجی خداوند حاجتهای او را برآورده نمود که تولد محمد صادق، تولد و شفای زهرا از جمله آنهاست.

بعد از این ماجرا حاج حرمتعلی نیت می‌کند در صورتی که خداوند بار دیگر سعادت رفتن به مکه را نصیبش نماید علاوه بر حج خود به نیت تمامی چهارده معصوم علیهم‌السلام جداگانه چهارده حج بجا آورد.

وی معتقد و مطمئن است که خداوند چنین حجی را نصیب او می‌گرداند و می‌تواند بجای این که برای شخص دیگری حج انجام دهد از طرف چهارده معصوم علیهم‌السلام حج بجای آورد.

حاج حرمتعلی می‌گوید: «وقتی برای کسی کاری انجام دهیم حتی اگر او به ما مزد ندهد دست کم از ما تقدیر و تشکر می‌کند. حالا اگر ما برای رضا و خشنودی خدای متعال که ذوالفضل العظیم و شاکر علیم و الرحمن الرحیم است و به نیت چهارده معصوم علیهم‌السلام که سرچشمه فضل و کرمند، کاری انجام دهیم، مگر ممکن است بدون اجر و مزد بمانیم؟»

وقتی ما به نیابت چهارده معصوم علیهم السلام کاری بزرگ مثل حج انجام دهیم و به آنها توسل جوئیم، هرگز خواسته‌های مشروع ما را رد نمی‌کنند و خداوند هم بواسطه این آبرومندان درگاهش، هر حاجتی هر چند بزرگ، و به ظاهر غیر ممکن را برآورده می‌سازد.

حاج حرمتعلی پس از ورود به ایران اسلامی، مشغول فراگیری علوم دینی در حوزه علمیه قم گردید و در سایه نعمت جمهوری اسلامی ایران و استفاده از برکات آن به توفیقات بزرگی دست یافته است. او می‌گوید: «ما باید سعی کنیم اگر خدای مهربان توفیق داد و به حج رفتیم برای قدردانی و ادای حق بزرگانی چون امام راحل رحمه الله و شهیدان: بهشتی، رجایی، باهنر، چمران، و... که نعمت عظیم جمهوری اسلامی ایران مرهون مبارزات و فداکاریهای آنان است حج بجا آوریم، اگر حج نشد عمره، اگر آن هم ممکن نبود دست کم از طرف آنها طواف خانه خدا را انجام دهیم. این عمل، هم غفران و رحمت الهی را برای این بزرگان بدنبال دارد و هم به واسطه شفاعت آنها برکت و رحمت حق بر ما نازل می‌شود.»

۲۶. فرزند سوم: فاطمه

در سال ۱۳۷۲ ه. ش حاج حرمتعلی صاحب سومین فرزند می‌شود که نام فاطمه را برای او انتخاب می‌کند تا همانم دختر رسول خدا فاطمه زهرا و کریمه اهل بیت فاطمه معصومه علیها السلام باشد.

محمد صادق

۱. محمد صادق در مدرسه

حاج حرمتعلی که خود در حوزه علمیه قم به فراگیری علوم دینی مشغول بود وقتی فرزند ارشدش؛ محمد صادق به سنّ مدرسه رسید، او را به مدرسه میرزای شیرازی قم فرستاد.

محمد صادق اول و دوم ابتدایی را با معدل ۱۹/۹۱ و ۱۹/۵۶ در آن مدرسه گذراند. وی در کنار درس به کمک پدر توانست جزء سی‌ام قرآن را حفظ نماید و در کلاس دوم در مسابقات حفظ جزء سی‌ام قرآن کریم در شهر قم رتبه اول را به دست آورد. به همین جهت وقتی خواست به کلاس سوم برود، مدیر دبستان غیرانتفاعی آینده‌سازان که شهریه آن مبلغ زیادی بود، با اصرار و اجبار از حاج حرمتعلی خواست که به صورت افتخاری و بدون پرداخت شهریه، محمد صادق را به آن مدرسه بفرستد.

پدر محمد صادق هم، با توجه به این که امکانات و برنامه‌های درسی و فوق برنامه آن مدرسه مناسب و خوب بود، و برای دانش‌آموزان کلاسهای زبان و رایانه تشکیل می‌شد، پذیرفت که محمد صادق در آن مدرسه ادامه تحصیل دهد.

محمد صادق هر روز از ساعت هشت صبح تا ۳/۵ بعد از ظهر در مدرسه بود و ساعت چهار به خانه باز می‌گشت، در منزل هم روزی دو ساعت وقت خود را صرف تمرین و مشق مدرسه می‌نمود. بنابراین برای حفظ و مرور قرآن فرصتی باقی نمی‌ماند. حدود یک ماه و نیم که گذشت محمد صادق نه تنها در حفظ پیشرفتی نمی‌کرد بلکه یکی دو جزئی را هم که حفظ کرده بود کم‌کم داشت فراموش می‌کرد. پدر وقتی می‌بیند فرزندش از هدف اصلی که حفظ قرآن است فاصله گرفته نگران می‌شود و درباره این موضوع با مدیر مدرسه صحبت می‌کند، مدیر و آموزگاران مدرسه می‌گویند: «ما برای محمد صادق دو سه ساعت از وقت مدرسه را کم می‌کنیم تا فرصت کافی برای حفظ قرآن داشته باشد.»

چون امکان داشت با این کار محمد صادق از هم‌کلاسی‌هایش عقب بیفتد و دچار مشکل شود، پدر اصرار می‌کند که فرزندش باید تمام وقت در منزل باشد ولی اولیای مدرسه قبول نمی‌کنند. پدر آقا صادق به مدیر مدرسه می‌گوید: «شما فرزند مرا به خاطر حفظ قرآن پذیرفتید. حالا اگر او به خاطر درس مدرسه قرآن را فراموش کند آیا این خیانت به قرآن نیست؟ آیا این کار درست است؟»

بالآخره مدیر مدرسه موافقت می‌کند که آقا صادق را برای حفظ قرآن به خانه منتقل کند و حفظ قرآن را آن‌گونه که پدرش می‌خواهد، شروع نماید.

۲. محمد صادق و شروع حفظ قرآن

حاج حرمتعلی وقتی موفق می‌شود، اولیای مدرسه را راضی کند و محمد صادق را از مدرسه به منزل آورد، درس خود را نیز رها می‌کند تا وقت کافی برای آموزش، راهنمایی و کمک به فرزندش را داشته باشد و با استعانت از درگاه رب جلیل و با تمسک به قرآن و توسل به چهارده معصوم علیهم‌السلام و برنامه‌ریزی دقیق و منظم، حفظ قرآن را با آقا صادق شروع می‌نماید.

آنها با همّت والا و اهمیّت دادن به قرآن آن‌گونه که شایسته این کتاب آسمانی و معجزه جاودانی است با چهارده ساعت کار قرآنی در شبانه‌روز به نیت چهارده

معصوم علیه السلام حفظ و تکرار و تمرین قرآن کریم را پیگیری می‌کنند.

حاج حرمتعلی هر آیه را به نیت چهارده معصوم علیهم السلام چهارده بار روی نوار ضبط می‌نمود به طوری که هر صفحه قرآن به خط عثمان طه یک نوار را پر می‌کرد، آقا صادق هم با گوش کردن به این نوارهای ۱۴ بار تکرار، به حفظ قرآن می‌پرداخت؛ با این همه محمد صادق در طول یک سال و نیم فقط توانست دوازده جزء قرآن را با پانزده نوع اطلاعات قرآنی حفظ نماید.

۳. محمد صادق در خواب حاجی می‌شود

حاج حرمتعلی از این که با صرف این همه وقت، کار حفظ قرآن خیلی کند پیش می‌رفته و محمد صادق که به علت کمی حافظه پیشرفت مورد انتظار را نداشته است، احساس خستگی می‌نماید ولی با این حال با امید به لطف و عنایت حق تعالی و توسل به چهارده معصوم علیهم السلام کار را ادامه می‌دهد تا این که یک شب محمد صادق خواب جالبی می‌بیند و از اثر آن خواب حافظه‌اش بسیار قوی می‌شود، به طوری که در کمتر از یک سال کل قرآن کریم را با پنجاه نوع اطلاعات حفظ می‌نماید، کلاسهای سوم و چهارم و پنجم ابتدایی را هم با موفقیت پشت سر می‌گذارد و ۷۲ عنوان کتاب در علوم مختلف اسلامی را از بر می‌نماید.

۴. رویای عجیب و سرنوشت ساز

شبی محمد صادق خواب می‌بیند که به همراه پدرش و شخص دیگری به مکه و کنار کعبه رفته‌اند، ابتدا پدر محمد صادق چند دعا می‌خواند و می‌رود دیوار کعبه را می‌بوسد. بعد محمد صادق می‌رود و دوبار حجرالاسود را می‌بوسد، سپس خدا دو، سه آیه قرآن برای او می‌خواند، محمد صادق می‌گوید: «خدایا من می‌خواهم تو را ببوسم» خداوند می‌فرماید: «نه، من تو را می‌بوسم.» شخص سوم می‌گوید که همراه آنها بوده است به حاج حرمتعلی می‌گوید: «خیلی تعجب آور است که خدا ایشان (آقا محمد صادق) را می‌بوسد.»

در این هنگام محمد صادق از خواب بیدار می‌شود و خوابش را برای پدر تعریف می‌کند، پدر که چند بار توفیق زیارت خانه خدا را پیدا کرده است، چند سؤال در مورد خانه خدا از جمله در رابطه با رنگ دیوارهای کعبه و حجرالاسود و جنس آنها از محمد صادق می‌پرسد و او هم به درستی جواب می‌دهد، گویا سالها در کنار خانه خدا زندگی می‌کرده است.

علاوه بر این محمد صادق در حضور یکی از اساتید قرآن که استاد خودش هم بوده است، خوابش را تعریف می‌کند و به سؤالهای وی پاسخ می‌گوید و مشخص می‌شود که خواب محمد صادق واقعیت دارد و یک رؤیای عادی نبوده است و این خواب باعث قوت حافظه و بالا رفتن میزان یادگیری و پیشرفت چشمگیر محمد صادق می‌گردد.

۵. از تو حرکت؛ از من برکت

این لطف و عنایتی که از طرف خدای متعال نصیب محمد صادق می‌گردد، بواسطه تلاش پیگیر و استقامت برای رسیدن به هدف، با توکل بر خدا و روزی چهارده ساعت به نیت چهارده معصوم علیهم‌السلام کار قرآنی بوده است و در پرتو این حرکت و قبول مشکلات و زحمات، رحمت و برکت الهی بر او نازل گردید و توانست خیلی زود به هدف خود برسد و این که می‌گویند: «خدا گفته از تو حرکت از من برکت» برایش تحقق یافت.



حاج حرمتعلی علاوه بر محمد صادق، دیگر اعضای خانواده را هم تشویق به حفظ قرآن می‌نماید و در نقش یک استاد برجسته، یک خانواده نمونه قرآنی تربیت نموده است که از هر نظر در جهان نمونه و بی نظیر بوده و هستند.

لازم به ذکر است که حاج حرمتعلی وقتی به اتفاق خانواده به ایران می‌آیند با توجه به نام پدر مرحومش وزیر علی - رحمت الله علیه - نام خانوادگی «وزیری» را برای خود برمی‌گزیند.

در ادامه، جهت آشنایی بیشتر با این خانواده مصاحبه‌ای انجام شده که تقدیم به همه علاقمندان قرآن کریم می‌شود.

فصل دوم

حفظ و رموز موفقیت

مقدمه استاد

ما در این مصاحبه یک هدف و یک پیام داریم و از خوانندگان عزیز هم یک مزد و حق الزحمه می خواهیم.

در این مصاحبه توضیح می دهیم که ما چه کرده ایم و به چه نتایجی دست یافته ایم و شما برای رسیدن به هدف چه کارهایی باید انجام دهید.

پیام ما این است که آسان ترین کار جهان حفظ قرآن و مشکل ترین کار جهان فراموش کردن قرآن است و این مطلب را به یاری خدا با توضیحاتی که می دهیم ثابت خواهیم کرد.

همه ما می دانیم هر کاری که انجام می شود مزد و حق الزحمه ای دارد.

ما از خوانندگان این مصاحبه چه خواهان و چه برادران یک قول می خواهیم این که هر کدام یک حق الزحمه ای به ما بدهند چرا که بنده خودم علاوه بر همسر سه فرزند دارم. از طرفی بنده نه شهریه می گیرم و نه حقوقی دارم و نه کار و کاسبی، حتی اقامت و تابعیت هم ندارم. به همین جهت بنده به این حق الزحمه نیاز مبرم دارم.

مزد و حق الزحمه ای که بنده از شما می خواهم این است که پس از مطالعه دقیق و کامل مطالب این مصاحبه، اگر قبول کردید که آسان ترین کار جهان حفظ قرآن است، بدون معطلی و تأخیر انداختن، فوری با خدا عهد ببندید و نیت کنید که دست کم

خودتان یا یکی از اعضای خانواده‌تان را وقف قرآن کنید؛ البته اگر همه اعضای خانواده وقف قرآن بشوند بهتر و عالی‌تر خواهد بود.

همین مزد ما را کفایت می‌کند و چیز دیگری نمی‌خواهیم، حالا اگر کسی این حق‌الزحمه را ندهد من او را حلال نمی‌کنم و در روز قیامت از او مطالبه می‌کنم.

و اما منظور از وقف قرآن شدن چیست؟ با یک مثال توضیح می‌دهم.

در احادیث و روایات آمده که شایسته است هر فردی روزانه پنجاه آیه یا ربع جزء از قرآن را تلاوت نماید. اما مهم چگونه تلاوت کردن است.

تصور کنید اگر ولی امر مسلمین ما را دعوت کند در مقابل ایشان چگونه می‌نشینیم؟ یا اگر امام زمان (عجل‌الله تعالی فرجه) از ما دعوت به عمل آورد (که بعید هم نیست) ما در محضر آقا چگونه می‌نشینیم؟ خیلی مرتب و منظم می‌نشینیم و حواس خود را کاملاً جمع می‌کنیم و با دقت و توجه کامل به سخنان آنها گوش می‌دهیم، اگر پنج حواس داریم شش حواس خود را جمع می‌کنیم.

شایسته است در مورد قرآن هم این‌گونه باشیم یعنی هر روز که آیات قرآن را تلاوت می‌کنیم باید توجه داشته باشیم که خدا ما را دعوت کرده است و در محضر خدا کلام خدا را می‌خوانیم، پس باید شش دانگ حواسمان جمع باشد و از همه جا بریده و فقط متوجه کلام الهی باشیم به طوری که اگر تیر از پای ما بیرون بکشند یا حتی اگر اطراف ما آتش بگیرد، متوجه نشویم. اگر این‌گونه عمل کنیم، وقف قرآن هستیم و در این صورت است که حفظ قرآن برای ما آسان‌ترین کار جهان و فراموش کردن آن سخت‌ترین کار جهان است.

بنده به خانواده‌ها و اولیای دانش‌آموزان این نکته را عرض می‌کنم: برای این که فرزند شما یک مدرک لیسانس یا دکترا بگیرد، دست کم شانزده سال یا نوزده سال باید تلاش کند. پنج سال ابتدایی، سه سال راهنمایی، چهار سال دبیرستان و در صورت قبولی در آزمون سراسری چهار سال یا هفت سال در دانشگاه باید درس بخواند، سرانجام پس از نوزده سال که روزی ده ساعت وقت صرف کرده یک مدرک دکترا

می‌گیرد؛ البته این مدرک مهم است و اسلام به آن نیاز دارد ولی در برابر قرآن چیزی نیست؛ چرا که تا به حال کسی نگفته در این مدرک چیزی هست ولی امام خمینی علیه السلام فرمودند: «اینجا و آنجا نروید همه چیز در قرآن هست.»

حقیقت این است که ما باید برای قرآن اهمیّت بیشتری نسبت به درس قائل شویم و بجای نوزده سال روزی ده ساعت برای درس، دست کم ۳۸ سال و روزی ده ساعت وقت برای قرآن صرف کنیم ولی بنده می‌گویم فقط سه سال، آن هم فقط در تعطیلات، فرزند خود را وقف قرآن کنید تا حافظ کل قرآن شود، آنگاه در پرتو این کار و به برکت قرآن فرزند شما در مدت خیلی کوتاهتری موفق به اخذ مدرک می‌شود و به چیزهایی دست می‌یابد که حتی تصورش را هم نمی‌کردید، برای نمونه، شما سید محمد حسین طباطبایی، مشهور به «علم‌الهدی» را در نظر بگیرید، ایشان در سن پنج سالگی موفق به حفظ کل قرآن شدند و در مدّت کمتر از یک سال پس از این موفقیت، لقب آیه‌الله‌العظمی و در پنج رشته علوم قرآنی مدرک دکترا گرفتند.

این از نظر گرفتن مدرک تحصیلی بود، اما از نظر معنوی هم شما می‌بینید که حافظان قرآن بدون پرداخت پول و بدون نوبت، به مکه مشرف می‌شوند و نمونه‌اش همین بچه‌های بنده هستند که فاطمه در سن پنج سالگی، زهرا در سن ده سالگی و آقا صادق در سن دوازده سالگی به برکت قرآن به زیارت خانه خدا رفتند و بنده و همسر من نیز به همراه آنها به حج مشرف شدیم. به همین جهت بنده به اولیای گرامی توصیه می‌کنم خود و فرزندان را اذیت نکنید و بیایید با کمک قرآن و با صرف وقت کمتر و هزینه کمتر به مدارک و نتایج بالایی دست یابید.

ان شاء الله که به برکت قرآن خداوند به همه توفیق بدهد که حافظ قرآن، محافظ کلام خدا، حامل آیات کتاب الهی و عامل به دستورهای سازنده و سعادت‌آفرین آن بشوند و در دنیا با قرآن مانوس و در آخرت با قرآن محشور شوند. ان شاء الله.

چهارده سوال

در این بخش طی یک مصاحبه چهارده سؤالی به نیت چهارده معصوم علیهم السلام با میزان محفوظات و اطلاعات قرآنی اعضای خانواده ارجمند استاد حاج حرمتعلی وزیری، مقدمات، اصول و روشهای حفظ قرآن کریم و ... آشنا می شوید، به امید این که با لطف و عنایت حق و ائمه معصومین علیهم السلام تمامی افراد، خانواده ها و جامعه اسلامی با الگو گرفتن از این خانواده قرآنی جهت حفظ قرآن کریم و عمل به تعالیم انسان ساز آن و وارد نمودن این کتاب آسمانی در صحنه زندگی به صورت عملی، تک تک و گروه گروه قیام نمایند. مبادا، به خاطر تنبلی، تسامح و تساهل و بی توجهی در این شرایط و زمان مناسب که به فرموده مقام معظم رهبری «این دوران، دوران قرآن است»؛ مشمول آیه ﴿وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ انْخُذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا﴾^۱ گردیم.

سؤال: جناب آقای وزیری در ابتدا بفرمائید هر یک از اعضای خانواده شما چه مقدار از قرآن کریم را حفظ هستند؟

جواب: فاطمه متولد ۱۳۷۲ می باشد، از دو سالگی کار حفظ را با او شروع کردیم و بحمدالله توانست در کمتر از نیم سال تعدادی از سوره های جزء آخر قرآن و سوره حمد و سوره بقره را حفظ نماید.

فاطمه خانم سوره بقره را با ترجمه و به صورت موضوعی حفظ نموده است. می توانید درباره هر موضوعی که در سوره بقره آمده است، مثل: بشارت به بهشت، نماز، نماز جماعت، حج، روزه، جهاد، نیکی به پدر و مادر، قرض و دین، اسامی حیوانات و گیاهان و... سؤال کنید، فاطمه خانم علاوه بر تلاوت و ترجمه آیه مربوط به موضوع، یک یا چند حدیث با ترجمه در ارتباط با موضوع درخواستی بیان می کند.

فاطمه همچنین دعای سلامتی امام زمان - عجل الله تعالی فرجه - اسامی چهارده معصوم علیهم السلام تعدادی از ادعیه و احادیث و روایات و خطبه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را حفظ می باشد. فاطمه ان شاءالله قبل از سن پنج سالگی و قبل از این که بخواند به مدرسه برود حافظ کل قرآن خواهد شد.

محمد صادق متولد ۱۳۶۵ و زهرا متولد ۱۳۶۷ هر دو کل قرآن کریم را با ۷۲ نوع اطلاعات قرآنی حفظ نموده اند و علاوه بر آن ۷۲ کتاب در زمینه علوم و معارف اسلامی همچون نهج البلاغه، نهج الفصاحه، اصول کافی، بحار الانوار (۱۱۰ جلدی)، وسائل الشیعه و... را به صورت موضوعی از بر نموده اند.

مادر آنها هم علاوه بر حفظ کل قرآن کریم کتابهایی مثل نهج البلاغه و اصول کافی و... را حفظ می باشد.

از استاد وزیری در مورد خودشان و اینکه چقدر حفظ هستند پرسیدم، ولی ایشان با کمال خضوع گفتند: بنده، نه استاد، نه مربی و نه حافظ قرآن هستم، بلکه اگر خدا قبول کند، بنده مبلّغ و خادم قرآن هستم و خدا را سپاس می گویم که با الطاف خود، بر من منت نهاد تا بتوانم فرزندانم چون محمد صادق و زهرا را تربیت نمایم.

سؤال: محمد صادق و زهرا قرآن کریم را با چه ویژگیها و چه نوع اطلاعاتی حفظ نموده اند؟

جواب: آقا صادق و زهرا کل قرآن کریم را با ۷۲ نوع اطلاعات عددی، توضیحی و تفسیری حفظ هستند، ما این اطلاعات را به نیت پنج تن آل عبا در پنج قسمت توضیح می‌دهیم که سه قسمت اول بیشتر جنبه تفریحی دارد و برای تنوع و جلوگیری از خستگی ذهنی است و دو قسمت آخر اصل و پایه کار و مهمترین و اساسی‌ترین قسمت‌ها می‌باشد و به مفاهیم قرآنی مربوط هستند و مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله العظمی خامنه‌ای، در یک دیدار خصوصی به بنده توصیه فرمودند که بیشتر در این دو زمینه کار کنم.

قسمت اول: اطلاعات عددی کل قرآن

الف) تعداد کل جزءها، حزبها، سوره‌ها، آیه‌ها، کلمه‌ها، حرفها و حرکتها (فتحه‌ها، کسره‌ها، ضمه‌ها، مدها، تشدیدها) و نقطه‌ها - نقطه‌های تکی، دوتایی و سه‌تایی - و...: که اگر از محمد صادق یا زهرا هر یک از موارد بالا را پرسید، می‌گویند که چند بار در قرآن آمده است و برعکس اگر تعداد یکی از موارد را بگویید، در جواب می‌گویند که رقم مربوط به چیست.

برای مثال اگر از زهرا یا محمد صادق پرسید: «قرآن چند فتحه دارد؟» فوری جواب می‌دهند: «۵۳۲۴۳ فتحه» و اگر سؤال کنید: «عدد ۵۳۲۴۳ مربوط به چیست؟» می‌گویند: «تعداد فتحه‌های قرآن کریم.»

ب) اطلاعات مربوط به ۲۸ حرف زبان عربی از الف تا یاء: اگر حروف الفبا را شماره گذاری کنیم و شماره‌های یک تا ۲۸ را به ترتیب به حرف الف تا حرف یاء اختصاص بدهیم، وقتی از محمد صادق و زهرا سؤالی پرسیده شود دو جواب می‌دهند.

برای نمونه اگر پرسید: «نوزدهمین حرف الفبا کدام است؟» می‌گویند: «حرف غ که ۱۲۲۱ بار در قرآن آمده است.» اگر سؤال کنید: «چه حرفی ۲۴۵۷۹ بار در قرآن آمده است؟» جواب می‌دهند: «حرف یاء که شماره ۲۸ می‌باشد.»

قسمت دوم: اطلاعات کل سوره‌های قرآن

این قسمت نیز مانند مورد قبلی به دو قسمت تقسیم می‌شود:

الف) نام و شماره سوره‌ها و آیه یا آیه‌هایی که نام هر سوره در آن آمده است: به این صورت که اگر شماره یکی از سوره‌های قرآن از یک تا ۱۱۴ را به زهرا و محمد صادق بگوئید، آنها با دادن آدرس آیه‌ای که نام سوره در آن آمده است، آن را تلاوت می‌نمایند و با تکرار نام سوره هنگام تلاوت، مشخص می‌کنند که نام سوره چیست؟ به عنوان نمونه اگر از آنها بپرسید: نهمین سوره قرآن چه سوره‌ای است؟ ایشان فوری با گفتن صفحه ۲۰۳ آیه ۱۰۴ شروع به خواندن آیه می‌نمایند و پس از وقف بر کلمه «التوبه»، دوباره از همین کلمه تلاوت را ادامه می‌دهند و به این صورت شما متوجه می‌شوید که سوره نهم قرآن سوره توبه می‌باشد؛ اگر نام سوره را بگوئید، آنها شماره سوره و آدرس آیه مربوط به نام سوره را به شما می‌گویند.

ب) ترجمه، محل آیه در قرآن و شأن نزول آیات: در این قسمت وقتی از محمد صادق و زهرا بخواهید، اطلاعاتی در مورد یکی از سوره‌های قرآن در اختیار شما بگذارند؛ آنها علاوه بر ذکر شماره ترتیب سوره، معنی، تعداد آیه‌ها، کلمه‌ها، حروف، حرکت‌های سوره، ترتیب، محل و شأن نزول سوره را بیان می‌کنند و آیاتی از سوره را که خارج از محل نزول سوره نازل گردیده مثل مکه، مدینه، منی، عرفات یا جای دیگر مشخص می‌نمایند و می‌گویند که: این سوره در چه جزء یا جزءهایی واقع شده است و چند صفحه است و از چه صفحه‌ای شروع شده و در چه صفحه‌ای پایان یافته است. همچنین اگر بخواهید چند سوره قبل یا بعد از سوره مورد نظر را نام ببرید، فوری به خواسته شما پاسخ می‌دهند.

قسمت سوم: اطلاعات صفحه‌ای و هندسی قرآن

در اینجا وقتی شماره صفحه‌ای از قرآن کریم به خط عثمان طه که ۶۰۴ صفحه است را به زهرا یا محمد صادق بگوئید، آنها پس از این که مشخص می‌کنند این صفحه در سمت راست یا چپ واقع شده است، آیه‌های آن مربوط به چه سوره یا

سوره‌هایی است و در چه جزئی قرار دارد؛ آیه‌های آن صفحه را از بالا به پایین، از پایین به بالا، از چپ به راست، از راست به چپ و به شکل ضربدری، مربعی، دایره‌ای و... تلاوت می‌نمایند.

برای روشن‌تر شدن مطلب اگر صفحه‌ای مثل صفحه ۴۱۴ را به این دو خواهر و برادر بزرگوار بگویید، ایشان می‌گویند: سمت چپ، سوره لقمان، شماره آیه‌ها از بالا به پایین: ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴؛ از پایین به بالا: ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹. اگر بخواهید آیه‌ها را از پایین به بالا بخوانند اول آیه ۳۴، بعد آیه ۳۳ و همین‌طور می‌خوانند تا به آیه ۲۹ به اول صفحه برسند.

اگر خواستار تلاوت ضربدری باشید به ترتیب آیه‌های ۲۰، ۳۴، ۲۸ و ۲۹ را تلاوت می‌کنند.

اگر تلاوت مربعی بخواهید به ترتیب آیه‌های ۲۰، ۲۹، ۳۴ و ۲۸ را می‌خوانند. در خواندن دایره‌ای به ترتیب آیه‌های ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۴، ۳۳، ۳۲، ۳۱، ۳۰، ۲۹ یا برعکس از ۲۹، ۳۰، ۳۱، ...، ۲۱ و ۲۰ را قرائت می‌نمایند. اگر مایل باشید از پایین به بالا، با ذکر شماره هر آیه به ابتدای آیه‌ها اشاره کنید، به این صورت به شما جواب می‌دهند: ۳۴- ان الله...، ۳۳- یا ایها الناس...، ۳۲- و اذا...، ۳۱- الم تر...، ۳۰- ذلک...، ۲۹- الم تر. اگر بدون ذکر شماره هم بخواهید این کار را انجام می‌دهند.

هر کدام از موارد بالا را که بخواهید در مورد هر صفحه‌ای از ۶۰۴ صفحه قرآن نسبت به صفحه یا صفحه‌های قبل یا بعد از صفحه مورد نظر بدون این که نیازی به فکر کردن یا راهنمایی داشته باشد پاسخ می‌دهند.

همان طوری که گفته شد، این سه مورد بیشتر جنبه تفریحی و تنوع ذهنی برای حفظ‌کننده و همچنین حالت جذابیت برای دیگران دارد، اما اساس کار و هدف اصلی از حفظ قرآن کریم با اهمیت دادن به آن و صرف وقت لازم، توجه به مفاهیم و الای قرآن کریم است که در دو قسمت باقیمانده، آنها را توضیح می‌دهیم که بسیار گسترده

و وسیع بوده و دقت و توجه به آنها ضروری است.

قسمت چهارم: مفاهیم قرآن

این قسمت مشتمل بر پنج قسمت جداگانه است، بنابراین باید بیشتر مورد توجه قرار گرفته و اهمیت زیادی برای آن قائل شد.

الف) موضوعات قرآنی، آیات الاحکام، مسائل الشریعه و تطبیق آیات با احادیث و روایات: محمد صادق و زهرا تاکنون درباره بیش از هزار موضوع کار کرده‌اند و آیات و احادیث و روایات مربوط به هر موضوعی را با خواندن متن، ترجمه می‌نمایند و نام کتاب، شماره جلد و صفحه مربوط به آن را هم ذکر می‌کنند.

هر موضوعی که برای ایشان مطرح کنید، ابتدا اگر موضوع کلی باشد، به موضوعات جزئی تبدیل می‌کنند و در هر زمینه‌ای که شما انتخاب کنید با ذکر شماره صفحه و شماره آیه و نام سوره، آیه یا آیه‌های مربوط به آن را تلاوت و ترجمه می‌نمایند و سپس با استناد به ۷۲ کتابی که حفظ هستند، احادیث و روایات مربوط به موضوع را با بیان آدرس و مشخصات کامل و سلسله روایات آن، برای شما می‌خوانند و ترجمه می‌نمایند.

به عنوان مثال اگر شما موضوع نماز را به زهرا و محمد صادق بگویید آنها می‌پرسند: «چه نمازی می‌خواهید؟ نماز یومیه، نماز جمعه، نماز شب، نماز استسقا و یا...؟» اگر شما نماز یومیه را انتخاب کنید می‌گویند: «در مورد خود نماز می‌خواهید یا مقدمات، اوقات نماز، مقارنات نماز یا...؟» اگر اینجا مقدمات نماز را برگزینید، می‌پرسند: «کدامیک از مقدمات؟ درباره طهارت، وقت شناسی، قبله شناسی، مکان و لباس نمازگزار؟» اگر در مورد طهارت بخواهید، می‌پرسند: «در رابطه با کدام طهارت؟ وضو، غسل یا تیمم؟» وقتی کوچکترین جزء را برگزیدید آیات و روایات را با ذکر آدرس دقیق می‌خوانند و ترجمه می‌کنند.

یا اگر نماز شب را انتخاب کنید در رابطه با چگونگی نماز شب، فضیلت آن و آثار و برکاتش، وقت نماز شب و... آیات و روایات را با همان کیفیت تلاوت می‌کنند.

هر موضوع دیگری همچون جهاد، ازدواج، حج، نیکی به پدر و مادر، ولایت، شهادت و... را که بخواهید به هر شکلی که بخواهید - کلی یا جزئی - به شما جواب می‌دهند.

به لطف الهی و برکت قرآن و عنایت چهارده معصوم علیهم‌السلام محمد صادق و زهرا می‌توانند درباره‌ی برخی از موضوعات مثل نماز، شهید و شهادت، ولایت، علم و دانش و... یک الی دو ساعت یا بیشتر یکسره و بدون وقفه آیات قرآن کریم و احادیث و روایات مربوط به موضوع را با استناد به ۷۲ کتابی که کار کرده‌اند از حفظ بخوانند، ترجمه نمایند و آدرس هر کدام را مشخص کنند.

(ب) داستانهای قرآنی: در رابطه با این قسمت (داستانهای قرآن کریم) تاکنون تلاش زیادی نموده‌اند و بیش از نود داستان قرآنی را با موضوع آن یاد گرفته‌اند و در رابطه با هر موضوعی که بخواهید با مشخص کردن آدرس آیه‌ها یا آیه‌های مربوط، پس از تلاوت و ترجمه آیات، داستان آن را تعریف می‌کنند و نتیجه آن را هم بیان می‌نمایند. در صورتی که بخواهید در مورد معاد و زنده شدن مرده‌ها در روز قیامت برای شما داستانی تعریف کنند، محمد صادق و زهرا ابتدا آیه ۲۵۹ سوره بقره در صفحه ۴۳ را تلاوت و ترجمه می‌نمایند. سپس سرگذشت حضرت عذیر پیامبر را تعریف می‌کنند و نتیجه داستان را این گونه بیان می‌کنند: «همه مرده‌ها در روز قیامت زنده می‌شوند، و حتی پیامبران در این جهان زنده شدن مرده‌ها را دیده‌اند».

در مورد همین موضوع اگر بخواهید، محمد صادق و زهرا داستانهای دیگری از قرآن، از جمله داستان حضرت ابراهیم در آیه ۲۶۰ سوره بقره را نیز تعریف می‌کنند. (ج) تفسیر مختصر: در زمینه تفسیر هم تاکنون بیش از ۵۰۰ آیه کار کرده‌اند، به این شکل که ابتدا ترجمه تحت‌اللفظی آیات را بیان می‌کنند و سپس توضیحاتی در مورد آیات ارائه می‌دهند.

(د) حرفه‌های مختلف و مشاغل روزمره: زهرا و محمد صادق تا بحال در مورد بیش از پنجاه رشته شغلی و حرفه‌ای کار کرده‌اند از جمله؛ معلمی، طلبگی، کشاورزی، دامداری،

بنایی، خیاطی، آشپزی، پیرایشگری و آرایشگری، نجاری، آهنگری و....
این قسمت خیلی جالب و جذاب است و همه می خواهند بدانند درباره شغل و
کار آنها، قرآن چه گفته است و در کجای قرآن در مورد شغل آنها سخن به میان آمده
است.

برای مثال اگر از محمد صادق و زهرا در مورد کشاورزی سؤال کنید آنها در جواب
می گویند: «صفحه ۵۳۱، آیات ۶۳ و ۶۴ سوره واقعه.» بعد هر دو آیه را می خوانند و
ترجمه می کنند؛ اگر درباره خیاطی بخواهید، آیه ۲۲ سوره اعراف، صفحه ۱۵۲ را
تلاوت و ترجمه می نمایند. درباره هر شغل دیگری که سؤال کنید به همین شکل
خیلی سریع و صریح جواب می دهند.

ه) دعا‌های قرآنی با ترجمه: تا به حال در مورد ۵۶ دعای قرآنی کار کرده‌اند و درباره هر
مناسبت و موضوعی که سؤال بفرمایید، آیه قرآنی که به صورت دعا آمده است را
می خوانند و آدرس و ترجمه آن را هم می گویند. برای عظمت دعا همین بس که اگر
فرد عاصی و گنهکار توبه کند و روبه درگاه الهی آورد و در پیشگاه حضرت حق اظهار
ندامت و پشیمانی نماید و با گریه و خواندن دعا، طلب بخشش و مغفرت نماید،
خداوند او را می آمرزد و او از گناهان پاک می شود، همانند روزی که از مادر متولد
گردیده است.

روزی خدای متعال خطاب به حضرت موسی - علی نبینا و علیه السلام - فرمود:
ای موسی در قوم تو یک فرد گنهکاری هست که ما به خاطر آن فرد و گناهی که
مرتکب شده است، همه اهل شهر و دیار و قوم تو را به عذاب گرفتار می کنیم؛ برای
این که عذاب نازل نشود تنها یک راه وجود دارد و آن هم این است که فرد گنهکار
خودش از شهر خارج شود. حضرت موسی علیه السلام به میان قوم خویش آمد و وعده
عذاب الهی را به مردم رسانید و گفت: «برای این که عذاب نازل نشود شخص گنهکار
باید خودش از شهر بیرون برود.» چند روزی گذشت تا این که موعد مقرر و زمان
نزول عذاب فرا رسید، همه مردم در یک جا جمع شدند و چون کسی از شهر خارج

نشده بود در انتظار عذاب الهی بودند اما عذابی نازل نشد.

حضرت موسی علیه السلام به کوه طور رفت و عرض کرد: خدایا پس چه شد؟! خداوند فرمود: ای موسی به چه کسی گنهکار می گویند؛ برای چه عذاب نازل کنم؟ در شهر شما که فرد گنهکاری وجود ندارد، بنده ای که گفتم از کرده خود پشیمان شد و باراز و نیاز و دعا، به درگاه من روی آورد و از صمیم قلب و با خلوص نیت و با تصمیم قاطع از گناهان خود توبه کرد و خود را اصلاح نمود و من او را بخشیدم؛ پس الآن در قوم تو گنهکاری نیست که بخواهم به خاطر آن اهل شهر را به عذاب گرفتار نمایم.

حضرت موسی - علی نبینا و آله و علیه السلام - از خدا خواست که آن بنده را به وی معرفی کند. اما خدای عیب پوش بنده نواز در جواب آن حضرت فرمود: ای موسی زمانی که این بنده گنهکارترین فرد روی زمین بود و از دستورات من سرپیچی و نافرمانی می کرد برای حفظ آبرو و حیثیتش او را به تو معرفی نکردم، چطور حالا که با دعا و توبه به من روی آورده و از بندگان شایسته و نیکوکار گردیده است او را به تو معرفی کنم.

پس ما هم بیاییم مانند آن بنده گنهکار، از کارهای ناشایست خود اظهار پشیمانی کنیم و به درگاه الهی روی آوریم و با دعا و توبه، خود را پاک و اصلاح نماییم و هرگز از رحمت الهی مأیوس نشویم؛ چرا که ناامیدی و یأس از رحمت الهی، خود از گناهان بزرگ و کبیره است و خود خداوند در قرآن می فرماید: «از رحمت خدا ناامید نشوید.»

به خاطر اهمیت دعا و اثرات بسیار بالای آن در زندگی انسان و آثار ارزنده دنیوی و معنوی آن و نقشی که در تعیین سرنوشت و قضا و قدر الهی و رسیدن انسان به سعادت ابدی دارد؛ ما یک قسمت از مفاهیم والای قرآن کریم را به دعاهای قرآن اختصاص دادیم و در این زمینه کار می کنیم تا برای دعا هم تبلیغ شود.

قسمت پنجم: واژه‌های قرآنی

زهرا و محمد صادق در زمینه بیش از ده هزار واژه کار کرده‌اند. از قبیل: اسامی افراد، ایام هفته، انواع جنگلها، کالاهای و اجناس مختلف، اسامی حیوانات، سبزیجات و رنگهای گوناگون، اعضای بدن و ... و هر واژه‌ای را پرسید می‌گویند که چند بار و در کجای قرآن آمده است، معانی مختلف آن واژه را بیان می‌کنند و سپس به سراغ کتابهای دیگر مانند نهج البلاغه، اصول کافی، بحارالانوار و ... می‌روند و با ذکر آدرس مشخص می‌کنند که واژه مورد نظر در هر یک از آن کتابها چند بار آمده است؛ علاوه بر بیان شکلها و اصطلاحهای مختلف هر واژه در قرآن و ۷۲ کتاب دیگر و ترجمه آنها با ذکر آدرس دقیق، داستان و ماجرای مربوط به هر کدام را که بخواهید تعریف می‌کنند و نتیجه داستان را هم می‌گویند.

با توجه به مطالبی که استاد وزیری بیان داشتند دیدیم که چگونه آقا محمد صادق و خواهرش زهرا خانم قرآن کریم و ۷۲ کتاب دیگر را حفظ نموده‌اند؛ آن هم با آن اطلاعات و ویژگیهای بسیار جالب، آموزنده و منحصر به فرد.

شاید این مطلب برای خیلی‌ها تعجب‌آور باشد و سؤالاتی از این قبیل، برای آنها پیش بیاید که: آیا حفظ این همه مطالب ممکن است؟ آیا ذهن آدمی گنجایش پذیرش این همه مطلب را دارد؟ آیا به ذهن فشار نمی‌آید؟ و ... دیگر اینکه چرا علاوه بر قرآن ۷۲ کتاب را برای حفظ انتخاب کرده‌اند؟ چرا کمتر یا بیشتر کار نکرده‌اند؟ ببینیم استاد وزیری چه جوابی برای این سؤالات دارند؟

سؤال: علت این که ۷۲ کتاب را برای حفظ برگزیدید چیست و آیا ذهن آدمی گنجایش این همه مطلب را دارد؟

جواب: در جواب باید بگویم که بنده هر کاری را که می‌خواهم انجام بدهم برای این که کار خیلی راحت و آسان انجام شود و زود به هدف برسم همواره سعی می‌کنم با توسل کار را شروع نمایم، به همین جهت با عنایت و توسل به چهارده معصوم علیهم‌السلام خداوند توفیق داد محمد صادق و زهرا حفظ قرآن کریم را به پایان برسانند، ما به ۷۲

تن شهدای کربلا و ۷۲ شهید واقعه هفتم تیر ۱۳۶۰ متوسل شدیم و به یاد این شهدای گرانقدر که در دو مقطع حساس تاریخ، ریخته شدن خون آنها به اسلام حیاتی دوباره بخشید و بقای اسلام و تداوم آن را تضمین نمود و برای زنده نگهداشتن نام و یاد این بزرگواران که با خون خود درخت تنومند اسلام ناب محمدی را آبیاری نمودند، تصمیم گرفتیم که ۷۲ کتاب را انتخاب نمائیم و بچه‌ها حفظ موضوعی را شروع کردند و بحمدالله خیلی زود توانستند به هدف برسند.

همان طور که شهادت امام حسین علیه السلام و ۷۲ یار باوفایش در آن زمان، اسلام را از خطر انحراف و نابودی حفظ نمود و باعث تقویت و عظمت اسلام و قرآن گردید، شهادت دکتر بهشتی و یارانش نیز در این زمان، انقلاب اسلامی ایران را بیمه کرد و باعث صدور آن در سراسر جهان شد و الآن جمهوری اسلامی ایران در سطح بین‌المللی دارای اقتدار و عظمتی است که وجود قدرتهای استکباری، جهانخواران و دشمنان اسلام را به لرزه درآورده و عرصه را بر آنها تنگ ساخته است و از طرف دیگر الگوی مناسب، امید، حامی و پشتیبان همه مستضعفان و آزادی خواهان جهان بخصوص مسلمانان سراسر کره زمین است؛ که این اقتدار و عزت جهانی ثمره خون همه شهیدانی است که برای حفظ اسلام به شهادت رسیدند.

بچه‌های ما هر کتابی را به نیت یکی از شهدای کربلا و یک نفر از شهدای ۷ تیر حفظ نموده‌اند و ثواب آن را به ارواح پاک و طیبه آن عزیزان هدیه می‌کنند. همان‌گونه که معصومین علیهم السلام شفاعت می‌کنند و به انسان کمک می‌کنند، اگر کسی به شهدا متوسل بشود و در کارها از آنها کمک بخواهد، چون این شهیدان هم در پیشگاه الهی آبرومند هستند - با شفاعت و کمک آنها، در کارهایش موفق می‌شود و خیلی زود به نتیجه می‌رسد.

این حقیقت را بنده در زندگی خود لمس و تجربه نموده‌ام و به آن اعتقاد کامل دارم و از این طریق امدادهای غیبی فوق‌العاده‌ای نصیبم گشته است و نمونه‌اش همین محمد صادق و زهرا هستند که به کمک شهدا توانسته‌اند در این سن و سال کم، تا این

حد موفق باشند و قرآن کریم و ۷۲ کتاب را در کمتر از دو سال با آن اطلاعات و ویژگی‌هایی که گفتم حفظ نمایند.

اما در مورد قسمت دوم سؤال؛ در مجله دانشمند، شماره ۶، سال دوم، صفحه ۹، آمده است: «جهت اطلاع بدانید که حافظه ما گنجایش ده هزار میلیارد کلمه را دارد؛ به عبارت دیگر حافظه شما می‌تواند صد میلیون کتاب ششصد صفحه‌ای را در خود جای دهد.»

با توجه به این مطلب شما می‌بینید که اگر شخصی قرآن کریم را که ۶۰۴ صفحه دارد حفظ کند فقط یک صد میلیونیم ($\frac{1}{100,000,000}$) از ذهنش را پر کرده است و چه خوب است دست کم همه مسلمانان با حفظ قرآن بخش ناچیزی از حافظه خود را پر کنند تا قدرت پذیرش و یادگیری حافظه زیادتر شود و بتوانند از حافظه خود بیشتر استفاده کنند.

اگر شخصی صد کتاب را بتواند حفظ کند تازه یک میلیونیم یا ($\frac{1}{1,000,000}$) از ظرفیت حافظه‌اش را مورد استفاده قرار داده است؛ با این حساب آیا شما می‌توانید بگویید بچه‌های بنده که قرآن کریم و فقط ۷۲ کتاب را حفظ نموده‌اند چند درصد از گنجایش ذهن و حافظه خود را پر کرده‌اند و چه مقدار از ظرفیت حافظه آنها هنوز استفاده نشده است؟!

سؤال: آیا برای دیگر شهدای اسلام و احیای قرآن در عصر حاضر (امام راحل رحمته الله) برنامه‌ای دارید؟

جواب: این که ما ۷۲ کتاب را به نام ۷۲ شهید کربلا و هفت تیر نمودیم برای این بود که هم یاد و نام آنها زنده بماند و هم توسلی باشد تا در کارمان موفق باشیم و بحمدالله به هدف خود رسیدیم.

در کنار آنها ما سعی کردیم همه شهدای اسلام بخصوص شهدای انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و نیز امام راحل که تمام این برکات موجود، در اثر هوشیاری و بیداری و رهبری این عبد صالح خداست، مد نظر داشته باشیم و برای حفظ قرآن از آنها هم کمک بگیریم و هم ثواب حفظ و قرائت را به آنها هدیه کنیم.

به همین جهت هر یک از سی جزء، ۱۲۰ حزب، ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه قرآن را به نیت یک شهید حفظ کرده و ثوابش را به او هدیه نمودیم.

به عنوان مثال سوره حمد را به امام خمینی، سوره بقره را به شهید مطهری، سوره آل عمران را به شهید رجایی، سوره نساء را به شهید باهنر، سوره انعام را به شهید چمران و... منسوب کردیم.

اینجا شاید برخی این سؤال را مطرح کنند که چرا شما سوره کوچکی مثل سوره حمد را به امام خمینی رضی الله عنه که بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و احیاگر قرآن هستند منسوب کردید؟ چرا یکی از سوره‌های بزرگ قرآن را به نام او حفظ نکردید؟

همه ما می‌دانیم که این انقلاب و ثمرات آن، مرهون امام راحل رضی الله عنه می‌باشد و رهبر عزیز ما حضرت آیه‌الله خامنه‌ای نیز فرمودند: «این انقلاب بی‌نام خمینی در هیچ جای جهان شناخته شده نیست.»

قرآن، قرآن است. یک جزء باشد یا یک سوره یا یک آیه یا یک کلمه یا حتی یک حرف یا یک نقطه و یا کل قرآن کریم فرق نمی‌کند؛ قرآن کلام خداست و کم و زیاد ندارد.

ما به سه دلیل سوره حمد را به امام خمینی رضی الله عنه منسوب کردیم:

دلیل اول: در روایات داریم که مولای متقیان حضرت علی رضی الله عنه در حدیثی فرموده‌اند: «کل قرآن در سوره حمد است و همه سوره حمد در ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ و ﴿بسم الله الرحمن الرحیم﴾ در حرف «ب» و حرف «ب» در نقطه آن خلاصه شده است.» پس نتیجه می‌گیریم که کل قرآن در یک نقطه قرآن خلاصه شده است و به همین جهت سوره حمد برابر با کل قرآن است و اهمیت ویژه‌ای دارد تا جایی که روزی دست کم ده بار آن را در نمازها می‌خوانیم؛ و سوره حمد را ام‌الکتاب هم می‌گویند.

دلیل دوم: سوره حمد فاتحة‌الکتاب است و قرآن با این سوره شروع می‌شود.

دلیل سوم: حضرت امام خمینی رضی الله عنه سوره حمد را تفسیر نموده‌اند که تفسیر ایشان یک تفسیر نمونه، بی‌نظیر، پر محتوا، وزین و گران بهاست.

اینها دلایلی بود که باعث شد ما سوره حمد را به امام راحل رحمته الله منسوب کنیم، همچنین ما ثواب هر آیه را به یک شهید هدیه می‌کنیم. لازم نیست یک آیه برای همیشه به نام یک شهید باقی بماند. وقتی آیات را مرور می‌کنیم آنها را به نیت شهدای دیگری می‌خوانیم و ثواب تلاوت را به آنها هدیه می‌کنیم و چون اسم همه شهدا را نمی‌دانیم می‌توانیم آیات را به نیت شهدای گمنام حفظ کنیم، بخوانیم و ثواب آن را به آنها هدیه نماییم، خدا ثوابش را به شهدا می‌رساند. هدف ما این است که با این کار به شهدای عزیزی که با اهدای جان خود اسلام را حفظ کرده‌اند، انقلاب اسلامی را به وجود آوردند و با خون خود آن را آبیاری نمودند تا زنده بماند و استمرار داشته باشد و راه را برای ما باز کردند تا خادم قرآن (وزیری) بیاید اینجا و در خدمت قرآن باشد و به راحتی برای قرآن تبلیغ کند، هم ثوابی به آنها برسد و هم نام و یاد آنها زنده و جاوید بماند. در ازای آن فداکاریها، از کمک و یاری آنها در این دنیا و شفاعتشان در آخرت بهره‌مند شویم. ان شاء الله.

دیگر لزومی ندارد که توضیح دهیم و اسامی مربوط به ۱۱۴ سوره، سی جزء، ۱۲۰ حزب و ۶۲۳۶ آیه را بیان کنیم؛ چرا که با این کار بحث طولانی می‌شود و حجم مطالب به اندازه‌ای می‌شود که شاید کسی حوصله خواندن آنها را نداشته باشد.

سؤال: با توجه به این که در حال حاضر قرآن به صورت گسترده چاپ گردیده و منتشر شده است و به فراوانی در دسترس می‌باشد و همچنین آیات قرآنی و اطلاعات مربوط به آنها در نوارها و رایانه‌ها موجود است؛ به نظر شما چه ضرورتی دارد که قرآن را حفظ و از بر نماییم؟

جواب: بنده برای این سؤال پنج جواب دارم و ادعا می‌کنم که اگر کسی بتواند یکی از این موارد را رد کند حاضرم حفظ قرآن را رها کنم.

۱. اگر شخصی به خاطر کار بزرگی که انجام داده و باعث افتخار و سرافرازی اسلام و مسلمین گردیده است؛ تقدیرنامه یا نوشته تشکرآمیزی از طرف مقام بالایی مثل ولی فقیه، رئیس جمهور، وزیر یا رئیس سازمان یا اداره‌ای دریافت کند؛ آنقدر آن را می‌خواند و تکرار می‌نماید و به دوستان و همکاران خود نشان می‌دهد که ناخودآگاه

آن را حفظ می‌کند، هر چند قصد حفظ کردن آن را هم نداشته باشد.

به فرموده امام راحل علیه السلام: «قرآن نامه معشوق به عاشق است». قرآن معجزه جاودان خاتم انبیاست که برای هدایت بشر و نشان دادن راه و رسم صحیح زندگی و راه رسیدن به سعادت ابدی نازل گردیده است و جواب‌گوی تمام نیازهای بشری در هر عصر و زمانی است و پیروی از دستورهای آن خیر و سعادت دنیا و آخرت را دربردارد....

پس حالا که قرآن این قدر ارزشمند است و از طرف خدای متعال که آفریننده همه هستی و صاحب تمام مقامات و کمالات است برای ما فرستاده شده و الآن در دست ماست، پس بر ما لازم است که قرآن را بر هر چیزی برتری بدهیم، برای آن اهمیتی ویژه قائل شویم و زندگی خود را براساس آن پایه‌گذاری کنیم و آن قدر آن را بخوانیم و تکرار کنیم و به دوستان و دشمنان نشان دهیم تا تمام سوره‌ها و آیات آن در ذهن و حافظه ما جاگیرد و آن را حفظ شویم.

۲. انسان نماز می‌خواند، روزه می‌گیرد، خمس و زکات می‌دهد، حج بجا می‌آورد، امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و دیگر عبادتها و کارهای خوب و شایسته را انجام می‌دهد، برای این که به بهشت برود.

ما در احادیث و روایات داریم که بهشت دارای مراتب و درجاتی است که به تعداد آیه‌های قرآن می‌باشد؛ وقتی انسان به اولین درجه بهشت می‌رسد به او گفته می‌شود: «آیه بخوان و بالا برو.» هر آیه‌ای که می‌خواند به درجه بالاتری از بهشت می‌رسد و هر کس تعداد بیشتری از آیات قرآن را حفظ باشد به مراتب بهتری از بهشت دست می‌یابد. حالا اگر کسی کل قرآن را حفظ باشد به آخرین و بالاترین درجات بهشت می‌رسد و به راستی که بهشت حافظان چقدر آسان است.

پس اگر ما می‌خواهیم به سادگی در بالاترین درجات بهشت و در کنار بهترین اولیا و بندگان خداوند قرار گیریم باید قرآن کریم را حفظ نماییم، البته حفظی که همراه تدبیر، تفکر و درک مفاهیم و عمل باشد.

می‌کند و راهی مقصد می‌شود.

بعد که به شهرستان مورد نظر رسید، برای اقامت اول سعی می‌کند دوست یا آشنایی پیدا کند تا به منزل او برود و میهمان او شود و غذا و مسکن مجانی برایش تمام شود و چیزی برای این موارد صرف نکند.

اگر نشد باز به جیب خود نگاه می‌کند و بر اساس آن هتل، مهمانسرا یا مسافرخانه برای سکونت کرایه می‌کند. بعد از آن نوبت غذا می‌رسد که صبحانه، ناهار و شام چه تناول کند؟ برای انتخاب نوع غذا هم باید ببیند چقدر پول دارد. پس از این نوبت گردش و جاهای دیدنی می‌رسد که برای این هم باید هزینه آن را در نظر داشته باشد. موقع خرید هم در این فکر است که چه بخرد و چه نخرد؟ که این هم بستگی به مقدار پولش دارد.

مختصر اینکه در این سفر هشتاد درصد به فکر اقتصاد است و فقط ۲۰٪ برای هدف اصلی که تفریح بوده است خود را مشغول نموده است. و هر کاری که در نظر دارد انجام بدهد اول باید وضعیت اقتصادی خود را در نظر بگیرد و به جیبش نگاه کند بعد تصمیم بگیرد.

نکته دیگر اینکه وقتی از شهر خود حرکت می‌کند با جیب پر از پول خارج می‌شود ولی موقع برگشت جیب خالی می‌شود و شاید مبلغی هم مقروض بشود. ولی برای حافظان قرآن چنین مشکلی نیست، برای نمونه فرض کنید شخصی به بنده بگوید که آقای وزیری شمابه فلان شهرستان برو، من از اینجا با استاندار، فرماندار، امام جمعه و نماینده ولی فقیه در آنجا تماس می‌گیرم و می‌گویم: «بنده وزیری هستم. می‌خواهم با خانواده (برای اجرای برنامه یا تفریح یا هر دو مورد) به شهر شما بیایم.» می‌گویند: «جدی می‌گویی؟ برای کدام پرواز آماده هستید تا بلیط هواپیما برای کل خانواده تهیه و ارسال نمایم؟».

بعد که به شهرستان می‌رویم به خوبی از ما استقبال می‌شود و در همه جای شهر نوشته‌های خیرمقدم نصب می‌کنند، ما را به یک مهمانسرای عالی یا هتل چند ستاره

می‌برند و غذاهای عالی آماده می‌کنند و خود برای ما برنامه بازدید و تفریح و محفلهای قرآنی و... تدارک می‌بینند.

وقتی قصد برگشت داریم اصرار می‌کنند که بیشتر بمانیم و حتی بیشتر جاها می‌گویند ما منزل و همه چیز همین جا آماده می‌کنیم شما در شهر ما بمانید و فعالیت‌های قرآنی داشته باشید. در پایان هم جوایز، هدایا و سوغات زیادی به ما می‌دهند، بچه‌ها هر چه بخواهند برای آنها تهیه می‌کنند و همان طوری که از ما استقبال کردند و شاید بهتر و با شکوه‌تر ما را بدرقه می‌کنند.

خلاصه این که ما وقتی از قم می‌رویم با جیب خالی می‌رویم ولی در مقصد با احترام همه چیز برای ما فراهم می‌کنند و موقع برگشت با جیب پر و مقدار زیادی سوغات و جایزه برمی‌گردیم. اینها همه در پرتو تمسک به قرآن و عترت و حفظ قرآن کریم است که نصیب ما می‌شود و این همه لطف و عنایت مردم و مسؤولان و زحمتهایی که می‌کشند از برکت قرآن است، برای این است که ما خادم و مبلغ قرآن هستیم.

این مطالب را که عرض کردم برای این که به آن افرادی که دنبال دنیا و مادیات می‌روند و دوستدار پول و ثروت هنگفت هستند بگوییم: «اگر خدای نکرده شما قصد جمع‌آوری مال وافر را دارید و در پی جمع‌آوری پول و زندگی اشرافی و تجملاتی هستید (در حالی که حب دنیا که ریشه و سرمنشأ هر گناه و خطایی است در وجودتان ریشه دوانده است) با حفظ قرآن، هم می‌توانید به هدف خود برسید؛ باید حافظ قرآن شوید تا به آنچه از امور دنیوی می‌خواهید برسید.»

البته بنده خیلی صریح، قاطع و محکم سفارش و تأکید می‌کنم به هیچ وجه کسی به این نیت قرآن را حفظ نکند، بلکه با خلوص نیت و تنها برای رضای خدا به حفظ قرآن بپردازد. خود بخود در پرتو لطف و مرحمت حفظ کتاب خدا، زندگی دنیایی شما تأمین می‌شود. بنده یک لحظه هیجان زده شدم و این جواب را دادم. ولی آنچه مسلم است این است که در حفظ قرآن، هم دنیا هست، هم آخرت که شما نمونه‌اش را

ملاحظه کردید.

سؤال: با توجه به این که شما و فرزندان شما حافظان نمونه قرآن هستید نظرتان را در مورد «حافظ قرآن» بیان نمایید؟

جواب: این سؤال شما برای بنده خیلی عجیب است. گفتید که شما و فرزندان شما حافظ قرآن هستید! بنده از شما سؤال می‌کنم: آیا ما حافظان قرآن هستیم یا قرآن حافظ ماست؟ حافظان قرآن صاحبان قرآن هستند. چهارده معصوم علیهم‌السلام که قرآن ناطق و ناطق قرآن هستند، حافظان واقعی و حقیقی قرآن هستند، هر چند منظور از حافظ قرآن شاید چیز دیگری باشد. جسارت است اگر بنده بگویم ما حافظ قرآن هستیم. ما فقط خادم و مبلغ قرآنیم.

عقیده بنده این است که قرآن حافظ خادمین خویش است. بنده اعتراض می‌کنم اگر کسی بگوید: فرزندان شما حافظان قرآن هستند؛ آنها حتی به اندازه یک قطره در برابر دریا حافظ قرآن نیستند، حتی به اندازه ملکول آبی در برابر اقیانوس پهناور هم حافظ قرآن نیستند.

در اینجا بنده از بزرگان، متخصصان و صاحب نظران درخواست می‌کنم که به ما زیاد ایراد نگیرند، زیرا در این قسمت بنده نظر خاصی را ارائه می‌دهم که فقط برای تشویق نسل جوان است تا به حفظ قرآن کریم روی بیاورند. من سعی دارم از یک طرف ثابت کنم همه حافظ قرآن، بلکه حافظ کل قرآن هستند و از طرفی این را به اثبات برسانم که بچه‌های ما (محمدصادق و زهرا) که قرآن را با بیش از ۷۲ روش و اطلاعات گوناگون به همراه ۷۲ کتاب دیگر حفظ نموده‌اند حتی به اندازه قطره آبی در برابر دریا حافظ نیستند. با این حال بنده خجالتی ندارم، بلکه افتخار می‌کنم، خوشحال و مطمئن هم هستم که فرزندانم این گونه‌اند.

مطلب اول را که چطور می‌شود گفت همه افراد حافظ کل قرآن هستند در دو قسمت توضیح می‌دهم:

اول این که: در احادیث و روایات داریم که هر کس سوره اخلاص را سه مرتبه قرائت

کند مثل این است که یک ختم کامل قرآن را انجام داده است؛ بنابراین کسی که سورهٔ اخلاص ﴿قل هو الله احد...﴾ را سه مرتبه از حفظ بخواند مانند کسی است که کل قرآن را از حفظ خوانده باشد، پس ما به راحتی می‌توانیم به شخصی که چنین کاری را انجام دهد لقب حافظ کل قرآن بدهیم. اگر در بین بچه‌ها کسانی هستند که این سوره را حفظ نیستند با کمک بزرگترها این سوره را حفظ کنند تا حافظ کل شوند و طبق روایت با خواندن و تکرار آن به‌یازای هر سه بار خواندن ثواب یک ختم کامل قرآن به آنها عنایت می‌شود.

دوم این که: کلمهٔ حافظ قرآن به معنی از بر کننده قرآن است، نه به معنای محافظ و کسی که قرآن یا چیز دیگری را نگهداری کرده باشد.

بنابراین اگر شخصی به نیت این که کل قرآن را از بر کند، و آن را شروع نماید، همین که آیه مبارکه ﴿بسم الله الرحمن الرحيم﴾ را از بر کرد حافظ کل قرآن کریم است؛ به این معنا که مشغول حفظ قرآن کریم است و می‌خواهد کل آن را حفظ کند؛ محافظ نیست، از بر کننده است.

با توجه به این توضیحات، شما می‌توانید فرزندان خود را حافظ کل قرآن بدانید و این لقب حافظ کل قرآن را که بچه‌ها خیلی دوست دارند به آنها بدهید.

فایده این کار این است که آنها تشویق می‌شوند و سعی می‌کنند بیشتر و سریع‌تر به حفظ قرآن بپردازند، از طرفی شما می‌توانید به آنها بگویید: «شما الآن حافظ کل قرآن هستید، پس دنبال تبلیغ قرآن و عمل به دستورات انسان ساز و سعادت‌آفرین آن باشید، سعی کنید مبلغ قرآن باشید و در فکر جایزه و چیزهای دنیایی نباشید.»

ان‌شاءالله این نصیحتها بچه‌ها را در مسیر قرآن و راه حق سوق خواهد داد. من این مطالب را در چند شهرستان عرض کرده‌ام و خیلی روی بچه‌ها تأثیر مثبت گذاشته است.

حالا جواب قسم دوم را که گفتم محمد صادق و زهرا به اندازهٔ قطرهٔ آبی در برابر دریا حافظ نیستند، با یک مثال ثابت می‌کنم.

اگر کسی بیاید به من بگوید که ما می‌خواهیم به مسافرت برویم شما مراقب و حافظ خانه ما باشید؛ آیا منظور این است که بنده باید فقط مواظب در و دیوار باشم یا این که باید همه آنچه در خانه است را حفظ کنم و نگذارم از بین برود، مسلّم است که منظور تنها در و دیوار نیست بلکه آنچه بیشتر مورد نظر است و باید بیشتر مورد توجه قرار گیرد و از خطر حفظ شود اثاث و وسایل درون خانه است.

حالا اگر ضرری برسد، چیزی گم شود، خراب و ضایع شود آیا کسی مرا حافظ خانه می‌داند؟ واضح است که نه؛ چرا که بنده کارم را درست انجام نداده‌ام و خوب حفظ نکرده‌ام، اگر حفظ کرده بودم که ضرر و زیانی به خانه نمی‌رسید؛ همین طور وقتی ما به کسی می‌گوییم تو حافظ کل قرآن هستی، آن فرد باید علاوه بر حفظ متن تمام آیات کتاب الهی، همه مطالب، موضوعات، مفاهیم و تفاسیر که تاکنون بیان شده و در آینده گفته خواهد شد را حفظ و از بر شود، خود به آنها عمل کند و دیگران را نیز بهره‌مند گرداند و به عمل نیکو تشویق کند.

با این توضیحات می‌بینیم که حافظ قرآن شدن برای افراد عادی محال است و فقط ائمه معصومین علیهم‌السلام ناطقان و حافظان حقیقی و واقعی قرآن هستند و جز آنها کسی نمی‌تواند خود را حافظ قرآن بداند.

به همین علت با این که به لطف الهی و عنایت چهارده معصوم علیهم‌السلام فرزندانم موفق شده‌اند قرآن کریم را با بیش از ۷۲ روش و اطلاعات گوناگون به اضافه ۷۲ کتاب دیگر حفظ کنند، می‌گوییم که در برابر قرآن و آنچه در آن هست به اندازه ملکول آبی در مقایسه با یک اقیانوس هم حافظ نیستند، آنها فقط و فقط خادم و مبلغ قرآن هستند.

بنده نمی‌گویم که بچه‌هایم حافظ قرآن هستند و افتخار دارم که این سخن را عرض می‌کنم و به این که محمد صادق و زهرا مبلغ و خادم قرآن می‌باشند افتخار می‌کنم و از مردم هم می‌خواهم بجای این که ما را حافظ قرآن بخوانند خادم قرآن بنامند، چرا که شاید این جمله که شما حافظ قرآنید باعث ایجاد تکبر در بچه‌ها شود، شیطان خیلی بیشتر از ما فعالیت می‌کند و بخصوص در این زمینه تلاش بسیاری دارد. همین کافی

است که شخص با خودپسندی و تکبر بگوید: من حافظ کل قرآن هستم و با گفتن همین جمله هر چه را که با زحمت به دست آورده است از دست بدهد. حافظ واقعی قرآن باید ترجمه‌های گوناگون آیات را بداند. برای این که هر یک از آیات کتاب الهی به شکلهای مختلف قابل ترجمه است و هر کدام مفهومی خاص دارد و بیان‌کننده حقیقتی است. علامه طباطبایی مفسر بزرگ قرآن کریم و صاحب تفسیر وزین و ارزشمند المیزان می‌گوید: «آیه ۱۰۲ سوره بقره را می‌توان به یک میلیون و دویست و شصت هزار (۱/۲۶۰/۰۰۰) شکل مختلف ترجمه نمود.»

سؤال: در ابتدای شروع حفظ قرآن کریم به عنوان مقدمه به چه مواردی باید توجه داشته باشیم؟

جواب: بنده به نیت پنج تن جواب این سؤال را در پنج بخش می‌گویم:

۱. خلوص نیت

پایه و اساس این امر مقدس، خلوص نیت است، فقط و فقط برای رضا و خشنودی خدای متعال حفظ قرآن را شروع کنیم و مطمئن باشیم که هر چه درجه خلوص و پاکی نیت ما بیشتر باشد در کار خود موفق‌تر خواهیم بود، شیرینی و حلاوت میوه عملی بیشتر است که شیره و جوهره اخلاص آن بیشتر باشد؛ که به تبع آن، ارزش و بهایش نیز بیشتر خواهد بود.

۲. یقین به خدا

ما باید علاوه بر این که کار را برای کسب رضای خدا آغاز می‌کنیم، اعتقاد کامل و راسخ به خدا و وعده‌های او داشته باشیم و مطمئن باشیم که اگر برای خدا کار کنیم صددرصد خدا هم ما را یاری می‌کند چرا که خود فرموده است:

«إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱

اگر خدا را یاری کنید، یاریتان می‌کند و قدمهای شما را استوار می‌سازد.

بعضی می‌گویند: «ما کار را شروع می‌کنیم، ولی نمی‌دانیم که آیا موفق و پیروز می‌شویم یا نه؟» من می‌گویم: «شما برای خدا کار کنید، مطمئن باشید در شکست هم پیروزی است و ضرر و زیانی برای شما پیش نخواهد آمد.»

به عنوان نمونه واقعه کربلا را ببینید، برای امام حسین علیه السلام و یارانش به ظاهر بزرگترین شکست بود، ولی در حقیقت بزرگترین فتح و پیروزی است؛ بزرگترین شکست به خاطر این که یزیدیان، امام حسین علیه السلام و ۷۲ یار باوفایش را به شهادت رساندند، خیمه‌هایشان را به آتش کشیدند، اموالشان را به غارت بردند، زنان و کودکانشان را به اسارت بردند و چه مصیبت‌ها که برای آنها بوجود نیاوردند.

ولی وقتی که در این واقعه عمیق فکر می‌کنیم و ثمرات و نتایج آن را می‌بینیم متوجه می‌شویم که بزرگترین پیروزی در تاریخ اسلام همین واقعه عاشورا، در کربلاست؛ چرا که به واسطه آن، درخت دین آبیاری گشت، اسلام زنده شد و حیاتی دوباره یافت، نقاب نفاق و تزویر از چهره دشمنان اسلام برداشته شد و مردم از حقیقت اسلام آگاه شدند و ضمانت بقا و استمرار دین مبین اسلام تأمین گردید.

اکنون پس از قرن‌ها برای شهدای کربلا مراسم سوگواری و عزاداری برگزار می‌شود و سال به سال بر عظمت این مراسم افزوده می‌شود، در هر مراسم مذهبی که توسط شیعیان برگزار می‌شود از امام حسین علیه السلام و یارانش یاد می‌شود و از ایثار و فداکاری آنها تجلیل به عمل می‌آید.

مسلمانان از مکتب امام حسین علیه السلام درس دینداری، آزادمردی، شهادت، شجاعت، شهامت، ایثارگری، جانبازی، فداکاری و... می‌آموزند و یاد و خاطره حاضرین در این مکتب را گرامی می‌دارند. هر سال که می‌گذرد این واقعه جدیدتر به نظر می‌رسد و اثرات آن در جهت حفظ و حراست از دین بیشتر جلوه می‌کند؛ بنابراین واقعه کربلا

بزرگترین پیروزی در سطح جهان برای مسلمانان است. پس اگر مادر زندگی مسیری را برای جلب رضای خدا برگزیدیم و برای رسیدن به هدف تلاش و جدیت به خرج دادیم، ولی در کار خود موفق نشدیم هرگز نباید خود را شکست خورده بپنداریم و از رحمت حق ناامید شویم؛ چرا که در پس آن خیری پنهان است که خود نمی‌دانیم و از طرفی یأس و ناامیدی از رحمت الهی گناه کبیره است.

از بچه‌ها بخواهید که برای رضای خدا کار کنند و به آنها بگویید که اگر هدف‌تان خدا باشد و برای خدا کار کنید، نه تنها در آخرت بلکه در همین دنیا عوض آن را خدا به شما می‌دهد حتی اگر به شما نرسید به نسل شما می‌رسد.

۳. اعتماد به نفس

این خیلی مهم است. وقتی فردی کار را شروع می‌کند شیطان او را وسوسه می‌کند و احساس می‌کند خسته است، ذهنش یاری نمی‌کند، نمی‌تواند حفظ کند؛ اینها همه وسوسه‌های شیطانی است، بخصوص در ابتدای کار، شیطان زود دامش را می‌گستراند و پس از چند روز جلوی پیشرفت و موفقیتش را می‌گیرد و چه بسا باعث شود زحمات قبلی از بین رفته و آنچه را فرد حفظ کرده فراموش نماید.

باید مواظب باشید، اعتماد به نفس داشته باشید و نیز ایمان به این که شما هم می‌توانید حافظ کل قرآن شوید؛ با صبر و حوصله پیش بروید، اگر عجله کنید و بخواهید زود حفظ کنید شاید موفق نشوید، باید برای حفظ وقت بگذارید؛ شما بذر یا نهالی را که در زمین می‌کارید چند سال صبر می‌کنید، آبیاری می‌کنید، زحمت می‌کشید تا سرانجام پس از چند سال میوه بدهد، تلاش کردن و صبر در برابر مشکلات مزرعه زندگی، خارهایی هستند که پس از مدتی از لابلای آنها گل‌های زیبا و میوه‌های شیرین توفیق و پیروزی پدیدار می‌گردد و عطر و رایحه دلپذیر و حلاوت بی‌نظیر آنها زندگی را به کام آدمی شیرین می‌کند و بلبل سعادت را در گلستان حیات و جنات ممت به پرواز درمی‌آورد.

اگر می خواهید فرزند شما حافظ قرآن شود، باید به او احترام بگذارید، با او تمرین کنید، بخشی از وقت خود را به او اختصاص دهید و به او قرآن بیاموزید یا در نهایت اگر خود نمی توانید برایش مربی بگیرید تا با او کار کند و بچه کم کم یاد بگیرد و حفظ کند؛ مدتی که گذشت قدرت حافظه زیاد می شود و سریع تر حفظ می کند.

کسی که می خواهد دوچرخه سواری یاد بگیرد، اول باید یک نفر عقب چرخ را بگیرد تا کم کم بتواند رکاب بزند، باز تمرین کند و چند بار به زمین بخورد و آسیب ببیند تا یاد بگیرد که خود سوار دوچرخه شود؛ در ابتدای کار مدتی خیلی آهسته و با احتیاط می راند، خوب که یاد گرفت خیلی تند و سریع دوچرخه سواری می کند، گاهی یک دستی می رود و گاهی دو دستش را هم از فرمان رها می کند، در جاهای شلوغ و خیابان هم به راحتی با دوچرخه رفت و آمد می کند، در مسابقات دوچرخه سواری نیز شرکت می کند.

آقا صادق قبل از شروع حفظ به قدری حافظه اش ضعیف بود که اگر شما اسمتان را به او می گفتید یک دقیقه بعد فراموش می کرد، ولی وقتی حفظ قرآن را شروع کرد در ابتدا روزی یک صفحه حفظ می نمود، هر چه گذشت زیادتر شد تا این که به جایی رسید که به راحتی روزی ده صفحه قرآن حفظ می نمود.

شما هم می توانید حافظ کل قرآن شوید و این را باور کنید. والله والله والله آسان ترین کار در جهان حفظ قرآن است. قرآن کلام خدا و معجزه حقیقی است، شما یک قدم به طرف خدا بردارید خدا ده قدم جلو می آید، بلکه ما مشاهده کرده ایم که در عوض یک قدم ما، خدا ده هزار یا شاید ده میلیون قدم جلو می آید و ما را یاری می کند.

۴. ارزش و اهمیت وقت

اگر یک دقیقه حتی یک ثانیه از وقت خود را ضایع کردید به هیچ وجه خود را عفو نکنید چرا که آن موقعیت از دست رفته دیگر جبران نمی شود. از لحظه لحظه وقت خود با برنامه ریزی صحیح و کامل استفاده کنید. اگر از وقت خود صحیح و درست استفاده کنید، جهان زیر پای شماست، جهان به دنبال شما می آید.

شما ملاحظه کنید که استکبار جهانی چه بلایی بر سر ما آورده است، تلویزیون و وسایلی نظیر آن درست کرده است تا ما با تماشای برنامه‌های آن سرگرم شویم و به دنبال تفکر و خلاقیت و کار و تلاش نرویم، ولی خودشان کارهایشان را با برنامه و تصمیم‌گیری صحیح انجام می‌دهند.

از دست دادن موقعیتها و تلف کردن اوقات باعث ندامت و پشیمانی می‌گردد، مولای متقیان حضرت علی علیه السلام در این مورد می‌فرماید:

«إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ»^۱ از دست دادن اوقات [موجب] غصه است.

تنها استفاده از وقت کافی نیست بلکه ما باید از وقت خود به بهترین شکل ممکن استفاده کنیم، اگر شخصی در یک مسیر و در یک زمینه خاصی کار کند بهتر است و زودتر به نتیجه می‌رسد تا این که دو کار یا بیشتر را دنبال کند؛ چرا که همیشه، همه کاره هیچ کاره است.

از لحظه لحظه عمر خود در هر شرایط زمانی و مکانی؛ شب، روز، در منزل، در محل کار، محل تحصیل، بین راه، در اتوبوس، در مینی‌بوس، در هواپیما، در قطار و... شایسته‌ترین و بیشترین استفاده را ببرید، نگذارید حتی یک ثانیه از وقتتان هدر رود یا صرف کار بی‌اهمیت یا کم‌اهمیت شود.

آیه‌الله خزعلی (حفظه‌الله) حافظ کل قرآن و نهج‌البلاغه و عضو فقهای شورای نگهبان به ما افتخار دادند و ما را با خانواده به منزل خود دعوت کردند، ما دو ساعت و نیم در محضر ایشان بودیم، این فقیه عالیقدر در حضور چند تن از مسؤولان به عنوان بزرگترین کارشناس قرآن و علوم اسلامی در زمان ما حدود دو ساعت محمدصادق و زهرا را امتحان نمودند و پس از این که آنها با تسلط کامل و خیلی خوب به سؤالات مختلف و متنوع این بزرگوار پاسخ دادند، آقا نذر کردند که ماهانه برای سلامتی محمدصادق و زهرا مبلغ پنج هزار تومان در راه خدا صدقه بدهند.

چون وقت ایشان خیلی مهم است ما چند بار اجازه خواستیم که از خدمتشان

مرخص شوم ولی آقا اجازه ندادند، تا این که پس از دو ساعت و نیم اجازه دادند و گفتند: «به اندازه‌ای کارم زیاد و وقتم کم است که حتی به رئیس جمهور هم - اگر کاری داشته باشد - بیش از یک ساعت وقت نمی‌دهم ولی برای این خانواده قرآنی محدودیتی قائل نیستم.»

آیه الله خزعلی در مورد استفاده کامل از وقت گفتند: «من مشکل‌ترین کتاب جهان یعنی نهج البلاغه را فقط در مسیر رفت و آمد به محل کار و در بین راه حفظ نمودم.»
ما در دانشگاه علم و صنعت در تهران یک روز بعد از ظهر برنامه اجرا کردیم و شب هم جلسه پرسش و پاسخ داشتیم که تا ساعت سه نیمه شب به طول انجامید، بنده این صحبتها را هم در آن جلسه بیان کردم.

بعد از ساعت چهار، وقتی ما برای خواندن نماز صبح می‌رفتیم به چند نفر از دانشجویان که مشغول مطالعه بودند رسیدیم، بنده به آنها گفتم: «چرا هنوز نخوابیده‌اید؟» گفتند: «فردا امتحان داریم.» بنده تعجب کردم که چطور اینها با این که فردا امتحان دارند شب نخوابیده‌اند، از این عجیب‌تر این بود که وقتی از آنها پرسیدم: «آیا درسی را که امتحان دارید مطالعه می‌کنید؟» گفتند: «نه! داریم قرآن حفظ می‌کنیم.» از آنها پرسیدم که از ساعت سه تا حالا چقدر حفظ کرده‌اید؟ دیدم برخی یک صفحه، بعضی یک و نیم صفحه و عده‌ای هم دو صفحه حفظ نموده‌اند. گفتم: «چرا درسی را که امتحان دارید مطالعه نمی‌کنید؟» گفتند که شما خودتان گفتید: «اگر یک ثانیه از وقت خود را بیهوده تلف کردید خود را نبخشید چرا که این فرصت از دست رفته است و قابل جبران نیست.»

ما هم تصمیم گرفتیم به گفته شما عمل کنیم و همین امشب حفظ را شروع نماییم، جای بسی سرافرازی و خشنودی است که امروز در دانشگاههای این کشور، چنین دانشجویانی هستند که عاشق قرآن و عترت و مدافع اهداف مقدس اسلامی هستند و جاذبه‌های معنوی بسیار قوی دارند و کافی است که راه درست و طریق مستقیم هدایت برای نیل به مدارج والای علمی و معنوی برای آنها بیان شود؛ آنها خود به خود

با این راهنمایی راه را می پیمایند.

۵. استمرار و استقامت

اگر کم کار کنید ولی این کار ادامه داشته باشد کار با ارزشی است، برای این که کارمان مستمر و دائمی باشد، صبر و حوصله و استقامت نیاز دارد؛ بدون استمرار و استقامت، انسان به مقصدی نمی رسد، اگر این دو مورد رعایت نشود هر چند کار زیاد باشد رسیدن به هدف مشکل و حتی غیر ممکن است؛ اگر در بنای یک ساختمان پایه و ستون درست و محکم پی ریزی شود، این ساختمان زود از بین نمی رود، اگر در و دیوار آن هم از بین رفت زود می شود تعمیر کرد؛ اما اگر پی و اساس ساختمان درست و محکم بنا نهاده نشود هر چند ظاهر آن جالب باشد زود خراب و ویران می شود، در حفظ قرآن هم استمرار و استقامت اساس و پایه حفظ هستند و بدون آنها کسی نمی تواند قرآن را حفظ کند و اگر بتواند مقداری هم حفظ کند زود فراموش می کند. اگر بخواهیم حافظ قرآن شویم باید به طور مداوم هر روز بخشی از قرآن را حفظ کنیم هر چند آن صفحاتی که حفظ می کنیم کم باشد، اما اگر یک روز یا چند روز زیاد حفظ کنیم بعد چند روز فاصله بیندازیم و سپس چند روز دیگر کار کنیم و دوباره قطع کنیم به هدف خود که حفظ کل قرآن است نمی رسیم. رهرو آن نیست که گه تند و گهی خسته رود رهرو آن است که آهسته و پیوسته رود

سوال: برای موفقیت در حفظ قرآن چه اصولی را باید مد نظر قرار داد؟

جواب: اینجا هم بنده به نیت پنج تن، پنج اصل را به عنوان اصول حفظ قرآن کریم بیان می کنم که سه مورد آن اعتقادی و دو مورد تمرینی است.

هر کس این پنج اصل را برگزیند و در زندگی به کار بندد محال ممکن است که حافظ قرآن نشود هر چند قصد داشته باشد قرآن را حفظ نکند.

۱. اخلاص در عمل

یعنی این که کار ما خالص برای خدا و کسب رضایت حق تعالی باشد، نه این که خدای نخواستہ بیاییم قرآن را برای کسب رتبه و مقام در مسابقات و بین اطرافیان و برای دریافت جایزه و هدیه و تشویق شدن و برای شهرت یابی و ریاکاری و... حفظ نماییم. اگر کار و هدف ما فقط و فقط رضا و خشنودی خدا و قربۀ الی الله باشد ثمره اش توفیق، برکت و سعادت دنیا و آخرت خواهد بود.

اگر هدف غیر خدا باشد و یا، هم خدا و هم چیز دیگری را در نظر داشته باشیم به علت فقدان اخلاص و پاکی نیت توفیقی هم نخواهد بود، بنابراین زمانی به حفظ کل قرآن نائل می شویم که همواره در کار خود اخلاص داشته باشیم، البته گاهی انسان در عمل ریایی هم توفیقاتی می یابد و به جاهایی می رسد ولی مسلم است که در همین زمینه اگر اخلاص کامل حکمفرما باشد، شخص به توفیقات و پیروزیهای بسیار بالایی دست می یابد.

بنده بارها عرض کرده ام که کار ما باریا بوده است و شما می بینید که خدا چه نعمتی داده که خانواده ما این گونه قرآن و روایات را حفظ کرده اند! اگر کار ما صددرصد برای خدا و با اخلاص کامل همراه بود خداوند نعمت و توفیق بالاتر و بیشتری را نصیب ما می کرد. حالا ممکن است برخی ایراد بگیرند که چگونه امکان دارد خداوند به خاطر کار ریایی هم به انسان نعمت بدهد؟!

جواب این است که خداوند ارحم الراحمین و سرچشمۀ بخشش و رحمت است و هر بنده ای را که زحمت بکشد و تلاش کند حتی اگر کارش با اخلاص توأم نباشد مشمول لطف و عنایت خویش می گرداند و او را مأیوس نمی سازد و توفیق و نعمت خود را تا حدی نصیبش می نماید.

درخواست بنده از شما مردم این است که از خدا بخواهید اگر بنده ریا کردم به واسطه لطف و عنایت خود و شفاعت چهارده معصوم علیهم السلام و برکت قرآن ریای مرا با اخلاص عوض کند.

اینجا بنده برای آن اشخاصی که مثل بنده کم اعتقادند و چندان به رحمت الهی امیدوار نیستند یک حکایت نقل می‌کنم.

این حکایت در کشور پاکستان مشهور است، حالا حقیقت و صحت آن چقدر است نمی‌دانم.

می‌گویند سالها پیش پادشاهی خداپرست، مخلص، مؤمن و متدین در سرزمینی حکومت می‌کرد، این پادشاه دختر جوانی داشت که از طرف پادشاهان دیگر خواستگاران زیادی برای وی می‌آمدند اما پادشاه همه آنها را رد می‌کرد و می‌گفت: «داماد من باید فردی مؤمن و خداپرست باشد، ایمانش قوی و کارهایش شایسته باشد.» روز و روزگار می‌گذشت، خواستگاران می‌آمدند و می‌رفتند ولی هیچیک را پادشاه به دامادی قبول نمی‌کرد، زیرا یا بت پرست بودند یا این که ایمان و اعتقاد خداپسندانه نداشتند.

روزی فکری به ذهن پادشاه رسید، همه وزیران و مشاوران و درباریان را جمع کرد و گفت: «من می‌خواهم همسر شایسته‌ای برای دخترم پیدا کنم، برای این کار چند نفر از شما باید شب که از نیمه گذشت به مسجد بروید و اولین فردی را که برای عبادت و نماز صبح به مسجد می‌آید به دربار بیاورید، این شخص داماد من می‌شود و نصف ثروتم را به او می‌دهم، هر چند زن دیگری هم داشته باشد.»

پادشاه برای این که مبادا این افراد بروند و صبح خیلی زود یکی از خودشان یا اقوامشان به مسجد بیاید دستور داد که هیچیک از شما حق ندارد تا فردا صبح و انجام مأموریت، از دربار خارج شود.

نیمه‌های شب نزدیک اذان صبح چند تن از وزرا و مشاورین برای اجرای مأموریت پادشاه راهی مسجد شدند.

در نزدیکی مسجد دزدی که برای انجام کار خود که دزدیدن اموال مردم بود این طرف و آن طرف می‌رفت؛ ناگهان دید چند نفر که مشخص بود درباری هستند به طرف او می‌آیند، فکر کرد آنها فهمیده‌اند که او دزد است و قصد دارند او را دستگیر

کنند، خواست خود را از نظر آنها پنهان کند، اما جایی مناسب نیافت، بناچار وارد مسجد شد و از ترس جان و برای حفظ آبروی خود بدون وضو به نماز ایستاد، مأموران وقتی وارد مسجد شدند دیدند فردی زودتر از آنها وارد مسجد شده و مشغول ادای نماز است نشستند تا نمازش تمام شود و او را به دربار ببرند، ولی دزد از ترس، پشت سر هم نماز می خواند، تا این که اذان صبح شد، مردم آمدند نماز جماعت خواندند و رفتند ولی او همچنان نماز می خواند.

دزد متوجه شد که همه مردم رفته اند ولی مأموران شاه هنوز نشسته اند، خیلی خیلی ترسید و مطمئن شد که آنها فهمیده اند که او دزد است و می خواهند او را دستگیر کنند، به همین جهت نماز خواندنش را ادامه داد.

مأموران هر چه نشستند و انتظار کشیدند آن فرد باز هم مشغول نماز و راز و نیاز بود، دیگر خسته شده بودند، به همین خاطر نزد دزد رفتند و گفتند: «ای بنده خدا امروز عبادت و نماز خود را تمام کن، امروز ما با تو کار داریم، فردا بیا و هر چه می خواهی عبادت کن و با خدای خود راز و نیاز نما.»

دزد که ترس زیاد، سراسر وجودش را فرا گرفته بود، چاره ای جز این که همراه آنها برود نداشت؛ مأموران او را به دربار نزد پادشاه بردند، دزد خود را برای مجازات آماده کرد ولی برخلاف انتظار دید که مأموران در نزد شاه از او خیلی تعریف و تمجید کردند و گفتند: «ای پادشاه! ما در طول زندگی خود هنوز فردی به این خوبی و باتقوایی ندیده ایم، این بنده خدا قبل از اذان صبح و حتی زودتر از ما وارد مسجد شده بود و نماز می خواند و دائم به عبادت و راز و نیاز مشغول بود، بعد از اذان هم که همه مردم آمدند و نماز و عبادات خود را بجا آوردند و رفتند این آقا نماز می خواند، تا این که ما مزاحم عبادت وی شدیم و از او خواهش کردیم امروز کمتر نماز بخواند و همراه ما نزد شما بیاید.»

پادشاه خیلی خوشحال شد و پیشانی دزد را بوسید و او را در آغوش فشرد و اعلام کرد: «این فرد از امروز داماد من است و نصف دولت و ثروت من هم از آن اوست.»

دزد وقتی وضع را این گونه دید یکباره به خود آمد و عوض شد، به درگاه الهی توبه کرد و از صمیم قلب به پیشگاه حضرت حق عرضه داشت: «خدایا مرا ببخش، تو را آن گونه که باید می شناختم، نشناختم؛ من یک دزد، یک گنهکار و یک خطاکار بودم، برای این که جانم به خطر نیفتد و آبرویم نریزد به مسجد که خانه توست پناه آوردم، بدون این که خود را در محضر تو بیابم و از تو کمکی بخواهم فقط برای ریا و از ترس جان و آبرو نماز خواندم، بدون این که وضو بگیرم، حتی نیت هم نکردم؛ من این گونه عمل کردم اما خدایا تو در عوض چه مهربانانه با من رفتار نمودی. خدایا تو در عوض این عمل ریایی دختر پادشاه و نصف ثروت او را به من عطا کردی؟ خدایا من این کار را از روی ترس انجام دادم و هیچ متوجه تو نبودم؛ حالا اگر با اخلاص و برای کسب رضای تو به مسجد آمده بودم و نمازم را فقط به نیت رضا و خشنودی تو به جا می آوردم چگونه با من رفتار می کردی و چقدر رحمت و برکت نصیب من می نمودی!»

نتیجه این داستان این است که اگر فردی کار خوب و شایسته‌ای به خاطر ریا و برای غیر خدا انجام دهد، احتمال دارد که خدا یک دفعه توفیقی نصیب او کند و این توفیق الهی همچون جرقه‌ای چراغ هدایت را در وجود آن فرد روشن نماید و مسیر زندگی و عقاید او را عوض کند.

وقتی کار خوب با نیت غیر خدایی چنین اثری داشته باشد، اگر از ابتدا اخلاص در عمل باشد و از اول انسان، خدا را در نظر بگیرد به یقین توفیقات و برکات الهی و نتیجه کار به اندازه‌ای خواهد بود که به هیچ وجه با نتیجه عمل ریایی قابل مقایسه نیست.

۲. حفظ هر آیه به نیت یک معصوم و یک شهید

هر آیه را به نیت یکی از چهارده معصوم علیهم السلام و یکی از شهدای عالیقدر اسلام حفظ کنیم و ثواب آن آیه را به آنها هدیه کنیم، این کار، هم ثواب بیشتری را در بردارد و هم این که این بزرگواران و آبرومندان درگاه الهی واسطه و شفیع ما می شوند و باعث

می‌گردند رحمت، برکت و توفیق الهی بیش از پیش نصیب ما گردد و زودتر و بهتر قرآن را حفظ نماییم، همواره باید به این نکته توجه داشته باشیم که در روز قیامت معصومین علیهم‌السلام و شهدای اسلام هستند که حق شفاعت دارند و بدون شفاعت آنها بهشت که سهل است، بوی بهشت هم به مشام کسی نمی‌رسد!

برای نمونه سوره حمد را به این ترتیب حفظ نماییم:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را به نیت حضرت محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و شهید دکتر بهشتی.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ را به نیت حضرت علی عَلِيٌّ و شهید مطهری.

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾ را به نیت حضرت فاطمه زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ و سمیه (اولین زن شهید صدر

اسلام).

﴿مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ را به نیت امام حسن عَلَيْهِ السَّلَامُ و شهید فتحی شقاقی از فلسطین.

﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ را به نیت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و شهید علامه حسین عارف

حسینی از پاکستان.

﴿أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ﴾ را به نیت امام سجّاد عَلَيْهِ السَّلَامُ و شهید مزاری از افغانستان.

﴿صِرَاطَ الَّذِينَ... وَلَا الضَّالِّينَ﴾ را به نیت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ و شهید مصطفی خمینی حفظ

نمائیم.

این کار علاوه بر این که باعث می‌شود توسل و رابطه ما با معصومین علیهم‌السلام و شهدا

بیشتر شود، موجب می‌گردد که یاد و نام شهدا زنده بماند.

نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم این است که ما در برابر خون تمامی

شهدای اسلام مسؤول هستیم و باید نام و یاد همه آنها را زنده نگهداریم، به همین

جهت برای حفظ قرآن ما از تمامی شهدای اسلام تا به حال و شهدای

جمهوری اسلامی ایران و شهدای دیگر کشورهای جهان مدد می‌طلبیم و آن شهیدانی

را که نمی‌شناسیم و اسمشان را نمی‌دانیم به عنوان شهید گمنام به نیتشان حفظ

می‌کنیم.

۳. غذای ساده و حلال

طعامی را که تناول می‌کنیم باید، هم ساده باشد و هم از راه حلال به دست آمده باشد.

اینجا کشور اسلامی است و تصور خوردن غذای حرام نمی‌رود و در این باره آیات و روایات زیادی بیان شده است؛ از جمله در قرآن داریم:

«یا ایها الناس کلوا مما فی الارض حلالاً طیباً ولا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین؛^۱

بنابراین بنده سعی می‌کنم بیشتر درباره غذای ساده صحبت کنم. غذای ساده برای آمادگی ذهنی و حفظ خیلی مؤثر است و مهمتر این که غذای ساده را به راحتی می‌توان از راه حلال و مشروع تهیه نمود، اما غذاهای سنگین، پرچربی و مقوی ذهن را کند و تنبل می‌گرداند و قوت حافظه را پایین می‌آورد و تهیه آن از راه حلال و مشروع مشکل است.

برخی می‌گویند: خوردن عسل، گردو، پسته و امثال اینها باعث تقویت حافظه می‌شود، شاید خوردن این چیزها حافظه را کمی قوی کند ولی جیب را خیلی ضعیف و خالی می‌کند و از استطاعت مالی بعضیها خارج است.

بنده تا به حال غذای حرام به فرزندانم نداده‌ام و خیلی شدید مراقب بوده و هستم که لقمه حرامی به اعضای خانواده‌ام ندهم، از نظر سادگی هم باید خدمتتان عرض کنم که خرج ماهانه خانواده پنج نفری ما در سال ۱۳۷۴ بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ بوده است در حالی که برای خانواده‌های دیگر به طور متوسط از سی هزار تومان بیشتر بوده است.

۴. برنامه‌ریزی منظم

بدون برنامه درست و منظم کار پیشرفت نمی‌کند و رسیدن به هدف مشکل و طولانی یا ناممکن می‌شود، پس باید هر کاری را با برنامه‌ریزی آغاز کنیم و تا رسیدن به هدف طبق برنامه عمل کنیم.

در کار حفظ قرآن منظور از برنامه‌ریزی این است که هر روز در یک وقت از پیش تعیین شده و مدت زمان مشخص به حفظ قرآن پردازیم، اگر روز اول صبح، تمرین کردیم روزهای دیگر نیز صبح کار حفظ را ادامه دهیم، اگر بعد از ظهر یا شب را انتخاب کردیم همیشه بعد از ظهر یا شب مشغول حفظ شویم، نه این که یک روز صبح، یک روز بعد از ظهر و بار دیگر شب تمرین کنیم.

دیگر این که هر روز مدت زمان مشخصی برای حفظ اختصاص دهیم، اگر روز اول دو ساعت یا سه ساعت به حفظ قرآن پرداختیم، روزهای دیگر نیز همان دو ساعت یا سه ساعت را به از بزرگ کردن آیات کتاب الهی اختصاص دهیم. اگر امروز دو ساعت، فردا سه ساعت، پس فردا چهار ساعت کار کنیم و روز چهارم را تعطیل نماییم در کار حفظ قرآن موفق نمی‌شویم. ما در ابتدای کار به نیت چهارده معصوم علیهم‌السلام روزی چهارده ساعت با محمد صادق قرآن کار می‌کردیم.

۵. همت و استقامت و استمرار

اگر روزی یک صفحه حفظ می‌کنیم باید بقدری آن صفحه را تکرار کنیم که کامل حفظ شویم، روز بعد قبل از این که بخواهیم صفحه بعدی را حفظ کنیم اول به سراغ صفحه قبلی برویم و اگر جایی فراموش شده یا اشکال و ایرادی وجود دارد برطرف کنیم بعد صفحه دیگر را حفظ کنیم، این کار را هر روز انجام دهیم؛ تا زمانی که آیات صفحات قبلی را کامل و با تسلط حفظ نکرده‌ایم به سراغ حفظ صفحات بعد نرویم، همین طور در مورد جزءها. تا جزء اول را کامل و بدون اشکال حفظ نکرده‌ایم جزء دوم را شروع نکنیم؛ تکرار و تمرین زیاد باعث می‌گردد ما با تسلط آیات قرآن را حفظ کنیم و امکان فراموش کردن منتفی یا ناچیز شود، با این حال اگر پس از یک ماه تلاش و زحمت قسمتی از قرآن به فرض یک جزء را حفظ کردیم ولی به هر علتی مثل کم‌کاری، ضعف حافظه و... آنچه را حفظ کرده بودیم فراموش شد باید استقامت و ایستادگی به خرج دهیم، خسته و ناامید نشویم، بلکه دوباره از اول شروع کنیم و دائم آیات را مرور و تکرار کنیم تا حفظ شویم، باز اگر فراموش شد دوباره از ابتدا شروع

کنیم تا این که سرانجام آیات قرآن کریم در ذهن و حافظه جای گیرد و ملکه ذهن شود. وقتی آب قطره قطره بر تخته سنگ سختی می چکد سرانجام آن را سوراخ می کند. قرآن کلام خداست و خیلی زود بر ذهن آدمی تأثیر می گذارد و بر صفحه ذهن نقش می بندد.

علاوه بر تکرار و تمرین استقامت، نوشتن هم نقش بسزایی در حفظ آیات الهی دارد؛ برای این که آیات قرآن بهتر در ذهن جای گیرد و در حافظه باقی بماند باید هر صفحه ای را که حفظ می کنیم دست کم یک بار هم از روی آن رونویسی کنیم. در روایات و احادیث آمده است که علم فرّار است و زود از ذهن بدر می رود و بوسیله کتابت و نوشتن می توان آن را مقید نمود و در بند کشید.

اگر هر روز با صرف بیست دقیقه الی نیم ساعت وقت یک صفحه از قرآن را بنویسیم چند فایده نصیب ما می شود:

۱. طبق احادیث و روایات، قرآن در ذهن بخوبی گنجانده می شود.

۲. با عربی بیشتر آشنا می شویم.

۳. خط عربی ما خوب می شود.

۴. از همه مهمتر سرانجام پس از ۶۰۴ روز یک قرآن کامل می نویسیم.

اگر کسی قصد کند که هر روز بنشیند و یکسره به نوشتن قرآن پردازد تا یک دور کامل قرآن را بنویسد کمی مشکل است ولی اگر به این شکل روزی یک صفحه بنویسد توفیق حفظ کل قرآن را می یابد و پس از یک سال و هشت ماه یک دور کامل از روی قرآن می نویسد که این خود توفیق و هدیه بزرگی است که خدا نصیب وی می نماید.

با این کار هم حافظ قرآن و هم محافظ قرآن می شویم.

تبصره: قرآن معجزه حقیقی و زنده است، باید به قرآن اهمیت بدهیم، قرآن

اساسنامه زندگی است، قرآن را جزئی نگیریم و با آن تفرّج نکنیم.

سؤال: خیلی ها دوست دارند قرآن را حفظ کنند، به همین جهت گاهی تصمیم به حفظ آن می گیرند، در ابتدا

خیلی جدی و با اشتیاق کار را شروع می‌نمایند ولی پس از چندی آن اشتیاق و حال اولیه را از دست می‌دهند و از حفظ باز می‌مانند. به نظر شما علت چیست و چه باید کرد؟

جواب: علت این است که قرآن را خوب نشناخته‌ایم، آن گونه که شایسته است با آن مانوس نشده‌ایم، به قرآن اهمیت نمی‌دهیم، نسبت به کتاب خدا کم توجه یا بی‌توجه هستیم، کلام خدا را جزئی گرفته‌ایم و نعوذ بالله با این کار به قرآن خیانت می‌کنیم، در حالی که قرآن اساس و سرلوحه زندگی است و لازم است قبل از انجام هر کار و بیشتر از هر کاری به قرآن اهمیت بدهیم.

ما که در شبانه‌روز چندین ساعت از وقت را به درس و مشق و کلاس درس خود و بچه‌ها اختصاص می‌دهیم چرا به قرآن اهمیت نمی‌دهیم.

در اول کار باید بیشتر وقت خود را به قرآن و حفظ آن اختصاص بدهیم، وقتی با چنین اهمیتی قرآن را حفظ نمودیم، بعد به دنبال کارهای روزمره دیگر برویم تا سریعتر و با اطمینان کامل به موفقیت در دیگر امور دست یابیم.

امام خمینی علیه السلام فرمودند: «اینجا و آنجا نروید همه چیز در قرآن هست.» و مقام معظم رهبری، حضرت آیه‌الله خامنه‌ای می‌فرمایند: «ما عقب‌ماندگی‌هایمان را با قرآن جبران می‌کنیم.»

پس می‌بینیم کلید همه پیشرفت‌ها در قرآن نهفته است و حتی بوسیله آن می‌توان عقب‌ماندگی‌های گذشته را جبران نمود. تنها راه دستیابی به کلید حفظ، درک و عمل به قرآن است؛ بنابراین اگر ما همه کارها را کنار بگذاریم و اول به حفظ قرآن پردازیم، هرگز از موفقیت‌های زندگی جدا نمی‌شویم، بلکه طبق روایات حافظه قوی‌تر می‌شود و به آنچه بخواهیم زودتر می‌رسیم.

بنده وقتی آقا صادق کلاس دوم ابتدایی را تمام کرد او را در خانه نگه داشتم و همه وقت را صرف قرآن نمودیم، با لطف و عنایت خدای متعال و چهارده معصوم علیهم السلام و برکت قرآن کریم در کمتر از دو سال آقا صادق حافظ کل قرآن با ۷۲ نوع اطلاعات و ۷۲ کتاب دیگر شدند و توانست در مدت کوتاهی کلاسهای سوم و چهارم و پنجم

ابتدایی را جهشی پشت سر بگذارند. در حالی که اگر چنین نمی‌کردیم و آقا صادق مثل بقیه بچه‌ها به مدرسه می‌رفت الآن این حافظه قوی و محفوظات و اطلاعات قرآن و روایات اسلامی را نداشت و حتی اگر هم قبول می‌شد پس از آن دو سال، کلاس چهارم ابتدایی بود. اما می‌بینید که به جهت اهمیت دادن به قرآن خداوند متعال چه نعمتها و افتخاراتی را نصیب ایشان نموده است.

ما اگر هدفمان در زندگی گرفتن مدرک دکترا، مهندسی و... یا رسیدن به هر هدف دیگری است مطمئن‌ترین راه و سریعترین مسیر برای نیل به هدف، توجه کردن و اهمیت دادن به قرآن کریم است، چرا که قرآن سرمشق زندگی و ضامن سعادت بشر است و راه تکامل و رسیدن به هدف را مشخص و میسر می‌گرداند.

ما که پس از دوازده سال تحصیلی (پنج سال دوره ابتدایی، سه سال مقطع راهنمایی و چهار سال دبیرستان) به شرط قبولی در آزمون سراسری و رفتن به دانشگاه و چندین سال تلاش و زحمت و درس خواندن در آنجا، شاید بتوانیم مدرکی بدست آوریم، چرا اول به سراغ قرآن نرویم و در جهت حفظ آن نکوشیم تا حافظه‌مان قوی و مستعد گردد و خیلی سریعتر به مدارک بالاتری دست یابیم؟

اگر می‌خواهیم در حفظ قرآن موفق شویم باید روزی ۱۰ تا ۱۴ ساعت از وقت خود را برای حفظ قرآن اختصاص بدهیم و مرتب و منظم کار کنیم، نه این که اگر وقت داشتیم هفته‌ای یکی دو ساعت کار قرآنی داشته باشیم و بعد انتظارمان این باشد که حافظ کل قرآن بشویم.

حفظ قرآن تنها علاقه و اشتیاق نمی‌خواهد بلکه ایثار، تلاش، زحمت، پشتکار و برنامه‌ریزی می‌خواهد. اگر ادعا می‌کنیم که مسلمانیم باید قرآن را بشناسیم، به اهمیت آن واقف شویم، با آن انس بگیریم، با عشق و علاقه به فراگیری و حفظ آن پردازیم و در زندگی دستوراتش را به کار بندیم.

اعتقاد بنده این است که حتی اگر ما نتوانیم به اهداف دنیوی خود برسیم اما خداوند توفیق حفظ قرآن و احادیث و روایات را به ما عنایت فرماید مسأله‌ای نیست.

اگر ما مدرک دیپلم یا لیسانس گرفتیم و سواد دنیا بدست آوردیم دیگر کسی به ما بی سواد نمی گوید ولی اگر اول به قرآن اهمیت داده به حفظ آن بپردازیم و آن را سرلوحه زندگی خویش قرار دهیم سواد دین و دنیا بدست می آوریم و برای گرفتن مدرک هم مشکلی نداریم. والله والله والله آسانترین کار جهان حفظ قرآن است و مشکلترین کار جهان فراموش کردن قرآن می باشد و هر کس طبق مقدمات، اصول و روشهایی که بنده بیان کردم عمل نماید هر چند قصد حفظ قرآن را نداشته باشد محال است که حافظ قرآن نشود و پس از آن هر چند تمرین، مرور و تکرار نداشته باشد محال است که قرآن را فراموش کند.

توجه! چون بخشی از مسائل روش حفظ قرآن دارای گستردگی و اهمیت فراوانی است، به صورت پیوسته و در ذیل چهار سؤال تقدیم خوانندگان گرامی می شود:^۱

سؤال: به نظر شما مناسبترین سن برای حفظ قرآن چه سنی است؟

والدین به چه طریقی می توانند به موفقیت فرزندانشان در حفظ قرآن کمک کنند؟

آیا روش حفظ برای دوره های سنی مختلف یکسان است؟

حفظ قرآن چه تأثیری در زندگی دارد؟

بنده در بخش اول سؤالاها، مقدمات و اصول حفظ را بیان کردم؛ و در این قسمت به تبیین روشهای حفظ می پردازم. اما قبل از پاسخ به سؤالاها یادآوری دو نکته را لازم می دانم:

نکته اول در مورد اعتماد به نفس است؛ ما باید از خودمان مطمئن باشیم که می توانیم به راحتی قرآن را حفظ کنیم؛ چرا که ما انسانیم، اشرف مخلوقات هستیم، از جنّ و ملک برتریم، ما می توانیم صد میلیون کتاب را حفظ کنیم؛ قرآن که فقط یک کتاب است!

نکته دوم در مورد غذاست؛ انسان بدون غذا و نان، و فقط با نوشیدن آب می تواند

۱. این بخش شامل پاسخ استاد وزیری به سؤالهایی است که دانشجویان دانشکده امور اقتصادی تهران طی مراسمی در اوایل ماه مبارک رمضان ۱۴۱۸ بیان نموده اند.

به راحتی چهل روز زندگی کند. در این صورت پس از چهل روز نه تنها شخص نمی‌میرد بلکه همه بیماریها از بدنش دور می‌شود، و این عقیده متخصصان است.

مقدمه حفظ قرآن

قبل از این که وارد این بحث بشویم مطلبی را بیان می‌کنم که شما باید انجام دهید، البته این کار جزء موارد اصلی نیست ولی اگر انجام دهید ان شاء الله خیر و برکت و لطف و عنایت خدا بیشتر شامل حالتان می‌شود و به توفیقات بیشتری دست می‌یابید، شما این کار را که خواندن شش رکعت نماز است فراموش نکنید.

شش رکعت نماز

دو رکعت نماز برای این سرزمین که در آن زندگی می‌کنید؛ اینجا مرکز اسلام و پایتخت امام زمان علیه السلام و تفسیر کربلاست. این سرزمین، بهشت جهان و دانشگاه الهی است، بانی این دانشگاه امام امت رحمته الله علیه است.

هر دانشگاه یک رئیس می‌خواهد. در حال حاضر رئیس این دانشگاه کیست؟ رئیس این دانشگاه ولی امر مسلمین جهان، مرجع عالم تشیع، خادم قرآن و عترت؛ حضرت آیه الله عنه حامنه‌ای - دامت برکاته - می‌باشد. این سرزمین خیلی برکت دارد، شاید آنهایی که اینجا هستند قدر این نعمت را نمی‌دانند و به ارزش آن آگاه نیستند.

آنهایی که به خارج از کشور سفر کرده‌اند یا از خارج آمده‌اند می‌توانند به ارزش این سرزمین پی ببرند، ببینید این دانشگاه که شما در آن درس می‌خوانید چقدر با این دانشگاه الهی فرق دارد؛ شما باید مراحل و مقاطع مختلف تحصیلی را طی کنید و در آزمون سراسری دانشگاهها شرکت کنید و پس از قبولی و طی مراحل مشغول تحصیل در دانشگاه شوید و پس از چند سال درس خواندن موفق به گرفتن مدرک لیسانس، فوق لیسانس یا دکترا شوید؛ البته این مدرک خیلی اهمیت دارد، ولی در برابر قرآن چیزی نیست.

اما این دانشگاه الهی که سرزمین جمهوری اسلامی است هیچگونه شرایط سنی و طیّ مراحل چندگانه را ندارد به طوری که فاطمه (بچه خردسال بنده) از سن ۲ سالگی وارد این دانشگاه شد و استفاده نمود؛ نظیر چنین سرزمینی جای دیگر وجود ندارد و این خیلی مهم است که قدر نعمت را بدانید و از آن استفاده کامل بنمایید و برای تشکر از خدا دو رکعت نماز بخوانید.

من نمی‌خواهم تملق کنم بلکه طبق آنچه امام راحل فرمودند که: «وظیفه را انجام دهید» می‌خواهم با بیان حقایق و وظیفه خود را ادا کرده باشم.

شما شاید خود را نمی‌شناسید، شما شناسنامه شیعیان جهان هستید، هیچکس از شما بالاتر نیست، ما حتی خاک زیر پای شما نیستیم، چرا که شما بودید و بزرگان شما بودند که بعد از انقلاب کربلا، عظیم‌ترین انقلاب را در روی کره زمین برپا کردید، شما بودید که درهای این دانشگاه را روی ما و امثال ما باز کردید تا از کشور خود بلند شویم بیاییم اینجا و استفاده کنیم.

البته توجه داشته باشید که نگهداشتن و تداوم انقلاب خیلی مهمتر و سنگین‌تر از بوجود آوردن انقلاب است؛ لذا الآن وظیفه شما خیلی حساس‌تر و مشکل‌تر است و باید با تمام توان در جهت حفظ ارزشهای اسلامی و تداوم و بقای انقلاب اسلامی کوشا باشید.

دو رکعت نماز برای سلامتی امام زمان و نایب امام زمان

دو رکعت نماز هم برای سلامتی سرور و مولایمان امام عصر - ارواحنا فداء - و نایب بر حقش، مقام معظم رهبری بخوانید.

- همه کشورهای جهان از کدام ابر قدرت می‌ترسند؟

- از آمریکا.

- آمریکا از چه کسانی وحشت دارد؟

- از مسلمانان

- از مسلمانها زیاد نمی‌ترسد چرا که در پاکستان هم مسلمان هست، در افغانستان،

عربستان و در سایر کشورها نیز مسلمان هست ولی آمریکا از آنها نمی ترسد، آمریکا از نایب امام زمان می ترسد، از ولی امر مسلمانها می ترسد، از مرجع ما می ترسد، از خادم قرآن و عترت می ترسد.

ببینید ارزش رهبر ما چقدر زیاد است. این درست، که آقا ایرانی است، اما تنها رهبر شما نیست، رهبر همه جهان است.

شما دیدید که چند نفر از بزرگان کشورهای اسلامی خیلی صریح خطاب به آقای خامنه‌ای گفتند که شما رهبر جهان اسلام هستید. مقام این رهبر خیلی بالاست. عزیزان! اگر دو رکعت نماز برای سلامتی آقا نخوانیم کوتاهی کرده‌ایم. دعا کنید خدا عمر ما را به ایشان بدهد. مگر ما از این عمر چه استفاده‌ای می‌کنیم؟ دعا کنید عمر ما به ایشان برسد، شما دیدید که آقا چگونه با قدرت و صلابت جلوی آمریکا ایستادند تا این که آمریکا شکست خورد و اعلام کرد ما می‌خواهیم با ایران مذاکره کنیم؛ باز هم هشیاری و بیداری این رهبر فرزانه پرده از فریبکاری شیطان بزرگ برداشت و دست رد بر سینه دشمن بزرگ اسلام زد.

نقش دعا و جام جهانی

ما باید برای سلامتی چنین خدمتگزارانی دعا کنیم. دعا چه کار می‌کند. تیم ملی فوتبال جمهوری اسلامی ایران با دعا به جام جهانی ۱۹۹۸ راه یافت، هیچ‌کس باور نمی‌کرد که تیم ایران بتواند به جام جهانی راه یابد، چرا که در آخرین بازی تا ۲۰ دقیقه، ۱۵ دقیقه مانده به آخر بازی استرالیا دو - صفر از ایران جلو بود و همه فکر می‌کردند که دیگر تمام شد و ایران از راهیابی به جام جهانی بازماند، من آن روز (شنبه هشتم آذرماه ۱۳۷۶) خبر نداشتم که تلویزیون فوتبال پخش می‌کند، از صبح با بچه‌ها مشغول درس و کارهای قرآنی بودیم تا این که موقع اخبار تلویزیون را روشن کردیم. در پایان بخش خبری جریان فوتبال گفته شد و خبرنگار آخری گفت: «ما از ملت ایران می‌خواهیم که برای پیروزی تیم ملی دعا کنند.»

این در حالی بود که هفتاد دقیقه از بازی گذشته بود و تیم ایران بدون این که گلی

زده باشد دو گل خورده بود و در ظاهر امکان این که بتواند جبران کند وجود نداشت، با این حال از مردم خواسته شد که دعا کنند.

من فوتبال زیاد بلد نیستم ولی یک دفعه من هم دعا کردم، همسر و بچه‌های من نیز دعا کردند، همسایه‌ها هم دعا کردند، تلفنی با چند نفر تماس گرفتم آنها هم دعا کردند. در آن روز بزرگترها دعا کردند. جوانان و نوجوانان دعا کردند، کودکان و نونهالان دعا کردند، زن و مرد، پیر و جوان دعا کردند؛ همین دعاها باعث شد در همان زمان کوتاهی که به آخر بازی مانده بود بازیکنان تیم ملی جمهوری اسلامی ایران موفق شدند دو گل خورده را جبران کنند و به صورت معجزه‌آسا و با افتخار به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه راه یابند.

ببینید دعا چقدر مؤثر است؛ پس همه برای سلامتی و تعجیل در فرج امام زمان - ارواحنا فداه - دعا کنید؛ برای سلامتی وجود نازنین و مبارک مقام معظم رهبری دعا کنید تا ظهور قطب عالم امکان، منجی عالم بشریت امام زمان علیه السلام جهان اسلام را اداره و رهبری نماید.

دو رکعت نماز هدیه به شهدا

دو رکعت نماز بخوانید و ثواب آن را به همه شهدا که جان خود را برای حفظ اسلام و قرآن نثار نمودند هدیه کنید.

والله اگر یک لحظه شهدا را فراموش کنیم خیانت به خون پاک شهدا کرده‌ایم. ما هیچ کار نکرده‌ایم، آیا شما این صحنه را درست کرده‌اید؟ این کلاس را درست کرده‌اید؟ این جلسه را تشکیل داده‌اید؟ نه، آنها بودند که با ایثار خون و جان خود باعث شدند که ما الآن با آرامش و آزادی کامل این برنامه‌ها را اجرا کنیم، اگر یک لحظه از یاد شهدا غافل شویم یا خدای نکرده یک کار خلاف و غیر اسلامی انجام دهیم به خون پاک شهدا خیانت کرده‌ایم و روز قیامت باید جوابگوی ایثارگران باشیم؛ برعکس اگر همواره به یاد آنها باشیم و در جهت پیاده نمودن دستورهای اسلام و

قرآن تلاش کنیم و دو رکعت نماز بخوانیم و ثواب آن را به همه شهدای اسلام هدیه نماییم، علاوه بر بهره‌مندی از شفاعت آن بزرگواران در روز قیامت از کمک آنها در این دنیا نیز بی‌نصیب نمی‌مانیم.

ما اینها را در زندگی تجربه کرده‌ایم و به نتیجه رسیده‌ایم، الآن وقت نیست که من این جا همه چیز را برای شما بگویم ولی همین را بگویم که برای بنده ثابت شده است که شهدا در این دنیا هم به انسان کمک می‌کنند و در پرتو این کمک انسان به نتایج غیر قابل تصور دست می‌یابد.

این شش رکعت نماز که گفتم؛ دو رکعت برای سلامتی این سرزمین، تشکر از خدا و نابودی آمریکا و اسرائیل؛ دو رکعت برای سلامتی امام زمان و نایب امام ولی امر مسلمین جهان و دو رکعت هدیه به شهدا فراموش نشود.

شاید کسی بگوید چرا شما این قدر روی این مورد تکیه می‌کنید؟ شاید کسی بگوید: ای بابا وزیری خیلی حرف‌های زیادی می‌زند.

ما به تمام شهرها و شهرستان‌های کشور رفته‌ایم، با بزرگان نشست و برخاست داشته‌ایم و از این طریق خیلی چیزها برای ما آشکار شده است، به خیلی از حقیقت‌ها دست پیدا کرده‌ایم. آنچه برای شما عرض می‌کنم حاصل تجربه‌هایی است که به دست آورده‌ایم.

روشهای پنجگانه حفظ قرآن (برای دوره‌های سنی مختلف)

روش اول: قبل از تولد تا پایان شیرخوارگی؛ روش دوم: دو سالگی تا هفت سالگی (حفظ خانوادگی)؛ روش سوم: هفت سالگی تا پانزده سالگی (روش دانش‌آموزی)؛ روش چهارم: از پانزده سال به بالا؛ روش پنجم: روش ویژه.

روش اول: الف) قبل از تولد

این روش بیشتر کارهایی است که والدین بخصوص مادران باید انجام دهند و

مراعات نمایند.

اسلام به ما دستوراتی داده و گفته زمانی که نطفه بسته می شود و فرزند در شکم مادر رشد می کند چه کارهایی را انجام دهید و از پرداختن به چه کارهایی ممانعت کنید؛ علت این است که نیات، اعمال و رفتار ما روی جنین اثر می گذارد و این مطلب را امروزه طب و علم پزشکی ثابت کرده است.

۱۴ مورد زیر باید در دوره حاملگی رعایت شود.

۱. نیت

از همان اول که افراد متأهل می شوند، هم زن و هم مرد نیت کنند که اگر خدا به آنها فرزند یا فرزندان داد در آینده چه کاره شوند؟ مجتهد، مرجع، خادم قرآن، دکتر، مهندس یا...

نیت اثر مستقیمی روی فرزند می گذارد، من قصد نداشتم از پزشکی صحبت کنم ولی این مطلب را بگویم که طب به طور صریح گفته است وقتی انسان اراده می کند همان اراده در نطفه جمع می شود.

چه چیزی بهتر از این که ما نیت کنیم و از خدا بخواهیم که فرزند ما خادم قرآن شود؛ چرا که در پرتو قرآن به اهداف دیگر نیز می توان رسید.

مورد اول مربوط به پدر و مادر بود، ولی بقیه موارد را باید مادر به تنهایی رعایت کند.

۲. با وضو بودن در دوران بارداری

اگر بیمار است یا مشکل دیگری دارد که نمی تواند وضو بگیرد تیمم نماید، هر گاه وضو یا تیمم را باطل کرد دوباره وضو بگیرد یا تیمم نماید، این کار خود بخود روی میهمان جدید تأثیر معنوی می گذارد و نورانیت خاصی در مادر و فرزند ایجاد می کند.

۳. رعایت حجاب کامل اسلامی

حجاب اسلامی گفتم، نه حجاب عرفی؛ شما اگر می خواهید فرزندانتان مثل

فرزندان بنده یا بهتر از آنها خادم قرآن شوند الزامی است که به این نکات توجه کامل داشته باشید و آنها را رعایت کنید، خداوند ایثار می‌خواهد. فداکاری و از خود گذشتگی می‌خواهد، اول انسان را امتحان می‌کند بعد نعمت‌های خاص خود را عنایت می‌نماید.

ما اگر می‌خواهیم به خواسته‌های مشروع خود برسیم و از نعمت‌ها و الطاف ویژه الهی بهره‌مند شویم، باید این امتحان‌ها را با موفقیت پشت سر بگذاریم و شرط موفقیت در امتحان توجه و اهمیت دادن به شرایط و مطالبی است که از پیش تعیین شده است.

شما (مجردها) اول که به خواستگاری می‌روید شرایطی بگذارید؛ برای نمونه بگویید من همسری می‌خواهم که حجاب اسلامی را کاملاً رعایت نماید، اگر شرط را قبول کردند چه بهتر، اگر قبول نکردند بگویید خدا حافظ. به صورت و ظاهر نگاه نکنید به سیرت نگاه کنید.

در مورد حجاب، اسلام برای ما حدودی را تعیین نموده است که اگر صورت و دستها تامچ باز باشد اشکال ندارد، البته این هم شرایطی دارد، اگر خواهی انگشتری را برای زینت در دست کند باید دست را از نامحرم بپوشاند، اما اگر این کار جنبه غیرزینتی داشته باشد مثل انگشتر عقیق لازم نیست دست را بپوشاند.

همین طور اگر ناخن‌ها را لاک بزنند چون زینت به شمار می‌آید لازم است که دست را از نامحرم بپوشاند.

همچنین اگر صورت را زینت و آرایش کند باید از نامحرم بپوشاند. یا زینت نکند یا اگر زینت و آرایش کرد باید از نامحرم بپوشاند، اگر موها و ابروها را اصلاح کرد یا باید چادر را در صورت پایین بیاورد یا این که پوشیه بزند، اگر نمی‌شود دست کم در زمان بارداری از زینت و آرایش پرهیزد.

روسری و مقنعه باید تمام موهای سر را بپوشاند به طوری که حتی یک تار مو پیدا نباشد، مقنعه باید تا روی چانه را بپوشاند، نه این که تا زیر چانه و روی گلو باشد؛ این

حد اسلامی آن است و همه مراجع این را گفته‌اند.

رعایت پوشش کامل اسلامی لازم است هر چند هوا گرم باشد، گرمی هوا که از آتش دوزخ بیشتر نیست.

نگوید این کارها مانع تبلیغ است، بعضی وقتها بعضی از خواهران به ما ایراد می‌گیرند و می‌گویند: این کارها مانع تبلیغ است، ولی بنده معتقدم رعایت این کارها که جزء دستورات اسلام است خود تبلیغ اسلام و قرآن است.

در یکی از دانشگاهها وقتی ما این حرفها را زدیم یکی از خواهران بلند شد و گفت: «آقای وزیری وقتی شما این حرفها را می‌زنید و می‌گویید پوشیه بزنید و دستکش دست کنید اگر ما این کار را بکنیم بقیه ما را مسخره می‌کنند.»

من در جواب این خواهر، خانواده خود را مثال زدم و گفتم ما بیش از ده سال است که در این کشور بسر می‌بریم، به همه جای کشور سفر کرده‌ایم و همسر بنده همواره صورتش پوشیده بوده و دستکش در دست داشته است ولی یک نفر هم ما را مسخره نکرده است؛ وقتی به بازار می‌رویم اول به ما جنس می‌دهند، پیش دکتر که می‌رویم باور کنید بدون نوبت ما را مداوا می‌کنند، اگر اتوبوس داخل شهری سوار شویم اگر جایی برای نشستن نباشد حتی خواهران بلند می‌شوند تا همسر بنده بنشیند، ما به بیش از صد دانشگاه رفته‌ایم تا به حال یک نفر هم به حجاب خانواده ما ایراد نگرفته است.

این که گفته می‌شود پوشاندن صورت مانع تبلیغ است چیزی جز وسوسه‌های شیطانی نیست، هیچ کس افراد محجبه را مسخره نمی‌کند؟ به فرض محال اگر کسی فریب شیطان را خورد و مسخره کرد ما باید توجه داشته باشیم که حکم خدا با مسخره کردن و مسخره شدن ساقط نمی‌شود، در سفرهایی که داشته‌ایم خیلی از خواهران سعی کرده‌اند با الگو قرار دادن خانواده ما حجاب و پوشش خود را کامل نمایند؛ با این کار خدا توفیق داده است ما علاوه بر تبلیغ قرآن، مبلغ حجاب نیز باشیم.

۴. تناول غذای ساده و حلال

این مورد را در اصول حفظ، توضیح دادیم و این جا فقط این نکته را اضافه می‌کنم که مادری که باردار است یا بچه شیر می‌دهد، بهتر است غذای ساده بخورد و به حلال بودن غذایی که می‌خورد اطمینان داشته باشد؛ چرا که بچه در شکم مادر از خون مادر و پس از تولد از شیر مادر استفاده می‌کند و رشد همه اعضای بدنش با غذای مادر ارتباط مستقیم دارد.

۵. اجتناب از گناهان کبیره

بعضی از گناهان کبیره مثل غیبت و تهمت متأسفانه در جامعه ما به گونه‌ای شایع شده که دیگر مردم آنها را حتی گناه صغیره هم به حساب نمی‌آورد. هر گناهی که انجام دهید مستقیماً روی بچه اثر می‌گذارد، پس مادران باید مراقب باشند مرتکب گناه نشوند.

۶. عدم ترک نماز اول وقت و نافله شب

همان طور که می‌دانید خواندن نمازهای واجب مثل نمازهای یومیه در اول وقت یکی از نشانه‌های انسانهای مؤمن است، اما این دو می‌که گفتم نماز شب (نافله شب) ترک نشود برای خیلی‌ها دشوار به نظر می‌رسد؛ در حالی که چنین نیست، نماز شب خیلی راحت است، از نظر اسلام اگر یک کار ساده و مختصر، اگر با دوام باشد، بهتر از کار مفصل و با تجهیزات کامل است که بجا آورده شود ولی تداوم نداشته باشد. از چهره‌های شما مشخص است که همه اهل نماز شب هستید، لذا بنده این توضیحات را برای کسانی بیان می‌کنم که نماز شب خواندن را کار دشواری می‌دانند و فکر می‌کنند فقط عده معدودی موفق به انجام آن می‌شوند؛ در حالی که چنین نیست و نماز شب یکی از آسانترین کارهاست که هر فردی می‌تواند آن را بجا آورد، خدای متعال فرموده است:

«به فردی که نماز شب را ترک نکند نعمتی عطا می‌کنم که نمونه‌اش را به شخص دیگری

بخشیده‌ام.»

ببینید نماز شب چقدر اهمیت دارد. در اثر نماز شب خداوند یک نعمتی یا یک توفیقی به انسان می‌دهد که شاید عقل هم آن را به آسانی نپذیرد و به ظاهر دست یافتن به آن ممکن نباشد.

نماز شب یازده رکعت است؛ اگر شخصی همه آداب آن را رعایت کند شاید بیش از نیم ساعت وقت بگیرد. حالا اگر شخصی خسته است، وقت ندارد، حوصله ندارد، کار زیاد دارد، خیلی خوابش می‌آید، می‌خواهد درس بخواند می‌تواند یازده رکعت را ساده و بدون تجهیزات بجا آورد. اگر این را هم نمی‌تواند پنج رکعت بخواند، دو رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر.

اگر این هم ممکن نیست سه رکعت (دو رکعت شفع و یک رکعت وتر) بخواند، حالا اگر از عهده این هم بر نمی‌آید دست کم یک رکعت نماز وتر را بجا آورد.

نماز شب را می‌شود ایستاده، در حال راه رفتن، نشسته، یا در حال درازکش بجا آورد؛ اگر کسی حوصله این را هم ندارد با اشاره چشم بخواند، بچه‌های ما با اشاره چشم قرآن می‌خوانند، شما با اشاره چشم نماز شب بجا آورید؛ در این حالت نه قبله لازم دارد و نه مهر می‌خواهد ولی شخص باید با وضو باشد.

آنچه نقل شد در مورد کم و کیف نماز شب بود، اما از نظر زمان و موقع خواندن اگر نیمه شب، سحر و نزدیک اذان صبح باشد بهترین موقع است و ثواب خاص خود را دارد، ولی اگر شخصی نمی‌تواند تا آن موقع بیدار بماند یا بخوابد قبل از اذان صبح بر نمی‌خیزد می‌تواند قبل از وقت نیز بخواند و بخوابد.

ببینید اسلام چقدر آسان گرفته است و اجازه داده است شخص نماز شب را قبل از وقت حتی به حالت درازکش روی تختخواب و با اشاره بجا آورد، آیا حیف نیست ما از این کار سهل ولی پر خیر و برکت محروم شویم؟

البته باید توجه داشت همان گونه که ما در شربت هر چه شکر بیشتری بریزیم شیرینی و حلاوت آن بیشتر می‌شود، نماز شب را هم اگر با آداب و تجهیزات بیشتر و نزدیک به وقت مخصوص یا در وقت مخصوص خودش بجا آوریم برکت، نعمت و

ثوابهای بیشتری نصیبمان می‌گردد.

ولی خوب، اگر کسی کار دارد یا وقت و حوصله ندارد بالأخره سعی کند همان شکل ساده را انجام دهد و بطور مستمر هر شب آن را بجا آورد.

۷. تلاوت قرآن در هر روز

مادر سعی کند با توسل به چهارده معصوم علیهم‌السلام در طول دوران بارداری چهارده بار قرآن را ختم کند، اگر چهارده بار نشد به نیت دوازده امام دوازده بار و اگر این هم نشد پنج بار به نیت پنج تن آل عبا - صلوات الله علیهم - ختم قرآن را بجا آورد، اگر از عهده این نیز برنیامد، به نام خدا یک مرتبه بخواند، با توجه به این که خانمهای باردار بیشتر استراحت می‌کنند فرصت بیشتری هم برای تلاوت قرآن دارند.

با روزی یک ساعت یا مقداری بیشتر قرآن خواندن (سی صفحه در روز) یک مادر می‌تواند هر بیست روز یک بار قرآن را ختم کند و به این ترتیب موفق می‌شود در دوران بارداری چهارده بار قرآن را از ابتدا تا انتها تلاوت نماید و ثواب آن را به چهارده نور مقدس هدیه نماید و در عوض، هم خودش و هم فرزندش که به دنیا می‌آورد از شفاعت و کمک آن بزرگان و آبرومندان درگاه الهی بهره‌مند شوند.

لازم نیست قرآن را از حفظ بخواند، می‌تواند از رو تلاوت کند، حفظ قرآن و خواندن قرآن ثواب دارد، نگاه کردن به قرآن نیز ثواب دارد، هر کدام برای خود ثواب جداگانه‌ای دارد و بیشترین ثواب به خواندن قرآن از رو داده می‌شود، چرا که خواندن قرآن، نگاه کردن به آیه‌های قرآن، نگاه کردن به سطرها، کلمه‌ها، حرفها و حرکتها هر کدام برای خود ثواب دارد و به همین جهت در روایات بیشترین ثواب برای قرائت قرآن از روی صفحات ذکر شده است.

۸. خواندن ترجمه آیات و دقت در معنا، مفاهیم و عبارات قرآنی

۹. مطالعه تفاسیر گوناگون قرآن

در زمان بارداری علاوه بر خواندن متن قرآن و ترجمه آن سعی کند تفسیر قرآن را

نیز ادا کند و پس از تولد فرزند نیز این کار را تداوم بخشد. خواندن تفسیر روی ذهن فرزند تأثیر می‌گذارد و ذهن او را وسعت می‌بخشد. از آنجایی که ترجمه، مطالب را واضح بیان نمی‌کند خواندن تفسیر مطالب را روشن می‌نماید و وقتی مادر مطلب را پذیرفت این خود به خود به فرزند منتقل می‌شود و روی ذهن او تأثیر می‌گذارد.

۱۰. شرکت مداوم در مجالس قرآنی

مادر باید در جلسات و محافل قرآنی شرکت نماید. صحبت‌هایش بیشتر قرآنی باشد چون نیت کرده فرزندش خادم قرآن شود و به طور طبیعی حضور در برنامه‌های قرآنی روی فرزند اثر می‌گذارد. من این جا دو نمونه برای شما بیان می‌کنم:

شخصی که اسمش را فراموش کرده‌ام می‌گفت: «همسر من در زمان بارداری زیاد در جلسات قرائت قرآن شرکت می‌کرد، وقتی بچه متولد شد و زبان باز کرد خود به خود قرآن می‌خواند و صحبت‌های قرآنی می‌کرد و بدون این که شخصی به او قرآن بیاموزد قرآن قرائت می‌کرد.» نمونه دیگر همین استاد حاج سید محمد حسین طباطبایی (علم الهدی) است، مادر محمد حسین در زمان بارداری شش کلاس قرآن برای خواهران تشکیل داده بود و با آنها در زمینه حفظ قرآن کار می‌کرد، این مطلب را پدرش به من بیان کرده است و مادرش برای همسر بنده تعریف کرده است، شما دیدید وقتی دنیا آمد چه کرد، در پنج سالگی حافظ کل قرآن شد، این هیچ جای تعجب ندارد، این اثر کار مادرش می‌باشد چرا که در زمان بارداری در شش کلاس حفظ قرآن مشغول فعالیت بوده است، مادرش حافظ کل قرآن است، همیشه با وضو است؛ نماز شب را ترک نمی‌کند، نمازهای واجب را سر وقت می‌خواند، چند دفعه قرآن را ختم کرده است؛ این نکته‌ها را ما از آنها گرفتیم، مشهور شده که علم الهدی معجزه قرآن است، معجزه که بالأخره کرامت خداست ولی این نتیجه کارهای پدر و مادرش و بخصوص مادرش می‌باشد.

۱۱. آموزش حفظ قرآن به دیگران

این کار معامله‌ای است که با خدا انجام می‌دهد، به نیت چهارده معصوم، دوازده امام یا پنج تن علیهم‌السلام به چهارده نفر، دوازده نفر یا پنج دختر بچه قرآن یاد بدهد و با آنها در زمینه حفظ قرآن کار کند، پسر بچه هم اگر زیر هفت سال یا زیر پنج سال باشد ایرادی ندارد؛ اگر به هر علتی از عهده این کار بر نمی‌آید دست کم با یک بچه حفظ قرآن را کار کند، فرق نمی‌کند فرزند یا فرزندان خودش باشند یا از فامیل و دوستان یا از غیر اینها باشند. اگر مادر چنین کند خدای متعال فرزندی به آنها می‌دهد که خیلی بهتر از آنچه انتظار داشتند در حفظ قرآن و خدمت به قرآن و اسلام موفق می‌شود.

۱۲. استغفار به درگاه الهی در هر روز

گاهی انسان معصیتی را ناخواسته و ناخودآگاه انجام می‌دهد و شاید متوجه ارتکاب گناه هم نشود؛ ولی معصیت بالأخره اثر وضعی خود را دارد، بر همین اساس لازم است مادر برای آمرزش این نوع گناهان احتمالی و جلوگیری از آثار سوء آنها روی فرزند هر روز استغفار کند.

۱۳. توسل به چهارده معصوم علیهم‌السلام

هر کاری را که می‌خواهد انجام بدهد با توسل به این ابرومندان درگاه الهی انجام دهد.

۱۴. دعا برای فرزند

باید پیوسته دعا کند و از خدا بخواهد فرزندی را که به او می‌بخشد به هدفی که رضای خودش در آن است برساند و نذری کند که اگر فرزندش به هدف مورد نظر رسید او هم نذرش را ایفا کند.

اینها مواردی بود که باید قبل از تولد فرزند، والدین بخصوص مادران به آنها توجه وافی داشته باشند و رعایت کنند.

شما نگویید که این کارها دشوار است و عملی نیست چرا که این چهارده نکته را

همه خود به خود انجام می دهند. همه نماز می خوانند، قرآن می خوانند. سعی می کنند غیبت نکنند، دروغ نگویند و از سایر گناهان اجتناب کنند و همه اینها دستوراتی است که اسلام به ما امر کرده و ما به عنوان یک مسلمان باید آنها را رعایت کنیم. پس کافی است ما توجه و دقت بیشتری داشته باشیم و این موارد را عمل کنیم و آنهایی را که نیاز به برنامه ریزی دارد؛ مثل ختم قرآن و حضور در جلسات قرآن و تشکیل کلاس اگر با برنامه انجام دهیم، هیچ مشکلی بوجود نمی آید و چند روز که گذشت عادی می شود و هیچ فشار، دشواری و مشکلی در زندگی روزمره بوجود نمی آید.

ب) بعد از تولد

وقتی فرزند متولد شد دوازده نکته را باید مد نظر داشت و عمل کرد که ده مورد آن شبیه موارد قبلی است.

۱. نیت؛

۲. همواره با وضو بودن (بخصوص موقع شیر دادن بچه)؛

۳. رعایت حجاب کامل اسلامی؛

۴. تناول غذای ساده و حلال؛

۵. ترک گناهان کبیره (و استغفار برای آمرزش گناهان غیر عمدی و احتمالی در هر

روز)؛

۶. عدم ترک نماز اول وقت و نافله شب؛

۷. حضور مستمر در جلسات قرآنی؛

۸. تلاوت قرآن و مطالعه ترجمه و تفسیر آن؛

۹. توسل به ناطقان و حاملان واقعی قرآن؛

۱۰. دعا برای رسیدن به هدفی که مورد رضای خداست؛

۱۱. آموزش قرآن از روز اول تولد فرزند؛

۱۲. انتخاب ترتیل یکی از اساتید قرآن کریم برای کودک.

ده مورد اول نیازی به توضیح ندارد؛ اما دو مورد آخر را توضیح می‌دهم:

آموزش قرآن از روز اول تولد فرزند

وقتی من می‌گویم از روز اول که فرزند متولد می‌شود آموزش قرآن را شروع کنید همه تعجب می‌کنند! مگر می‌شود به بچه‌ای که تازه به دنیا آمده است و نه چیزی می‌فهمد و نه می‌تواند صحبت کند چیزی آموخت؟ آیا ممکن است؟ آیا عقل تصدیق می‌کند؟ اسلام به ما دستور داده است که مستحب است تا فرزند هفت روزه می‌شود یک کارهایی را انجام دهیم؛ از جمله اسم برای فرزند برگزینیم. اگر پسر است او را ختنه کنیم. در گوش راستش اذان و در گوش چپش اقامه بگوییم؛ حتی در پاکستان سعی می‌کنند هر طور شده همان ساعت اول تولد، اذان و اقامه را در گوشهای نوزاد تلاوت کنند که اگر خدای نکرده بچه بمیرد مسلمان از دنیا برود؛ این عقیده آنهاست. آیا یک نوزاد یک روزه اینها را می‌شنود؟ آیا درک می‌کند؟ آیا اینها روی بچه تأثیرگذار است؟

به یقین اثر دارد که اسلام چنین دستورهایی را داده است. حتی اسلام گفته در اتاقی که فرزند خوابیده زن و مرد با هم نزدیکی نکنند؛ چرا که این موج دارد و روی ذهن بچه تأثیر می‌گذارد. ذهن کودک مثل آنتن و گیرنده است، اینها را می‌گیرد و تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرد.

مادر باید دو سال کامل به بچه‌اش شیر بدهد، این دستور صریح اسلام و قرآن است، والدین تا جایی که ممکن است به بچه شیر خشک ندهند، این شیر خشک‌ها بیشتر از خارج وارد می‌شود و معلوم نیست از چه شیریه‌ای تهیه می‌شود، آیا شیر حیوانهای حلال گوشت مثل گاو و گوسفند است یا شیر جانورهای دیگر؟ شاید شیر

شیر باشد؟! خوب اگر بچه، شیرِ شیر را بخورد شاید شیر بشود ولی حافظ قرآن که نمی‌شود!

مادر تازمانی که مجبور نشده است به بچه‌اش شیر خشک نخوراند، اگر شیر ندارد یا مشکل دارد یا دکتر بگوید که به بچه‌اش شیر ندهد، سعی کند دایه بگیرد، در زمانهای قدیم دایه گرفتن برای بچه خیلی رواج داشته است، همان طور که می‌دانید آمنه مادر پیامبر اسلام ﷺ پیامبر را در کودکی به دایه‌ای به نام حلیمه سپرد تا او را شیر دهد.

شاید اگر این قضیه اتفاق نیفتاده بود امروز ما خجالت می‌کشیدیم که برای بچه خود دایه بگیریم، ولی خدا این کار را کرد که ما یاد بگیریم و با مشکل مواجه نشویم و اگر لازم شد کودک خود را به دایه بسپاریم تا شیر بدهد.

چرا حضرت علی علیه السلام در شب ضربت خوردن در منزل دخترش آن میهمانی را برپا کرد؟ برای این که ما یاد بگیریم و از غذای ساده استفاده کنیم.
چرا در تاریخ اسلام قضیه کربلا و شهادت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا اتفاق افتاد؟ آن هم برای این بود که ما عبرت بگیریم، برای این که ما یاد بگیریم برای حفظ اسلام از خانه و عیال و فرزند بگذریم. وقتی امام حسین علیه السلام در راه اسلام جان خود و یارانش را نثار می‌کند دیگر تکلیف ما مشخص است.

در روز عاشورا علی اصغر شش ماهه شهید شد، عبدالله شش ساله به شهادت رسید. حضرت قاسم سیزده ساله شهد شهادت نوشید، حضرت علی اکبر هجده ساله جانش را نثار کرد، حضرت عباس ۳۲ ساله به فوز عظیم شهادت نایل گشت، امام حسین علیه السلام ۶۳ ساله سرش از تن جدا شد، در آن روز از کودک و نوجوان گرفته تا جوان و پیر، همه شهید شدند تا به ما بیاموزند که برای حفظ اسلام و دستاوردهای آن شرط سنی ملاک نیست و همه باید در مقابل دشمن بایستند و تا توان دارند به مقابله با دشمن پردازند تا اسلام بماند و قرآن حاکم شود.

مادر هر موقع به فرزندش شیر می‌دهد قرآن بخواند و سعی کند با یک برنامه‌ریزی

منظم در دوران شیردادن به فرزند چهارده بار، دوازده بار، پنج بار یا دست کم یک بار قرآن را ختم کند، در زمان بارداری نه ماه فرصت داشت ولی این جا ۲۴ ماه فرصت دارد و می تواند دفعات بیشتری قرآن را از اول تا آخر تلاوت نماید، در ایام بارداری که مسأله عادت وجود ندارد، ولی بعد از تولد فرزند این مسأله برای مادر پیش می آید، حالا در این ایام عادت، وظیفه چیست؟ این جا مشکلی پیش نمی آید؛ چرا که در ایام عادت خواندن قرآن حرام نیست، فقط این مسئله وجود دارد که نباید آیات قرآن را لمس کند؛ که این مشکل با دستکش حل می شود، باید توجه داشت که در حالت جنابت قرائت قرآن تا هفت آیه آن هم در صورتی که از سُورِ عزائم (سوره هایی که سجده واجب دارند) نباشد مکروه و بیشتر از هفت آیه حرام است ولی در ایام عادت حرام نیست.

انتخاب ترتیل یکی از اساتید قرآن کریم برای کودک

بنده پیشنهاد می کنم از نوارهای ترتیل استیاد پرهیزکار استفاده کنید؛ چرا که ایشان شیعه و از کشور جمهوری اسلامی ایران هستند و در سطح جهان در حفظ قرآن مقام اول را به دست آوردند و فردی مخلص، خبره و کارشناس در زمینه حفظ و تلاوت قرآن هستند و دوره کامل نوارهای ایشان در دسترس می باشد.

پس از انتخاب نوار ترتیل سعی کنید به نیت چهارده معصوم علیهم السلام نوار چهارده بار تکرار تهیه کنید. منظور این است که هر آیه چهارده بار پشت سر هم تکرار شود، برای این که هر صفحه از قرآن به خط «عثمان طه» روی یک نوار ضبط شود پس از این که از اول تا آخر صفحه هر آیه را چهارده بار ضبط کردید پنج بار هم کل صفحه را در ادامه آن ضبط کنید تا نوار پر شود.

وقتی نوار آماده شد ضبط را روشن کنید و کنار بچه بگذارید و بچه را به حال خود رها کنید، بچه مشغول تغذیه است، بازی می کند، گریه می کند، در هر حالی که هست شما بگذارید صدای قرآن پخش شود.

یکی از بهترین زمانها موقعی است که بچه می خواهد استراحت کند. ضبط را

روشن کنید تا بچه با شنیدن صدای قرآن به خواب برود.

سعی کنید این نوار را روزی پنج مرتبه برای بچه پخش کنید چون بچه در دوره شیرخوارگی کاری انجام نمی‌دهد و نمی‌تواند زیاد این طرف و آن طرف برود و لزومی ندارد کسی هم کنارش بنشیند.

بچه در حالت عادی وقتی زبان باز می‌کند می‌گوید: ماما، بابا، آب.

زبان آموزی چهار مرحله دارد: اول: شنیدن؛ دوم: حفظ کردن؛ سوم: تکرار کردن؛ چهارم: درک

کردن.

بچه وقتی زبان به تکلم باز می‌کند کلمه آب را می‌شنود ولی درک نمی‌کند که آب

چیست؛ بعد که کلمه آب در ذهنش جا گرفت آن را تکرار می‌کند ولی باز درک

نمی‌کند که آب چیست؛ وقتی مادر یا پدر به او آب می‌دهند می‌فهمد که آب چیست؛

بقیه کلمات را نیز به همین صورت می‌آموزد.

حالا اگر ما از اول با فرزندمان قرآن کار کنیم؛ یعنی مادر موقع شیردادن، قرآن

بخواند و در جلسات قرآن شرکت نماید و برای بچه نوار چهارده بار تکرار،

دوازده بار تکرار یا پنج بار تکرار بگذاریم وقتی زبان باز کرد بجای این که ماما، بابا و

آب بگوید قرآن می‌خواند. بسم الله و الحمد لله می‌گوید، وقتی به مدرسه می‌رود بجای

این که بگوید: بابا آب داد: می‌گوید: بابا قرآن یاد داد.

برادران عزیز نگوئید: این کارها که شما می‌گویید خیلی مشکل است و زیاد وقت

می‌گیرد. نگوئید: ما را سر کار گذاشتید، وقتمان را گرفتید؟ این کار زیاد وقت نمی‌برد.

فقط کمی همت و برنامه‌ریزی نیاز دارد، اگر وقت هم بگیرد، و اگر ده برابر آنچه را که

تصور کنید وقت بخواهد، باید این کارها را انجام دهید.

ما برای تربیت بچه‌ها آمده‌ایم، همه کارهای ما برای فرزندانمان است، چرا ما

سرکار می‌رویم؟ چرا خود را به زحمت می‌اندازیم؟ چرا دنبال کار و کاسبی می‌رویم؟

برای این که یک لقمه نان حلال برای زن و بچه خود بدست بیاوریم، برای این که یک

زندگی آبرومندانه داشته باشیم.

ما که باید تلاش کنیم، زحمت بکشیم و بچه را تربیت کنیم بیاییم این تلاش و زحمت را صرف تربیت قرآنی بچه کنیم و او را قرآنی پرورانیم تا در پرتو آن از لطف و عنایت و برکت الهی بیشتر بهره مند شویم.

شاید وقتی این مطالب را می‌شنویم فکر کنیم کار دشواری است، ولی در عمل چنین نیست و کار بسیار سهل و لذت‌بخشی است. ما عمل کردیم و لذت بردیم، ما تا بحال یک لحظه هم از کارمان ناراحت نشده‌ایم و احساس ندامت نکرده‌ایم.

بنده بارها از صبح تا شب یا از شب تا صبح در مورد قرآن صحبت کرده‌ام و هیچ‌گاه خسته نشده‌ام، چه بسا در اول برنامه احساس خستگی می‌کردم ولی در پایان برنامه اثری از خستگی در وجود خود احساس نکرده‌ام، باور کنید کار قرآنی لذت‌بخش است.

اگر کسی مراحل چهارده‌گانه دوران بارداری و مراحل دوازده‌گانه دوران شیرخوارگی را به خوبی انجام داد و بچه‌اش در سن دو سالگی حافظ کل قرآن شد هیچ تعجب نکند، این نتیجه کار خودش می‌باشد.

ما خود این روشها را اجرا نکردیم چرا که نمی‌دانستیم و بعد به اینها دست یافتیم، با این حال ما از سن دو سالگی حفظ را با فاطمه آغاز کردیم و این دختر بچه زمانی که سی ماهه شد بزرگترین آیه قرآن را در حضور ۱۱ نفر از مسئولان کشور در منزل آیه‌الله خزعلی که خود حافظ کل قرآن و نهج‌البلاغه می‌باشد بدون اشتباه تلاوت کرد.

روش دوم: برای گروه سنی دوالی هفت سال

این روش خیلی راحت و طبیعی است و بدون هیچ فشاری بچه همان‌گونه که زبان مادری را یاد می‌گیرد، حافظ قرآن هم می‌شود و به همراه او، سایر اعضای خانواده نیز می‌توانند به حفظ کل قرآن نایل شوند، از آنجایی که بچه از دو سالگی از شیر گرفته می‌شود و غذا خوردن را شروع می‌کند؛ و از طرفی سعی می‌کند کارهایش را با تقلید از دیگران انجام دهد موقعیت خوبی است که از این شرایط برای حفظ قرآن استفاده شود.

به این صورت که هر روز قبل از هر وعده غذا یک ساعت دسته جمعی برنامه حفظ قرآن اجرا کنیم و به بچه بگوییم اگر یک ساعت همراه دیگر اعضای خانواده قرآن گوش ندهد، از غذا خبری نیست. با این کار بچه خود بخود عادت می‌کند همیشه یک ساعت قبل از غذا در برنامه حفظ قرآن شرکت نماید.

این جا هم نوار چهارده بار تکرار خیلی به کار می‌آید، هر صفحه را در چهار روز و هر روز سه بار کار کنیم، به این صورت که:

روز اول: ضبط روشن باشد و با گوش دادن به نوار، به آیاتی که تلاوت می‌شود فقط

نگاه کنیم و گوش فرا دهیم؛

روز دوم: در حالی که به آیات نگاه می‌کنیم همراه نوار آیات را زمزمه کنیم؛

روز سوم: قرآن را باز نکنیم و فقط هر چه نوار می‌خواند زمزمه کنیم؛

روز چهارم: بدون این که قرآن را باز کنیم و ضبط را روشن کنیم آیات را همخوانی

کنیم، تصور نکنید که این کار مشکل است و با این روش بچه حافظ نمی‌شود، شما

می‌بینید بچه‌های دو، سه ساله خیلی از تبلیغاتی که از صدا و سیما پخش می‌شود مثل

«هرگز نشه فراموش لامپ اضافی خاموش» را با چند دفعه شنیدن حفظ می‌شوند.

حالا این بچه یک صفحه قرآن را چهار روز، هر روز سه بار، هر دفعه نوزده بار و

در کل ۲۲۸ بار گوش می‌دهد و تکرار می‌کند. آیا امکان دارد که حفظ نشود؟

این کار هیچ زحمت و مشکلی ندارد، بلکه حلاوت و لذت هم دارد. به فرض اگر

زحمتی هم داشته باشد برای خدا، برای حفظ قرآن و برای آینده فرزندانمان می‌باشد.

به این نکته هم توجه داشته باشید که عجله نداشته باشید و تا وقتی همه اعضای

خانواده یک صفحه را به طور کامل و با تسلط حفظ نشده‌اند به سراغ صفحه دیگر

نروید تا در کار خود موفق باشید.

اگر بچه در دوره شیرخوارگی نوار ترتیل را گوش کرده باشد، ذهنش کاملاً حاضر

و آماده شده و برای این دوره که می‌خواهد حفظ کند استعداد و آمادگی لازم را دارد و

خیلی راحت تر پیش می‌رود و ان شاء الله قبل از سن هفت سالگی و قبل از این که به

مدرسه برود حافظ کل قرآن می شود و به برکت حفظ قرآن در همه امور زندگی موفق می شود و همه مقاطع و پایه های تحصیلی را سریع طی می کند و به مدارج والای علمی و معنوی دست می یابد.

روش سوم: برای گروه سنی هفت تا پانزده سال

این روش مختص دانش آموزان است، ولی دانشجویان نیز می توانند از آن استفاده کنند.

دانش آموزان حدود پنج ماه از سال را - مجموعاً - تعطیل هستند ولی برای اجرای این روش؛ سه سال، آن هم سالی صد روز کافی است و با استفاده از تعطیلات تابستانی و نوروزی می توان به هدف رسید، در این روش روزی ده ساعت وقت لازم است. روش کار به این شکل است که: اولین تعطیلی که شروع شد روزی دو صفحه حفظ کنید و در طول روز آن دو صفحه را تکرار کنید، به طوری که پس از صد روز، ده جزء اول را حفظ کنید، وقتی که مدرسه باز شد و درس و کلاس شروع شد، حفظ را کنار بگذارید و فقط ده جزئی را که حفظ کرده اید مرور کنید.

وقتی دومین تعطیلی شروع شد با روزی دو صفحه حفظ کردن و ۸ ساعت تکرار و تمرین، میزان محفوظات خود را تا پایان این تعطیلات به بیست جزء برسانید، در این مدت سعی کنید هفته ای یک بار ده جزء اول را نیز مرور کنید؛ سال دوم تحصیلی که آغاز شد دوباره حفظ را کنار بگذارید و بیست جزئی را که حفظ کرده اید مرتب مرور کنید تا به تعطیلات سوم برسید؛ در این زمان نیز با صرف روزانه ۱۰ ساعت وقت، روزی دو صفحه حفظ و تکرار کنید و هفته ای یک بار جزء های یازده تا بیست و هر دو هفته یک بار جزء های اول تا دهم را مرور کنید.

به این ترتیب شما پس از سپری کردن سومین تعطیلات موفق شده اید کل قرآن را از بَرّ کنید و از آن به بعد کار شما مرور و تکرار آیات کریمه کلام الهی است که باعث نورانیت جسم و روحتان می شود و با افزودن بر قوه حافظه، شما را در همه امور، به ویژه تحصیلات موفق می گرداند؛ مرور آیات قرآن در طی سال تحصیلی هیچ مشکلی

را برای شما به همراه ندارد و به درس شما هیچ لطمه‌ای نمی‌زند؛ چرا که در مدّت تحصیلات هر صفحه را که حفظ کرده‌اید، چندین ساعت تکرار نموده، ملکه ذهنتان شده است و مرور آن خیلی راحت، ساده و روان است و ان شاء الله به برکت قرآن، خداوند بر توفیقات شما می‌افزاید و شما خیلی سریع‌تر به هدف دلخواهتان در زمینه علمی و عملی و دنیوی و معنوی خواهید رسید.

در این سه سال در طی سال تحصیلی برای این که فرصت لازم برای مرور داشته باشید و به فرصت کلاس و درس و مشق خود لطمه‌ای نزنید سعی کنید روزی ۲ ساعت از وقت تماشای تلویزیون، بازی و صحبت‌های اضافی و... کم کنید و به قرآن اختصاص دهید، پس از این که حفظ را به پایان رساندید و متن قرآن را به طور کامل و با تسلّط حفظ شدید سعی کنید در زمینه ترجمه، درک مفاهیم و تفسیر کار کنید.

از آنجاکه پرداختن به حفظ، ذهن انسان را مشغول می‌سازد و شاید باعث خستگی هم بشود فقط در تعطیلات حفظ کنید و در طول سال تحصیلی فقط تکرار و مرور کنید؛ چرا که مرور کردن هیچ خستگی به همراه ندارد و بلکه انسان را سر حال و آماده می‌کند.

روش چهارم: برای گروه سنی بالای پانزده سال

این روش بیشتر برای کسانی که بیکار هستند مثل زندانیها مناسب است و با استفاده از این روش شخص می‌تواند در مدّت یک ماه الی یک سال کلّ قرآن را حفظ نماید؛ با این شرط که با خدا عهد کند روزی ده ساعت از فرصت خود را به قرآن اختصاص دهد و به این عهد خود وفادار بماند.

یک انسان که حافظه معمولی دارد می‌تواند در نیم ساعت یک صفحه از قرآن را حفظ کند، بنابراین چنین فردی با رعایت شرط فوق می‌تواند روزی بیست صفحه قرآن را حفظ نماید و پس از یک ماه حافظ کلّ قرآن شود.

حالا اگر هر ساعت یک صفحه حفظ کند، دو ماه که گذشت کلّ قرآن را حفظ می‌شود، اگر این فرد روزی پنج صفحه را در پنج ساعت حفظ کند و پنج ساعت دیگر

را به تکرار و مرور آیات مشغول شود می‌تواند در طول چهار ماه کل قرآن را حفظ کند.

اگر باز هم میزان حفظ را کاهش دهد و از ۱۰ ساعت فقط ۲/۳۰ (دو ساعت و سی دقیقه) را به حفظ و بقیه وقت را به مرور آیات اختصاص دهد، هشت ماه که گذشت موفق به حفظ کل قرآن می‌گردد.

در صورتی که باز هم از میزان حفظ روزانه بکاهد و با صرف ۲ ساعت وقت، دو صفحه حفظ کند و ۸ ساعت دیگر را مشغول تکرار و تمرین آیات حفظ شده باشد پس از ۳۰۲ روز (ده ماه) در زمره حافظان کل قرآن کریم قرار می‌گیرد.

اگر ما مورد آخر را در نظر بگیریم و در طی این مدتی که شخص به حفظ قرآن می‌پردازد دو ماه هم برای استراحت، مسافرت، تفریح و... در نظر بگیریم در کل، پس از دوازده ماه (یک سال) حافظ کل قرآن کریم می‌شود.

روش پنجم: روش ویژه

در ابتدای این قسمت این مطلب را عرض می‌کنم که بنده دو ادعا می‌کنم و دو جایزه هم اعلام می‌نمایم:

ادعای اول: هر کس طبق این مقدمات، اصول و روشهایی که بنده عرض کردم عمل کند هر چند سعی کند که حافظ قرآن نشود، اگر بهتر از بچه‌های بنده حافظ قرآن نشد بنده به این شخص یک میلیارد تومان جایزه می‌دهم.

ادعای دوم: همان طور که می‌دانید حفظ قرآن چندان مشکل نیست و طبق آنچه خود شما گفتید هر نیم ساعت می‌شود یک صفحه قرآن را حفظ کرد ولی نگهداشتن حفظ خیلی مشکل است و نیاز به تمرین و مداومت فراوان دارد.

با این حال بنده ادعا می‌کنم اگر کسی طبق مقدمات، اصول و روشهایی که گفتم عمل کند، اگر صد سال هم تمرین کند که قرآن را که حفظ کرده فراموش کند هرگز نمی‌تواند، اگر فراموش کرد باز بنده یک میلیارد تومان به این فرد جایزه می‌دهم.

البته بنده صد تومان هم ندارم ولی حوصله زیاد دارم و معتقدم اگر فردی طبق آنچه

من گفتم کار کند در حد بسیار بالایی حافظ قرآن می‌شود و هرگز آنچه را که حفظ کرده نمی‌تواند فراموش کند و اما در توضیح این روش باید به اصل پنجم از اصول پنج‌گانه‌ای که بیان کردم، توجه ویژه‌ای داشته باشید و تا صفحه‌ای را به طور کامل و با تسلط حفظ نکرده‌اید سراغ صفحه بعدی نروید.

در این جا معیار و ملاک ما سوره حمد است. تا وقتی که صفحه ۲ را مانند سوره حمد از حفظ نشده‌اید، سراغ صفحه ۳ نروید، در این روش این مطلب را به اصل پنجم اضافه می‌کنم که وقتی ما صفحه ۳ را به طور کامل حفظ کردیم و مسلط شدیم نباید سراغ صفحه ۴ برویم؛ بلکه از صفحه یک شروع کنیم و وقتی دیدیم این سه صفحه را بدون اشکال و ایراد می‌خوانیم صفحه ۴ را شروع کنیم، پس از این که صفحه چهارم را بدون اشکال و خیلی روان توانستیم از حفظ قرائت کنیم دوباره از اول شروع کنیم، هر ایراد جزئی در این چهار صفحه داشتیم برطرف سازیم؛ بعد به سراغ صفحه پنجم برویم، همین طور تا پایان جزء یک حفظ کنیم، صفحه ۲۱ که تمام شد سراغ صفحه اول جزء دوم نرویم تا این که از اول قرآن تا پایان جزء اول را مانند سوره حمد از حفظ کنیم؛ پس از این کار جزء دوم را آغاز کنیم، وقتی صفحه اول جزء دوم را حفظ شدیم قبل از شروع صفحه ۲۳ صفحات ۱ تا ۲۲ را مرور کنیم تا ملکه ذهنمان شود و این روش را تا پایان قرآن بکار ببریم؛ وقتی به صفحه ۶۰۳ رسیدیم و آن را به طور کامل حفظ شدیم، سراغ صفحه ۶۰۴ که آخرین صفحه قرآن است نرویم مگر این که از صفحه ۱ تا ۶۰۳ را مرور کنیم و در صورتی که ایرادی وجود دارد برطرف کنیم، پس از این که اطمینان حاصل کردیم در این بخش هیچ ایراد و اشکالی هر چند جزئی وجود ندارد صفحه ۶۰۴ را حفظ کنیم و حفظ قرآن را به پایان برسانیم.

با توجه به آنچه گفتم مشخص شد که شما باید دو کار انجام بدهید.

اول این که: تا یک صفحه را با تسلط کامل حفظ نکرده‌اید سراغ صفحه بعدی

نروید.

دوم این که: قبل از شروع درس جدید از اول قرآن تا آنجایی را که حفظ کرده‌اید

دوباره مطالعه کنید و هرگونه اشکال و ایراد را برطرف سازید. بعد از این که محفوظات ملکه ذهنتان شد و توانستید خیلی روان، از حفظ تلاوت کنید صفحه جدید را شروع کنید.

و اما کار سومی که کمک خوبی به شما می‌کند این است که هر صفحه را که حفظ می‌کنید یک مرتبه هم بنویسید، چرا که ما در احادیث و روایات داریم که علم فرّار است، آن را با نوشتن قید و زندانی کنید. برای این کار شما یک دفتر تمیز و مرتب را انتخاب کنید و هر صفحه را که به طور کامل از حفظ شدید با نظاره کردن به قرآن یک مرتبه بنویسید، این کار شما پنج منفعت دارد.

اول: خط عربی شما خوب می‌شود؛

دوم: با زبان عربی و شیوه نگارش قرآن بیشتر آشنا می‌شوید؛

سوم: آیات قرآن بهتر در ذهنتان باقی می‌ماند و حفظ کامل می‌شود و امکان

فراموشی از بین می‌رود؛

چهارم: وقتی که حفظ قرآن را به پایان رساندید علاوه بر این که حافظ کل قرآن

شده‌اید یک قرآن کامل هم به دست خود نوشته‌اید؛

پنجم: تا وقتی این قرآن هست هر کس آن را می‌خواند ثواب آن به شما هم می‌رسد

و صدقه جاریه‌ای می‌شود که پس از مرگ هم باعث افزایش رحمت الهی و نورانیت

قبر شما می‌شود؛ این قرآن دست به دست و نسل به نسل می‌گردد و هر نسلی به نسل

بعدی می‌گوید که این قرآن به دست جد یا جده ما نوشته شده است.

با توجه به آنچه بنده گفتم آیا ممکن است کسی قرآن را فراموش کند؟ دقت لازم

داشته باشید که من نگفتم اگر فراموش نکرد یک میلیارد جایزه می‌دهم، بلکه بر عکس

گفتم اگر کسی طبق آنچه بنده گفتم عمل کند اگر فراموش کرد بنده یک میلیارد تومان

به او جایزه می‌دهم.

سؤال: در این روش آخر چه مدت وقت لازم است، از طرفی با این روش که گفتید وقت زیادی طول می‌کشد که

ما بتوانیم قرآن را حفظ کنیم؟

جواب: بنده برای روش‌های قبلی مدت تعیین کردم، برای روش چهارم یک سال،

روش سوّم سه سال، روش خانوادگی پنج سال و برای دوره شیر خوارگی دو سال عرض کردم ولی برای این روش مدّت تعیین نمی‌کنم. ما قرآن را فقط قربة الی الله بخوانیم، نه برای مقام و منصب، نه برای تشویق و جایزه، نه برای مسابقات و مدرک و نه برای حفظ قرآن، چرا که قرآن حافظ ماست، نه این که ما حافظ قرآن هستیم. ما باید در خدمت قرآن باشیم مبلّغ قرآن باشیم.

مطلب دیگر این که اگر کسی یک صفحه از قرآن را به طور کامل و با تسلط حفظ باشد بهتر از این است که کل قرآن را حفظ باشد ولی تسلط نداشته باشد و نتواند روان از حفظ بخواند.

اما جواب قسمت دوم که سؤال شده؛ با این روش، حفظ کل قرآن خیلی طول می‌کشد از شما می‌پرسم: آیا شما تا بحال کار کرده‌اید؟ تجربه کسب کرده‌اید؟ امتحان کرده‌اید؟ آیا شنیده‌اید که می‌گویند اگر شما یک قدم به طرف خدا بروید خدا ده قدم به طرف شما می‌آید؟

آیا می‌دانید که یک روز قیامت برابر چند روز دنیوی است؟ همان طور که در سوره معارج آمده است یک روز قیامت برابر با پنجاه هزار سال این دنیا است. ما درک کرده‌ایم و تجربه حاصل کرده‌ایم که اگر یک قدم به طرف خدا برداریم، خدا دهها هزار گام بلکه صدها هزار گام برای ما بر می‌دارد.

نمی‌دانم شما در برنامه‌هایی که آقا صادق اجرا کرده است حضور داشته و دیده‌اید که خدا چه لطفی به ما کرده است؟ آیا می‌دانید آقا صادق چه مدّت کار کرده که به این مرحله رسیده است؟ مادر مجموع دو سال با آقا صادق کار کردیم، در عرض همین دو سال خداوند لطف کرد و آقا صادق علاوه بر حفظ کل قرآن کریم با ۷۲ نوع اطلاعات، ۷۲ کتاب حدیث و روایت را هم به صورت موضوعی حفظ کرد.

حالا شما خود تعیین کنید که برای حفظ آیات قرآن چه مدّت وقت لازم دارید. من یک مثال دیگر می‌زنم: برادران اهل سنت در ماه رمضان «تراوی» می‌کنند، آیا می‌دانید تراوی چیست؟

آیا می‌دانید نماز تراوی را چگونه می‌خوانند؟

اهل سنت در هر شب ماه رمضان پس از خواندن نماز عشا بیست رکعت نماز می خوانند، این بیست رکعت نماز را به چهار شکل می خوانند:

اول: هر شب در این بیست رکعت یک جزء از قرآن را می خوانند؛ بنابراین پس از یک ماه یک ختم قرآن انجام می شود؛

دوم: هر شب سه جزء از قرآن را می خوانند، در این جا هر ده شب یک ختم قرآن صورت می گیرد در کل ماه سه ختم قرآن انجام می گیرد؛

سوم: هر شب ده جزء از قرآن را تلاوت می کنند و به این صورت هر سه شب یک مرتبه قرآن ختم می شود، و در کل ماه، قرآن ده بار ختم می شود؛

چهارم: در این مورد که «شبینه» نام دارد پس از افطار و خواندن نماز عشا یک دور کامل قرآن را می خوانند، بعد سحری تناول می کنند.

کسی که به شکل آخری عمل کند، در کل ماه رمضان سی ختم قرآن انجام داده است.

خوب، شما بگویید برای هر ختم قرآن چه مدت وقت لازم دارید؟ شش ساعت یا هفت ساعت بیشتر طول نمی کشد، خیلی وقت بگیرد هشت ساعت می شود. وقتی کسی مسلط باشد، هر جزء قرآن را می تواند خیلی سریع و در ده دقیقه یا حداکثر در یک ربع ساعت قرائت کند.

پس دیدید که در کمتر از یک ثلث شبانه روز می توانید یک دور قرآن را ختم کنید. وقتی کسی امتحان نکرده، می گوید وقت زیادی می برد در حالی که این ها و سوسه های شیطان است که می خواهد انسان را از مرحمت الهی دور بدارد؛ شما اول کار کنید، این روش را پیاده کنید، بعد اشکال بگیرید.

به فرض اگر طبق روش آخر حفظ هر صفحه ده روز هم طول بکشد اشکال ندارد چرا که نتیجه و بازدهی خیلی بالاست.

فصل سوم

زندگی در سایه قرآن

بالتواتر بر سر آن گنایا و با این حال آنکه این عیب در صورت بقا در حدیث آن است که گفته اند
این جا افرادی مثل من بدین جهت می آید که در این راه از آنکه در این راه
در این راه که در این راه و این راه و این راه و این راه و این راه و این راه
و این راه و این راه و این راه و این راه و این راه و این راه و این راه و این راه
غذای معصوم اینها را بختگاه و اینها را بختگاه و اینها را بختگاه و اینها را بختگاه
ملاقات که با خود شب که با خود شب که با خود شب که با خود شب که با خود شب
ت و اینها را بختگاه و اینها را بختگاه و اینها را بختگاه و اینها را بختگاه
در این راه و این راه و این راه و این راه و این راه و این راه و این راه و این راه
معصوم اینها را بختگاه و اینها را بختگاه و اینها را بختگاه و اینها را بختگاه

سؤال: در ابتدا اگر ممکن است در مورد محل سکونت و مخارج زندگی خود مطالبی را بیان بفرمایید؟

جواب: در مورد محل زندگی که خودتان ملاحظه می کنید، منزل ما دارای دو، سه اتاق ساده با یک زیر زمین است و حیاط هم ندارد؛ خوشحال هم هستیم که در این مکان در شهر مقدس قم که شهر خون و قیام و شهر علم و اجتهاد است زندگی می کنیم. اما در مورد مخارج زندگی باید خدمتتان عرض کنم، ما از اول که به ایران آمدیم زندگی ساده و با خرج پایین را برگزیدیم و با ماهی پانصد الی ششصد تومان ساختیم و کم کم با گرانی خرج ما زیاد شد، به گونه ای که در سال ۱۳۷۴ خرج خانواده پنج نفره ما به ماهی ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان رسید.

به یاری خدا و عنایت چهارده معصوم علیهم السلام و برکت قرآن کریم فرزندان ما در سال ۱۳۷۴ توانستند، قرآن و احادیث را حفظ کنند و در پرتو این نعمت، خداوند نعمتهای زیاد دیگری به ما عنایت فرمود، به طوری که الآن مخارج زندگی ما به رایگان فراهم می شود و این همه از لطف و برکت حفظ قرآن است، چرا که در قرآن همه موضوعات هست.

سؤال: در زندگی چه کسانی را الگوی خود قرار می دهید؟

جواب: ما مسلمانیم و چهارده معصوم علیهم السلام الگوی ما در همه امور هستند، بنابراین در